

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 308 Date of filing: 18 Feb '91

308-463

** AWARD - Type of Award Final
- Date of Award 18 Feb '91
_____ pages in English 121 pages in Farsi
(Doc No. 463)

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

PARTIAL AWARD

Case No. 308

Chamber Two

دیوان داری دعاوی ایران - ایالات متحدہ

پرونده شماره ۳۰۸

شعبه دو

حکم شماره ۵۰۶-۳۰۸-۲

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دیوان داری دعاوی ایران - ایالات متحدہ
FILED	ثبت شد
DATE	18 FEB 1991
	تاریخ ۲۹ / ۱۱ / ۱۳۶۹

کمبا سچن انجینیرینگ، اینک،

وتکو، اینک،

ناکو یو. کی. لیمیتد،

خواهانها،

- و -

جمهوری اسلامی ایران، سازمان گسترش و

نوسازی صنایع ایران، شرکت خدمات نفت

ایران، شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی

صنایع فولاد ایران، ماشین سازی پارس،

بانک ایران و خاورمیانه، بانک تجارت

خارجی ایران، بانک بازرگانی، بانک

مرکزی، ماشین سازی اراک.

خوانندگان.

DUPLICATE
ORIGINAL
نسخه برابر اصل

 حکم جزئی

حاضران

از طرف خواهانها:

آقای آرتور دبلیو. رواین،

وکیل خواهان،

آقای دیوید زاسلوفسکی،

وکیل خواهان،

آقای ویلیام ئی. هاث،

وکیل خواهان،

آقای لئونارد جانسون،

شاهد کارشناس،

آقای بی. جی. فنتون،

شاهد کارشناس،

آقای ام. اسکلتون،

شاهد کارشناس،

آقای دبلیو. ال. گراپ،

مشاور کمپاسچن انجینیرینگ، اینک.

از طرف خواندگان:

آقای علی حیرانی نوبری،

نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران،

آقای سیف اله محمدی،

مشاور حقوقی نماینده رابط،

آقای جعفر نیاکی،

مشاور حقوقی نماینده رابط،

آقای عباس اجتهادی،

دستیار حقوقی نماینده رابط،

خانم زری صدری تبار،

نماینده شرکت نفت،

خانم شهپر بوذرجمهر،

نماینده شرکت نفت،

آقای سید محسن شهرستانی،

نماینده شرکت نفت،

آقای دکتر جلیل فامیلی،

نماینده شرکت نفت،

آقای فرهاد رحیمی،

نماینده شرکت نفت،

آقای جواد دهقانی تفتی،

نماینده شرکت نفت،

آقای علی عزیزسلطانی،

نماینده شرکت نفت،

آقای خسرو صلح کنان،

نماینده شرکت نفت،

آقای محمد رنگچیان،

نماینده سازمان گسترش و ماشین سازی پارس،

آقای هوشنگ فاریابی،

نماینده ماشین سازی اراک،

آقای چنگیز احمری پور،

نماینده ماشین سازی اراک،

آقای محمد علی به آبادی،

نماینده بانک مرکزی، بانک تجارت و بانک ملت،

آقای حسین شکوهمند،

نماینده ماشین سازی اراک.

سایر حاضران:

آقای مایکل اف. رابوین،

معاون نماینده رابط ایالات متحده امریکا،

خانم لوسی رید،

جانشین آتی نماینده رابط ایالات متحده امریکا.

فهرست مطالب

شماره بند

۱	یک - مقدمه و تاریخچه رسیدگی
۱۸	دو - صلاحیت
۱۸	الف - طرفین
۱۸	۱ - تابعیت و اهلیت خواهانها
۲۲	۲ - خواندگان
۲۴	ب - ادعاها و ادعاهای متقابل
۲۷	سه - ادعاهای ۱ - ۲ و ۲ - ۷
۲۸	الف - واقعیات و اظهارات
۴۲	۱ - ادعای صورتحسابها
۴۴	۲ - ادعای خسارت
۴۶	۳ - ادعای کسورات بیمه اجتماعی
۴۷	۴ - ادعای ۲ - ۷
۵۱	ب - صلاحیت نسبت به ادعاهای ۱ - ۲ و ۲ - ۷
۵۳	ج - ماهیت ادعاهای ۱ - ۲ و ۲ - ۷
۵۳	۱ - ادعای صورتحسابها
۵۹	۲ - ادعای خسارت
۶۳	۳ - ادعای کسورات بیمه اجتماعی
۷۴	۴ - ادعای ۲ - ۷
۷۷	د - ادعاهای متقابل مطروح در قبال ادعای ۱ - ۲
۷۷	۱ - ادعای متقابل شرکت ملی گاز ایران

- ۷۸ ۲ - ادعای متقابل ضمانتنامه‌های حسن انجام کار
۷۹ ۳ - ادعای متقابل بابت خدمات تدارک غذا
۸۲ ۴ - ادعای متقابل برای پرداخت بابت قطع خدمت کارگران
۸۵ ۵ - ادعای متقابل بابت حقوق بیمه اجتماعی
۸۸ ۶ - ادعای متقابل بابت مالیات
۸۹ ۷ - ادعای متقابل آيروس

چهار - ادعای ۲ - ۳

- ۹۰ الف - واقعیات و اظهارات
۹۸ ۱ - ادعای صورتحسابها
۱۰۲ ۲ - ادعای کسورات
۱۰۴ ب - ماهیت ادعای ۲ - ۳
۱۰۴ ۱ - ادعای صورتحسابها
۱۲۰ ۲ - ادعای کسورات
۱۲۸ ج - ادعاهای متقابل مطروح در ادعای ۲ - ۳
۱۲۸ ۱ - ادعاهای متقابل بابت حقوق بیمه اجتماعی و مالیات
۱۲۹ ۲ - ادعای متقابل مربوط به خط لوله ری - ساری
۱۳۰ ۳ - ادعای متقابل مربوط به اسناد و مدارک پروژه
۱۳۱ ۴ - ادعای متقابل مربوط به اجاره‌بهای ملک آقای سلیمانی
۱۳۴ د - صلاحیت نسبت به ادعاهای متقابل مطروح در قبال ادعای ۲ - ۳
۱۳۵ ۱ - ادعای متقابل بابت حقوق بیمه اجتماعی و مالیات
۱۳۶ ۲ - ادعای متقابل مربوط به اجاره‌بهای ملک آقای سلیمانی
۱۴۰ هـ - ماهیت ادعاهای متقابل مطروح در قبال ادعای ۲ - ۳
۱۴۰ ۱ - ادعای متقابل مربوط به خط لوله ری - ساری
۱۴۸ ۲ - ادعاهای متقابل مربوط به اسناد و مدارک پروژه

۱۵۱	پنج - ادعای ۴ - ۲
۱۵۱	الف - واقعیات و اظهارات
۱۶۱	ب - ماهیت ادعای ۴ - ۲
۱۶۱	۱ - اعتبار و قابلیت اجرای موافقتنامه
۱۶۴	۲ - اجرای قرارداد توسط ونگو ایران
۱۶۹	شش - ادعای ۵ - ۲
۱۶۹	الف - واقعیات و اظهارات
۱۷۳	ب - ماهیت ادعای ۵ - ۲
۱۷۸	هفت - ادعای ۶ - ۲
۱۷۸	الف - واقعیات و اظهارات
۱۸۳	ب - صلاحیت رسیدگی به ادعای ۶ - ۲
۱۸۶	هشت - ادعای ۲ - ۳
۱۸۶	الف - واقعیات و اظهارات
۱۹۲	۱ - ادعای مربوط به پرداخت حق امتیاز
۱۹۴	۲ - ادعای مربوط به بررسی طرح کارخانه
۱۹۶	۳ - ادعای هزینه‌های درمانی
۱۹۹	ب - ماهیت ادعای ۲ - ۳
۱۹۹	۱ - اعتبار قراردادهای امتیاز
۲۰۲	۲ - ادعای مربوط به پرداخت حق امتیاز
۲۱۰	۳ - ادعای مربوط به بررسی طرح کارخانه
۲۱۳	۴ - ادعای هزینه‌های درمانی
۲۱۵	ج - ادعاهای متقابل ماشین سازی اراک

- ۲۱۵ ۱ - واقعیات و اظهارات
- ۲۱۷ د - صلاحیت رسیدگی به ادعای متقابل ماشین سازی اراک
- ۲۱۸ ه - ماهیت ادعای متقابل ماشین سازی اراک
- ۲۱۹ نه - ادعای ۳ - ۳
- ۲۱۹ الف - واقعیات و اظهارات
- ۲۲۳ ب - ماهیت ادعای ۳ - ۳
- ۲۲۵ ده - ادعای ۱ - ۵
- ۲۲۵ الف - واقعیات و اظهارات
- ۲۳۹ ب - صلاحیت رسیدگی به ادعاهای متقابل مطروح در قبال ادعای ۵-۱
- ۲۴۴ یازده - بهره
- ۲۴۵ دوازده - هزینه‌ها
- ۲۴۶ سیزده - حکم

یک - مقدمه و تاریخچه رسیدگی

۱ - خواهانها، کمباسچن انجینیرینگ، اینک ("کمباسچن")، ونگو، اینک ("وتکو اینک") کرسٹ انجینیرینگ، اینک ("کرسٹ") و ناتکو یو. کی. لیمیتد ("ناتکو یو. کی.") که همگی شرکتهای امریکایی می باشند در تاریخ ۲۵ دیماه ۱۳۶۰ [۱۵ ژانویه ۱۹۸۲] اصالتا و وکالتا از طرف شرکتهای تابعه خود، ونگو اینترنشنال آ. گ ("ویاگ")، ونگو ایران لیمیتد ("وتکو ایران") ونگو اورسیز ان. وی. ("وتکو ان. وی.") و ونگو اورسیزه لیمیتد ("وتکو لیمیتد") دادخواستی علیه خواندگان، جمهوری اسلامی ایران ("ایران") و مشخصا، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران ("سازمان گسترش")، شرکت خدمات نفت ایران ("آسکو")، شرکت ملی نفت ایران ("شرکت نفت")، شرکت ملی صنایع فولاد ایران ("فولاد ایران")، ماشین سازی پارس، بانک ایران و خاورمیانه و بانک بازرگانی (هر دو بانک اخیر اینک بانک تجارت نامیده می شوند)، بانک تجارت خارجی ایران که اینک به بانک ملت معروف است، بانک مرکزی، شرکت توانیر، ماشین سازی اراک، شرکت (سهامی) مهندسین کرسٹ ایران با مسئولیت محدود ("کرسٹ ایران") و بنیاد مستضعفان به ثبت رساندند.

۲ - خواهانها در دادخواست، سیزده فقره ادعای مختلف را مشخص کرده اند که تعدادی از آنها از ادعاهای فرعی جداگانه ای تشکیل شده است. ادعاها به ترتیب زیر شماره گذاری شده اند. ۲-۱، ۲-۲، ۲-۳، ۲-۴، ۲-۵، ۲-۶، ۲-۷، ۳-۱، ۳-۲، ۳-۳، ۴-۱، ۴-۲، ۵-۱. خواهانها ابتدا کلا "مبلغی در حدود /- ۷،۲۰۲،۰۰۰ * دلار مطالبه کردند. این مبلغ طی جریان رسیدگی و ضمن استماع چندین بار اصلاح گردید که در موارد لزوم در زیر تشریح خواهد شد.

* در این حکم، منظور از ارقام دلاری، دلار امریکاست.

- ۳ - در فاصله اکتبر تا دسامبر ۱۹۸۲ کلیه خوانندگان لوایح دفاعی به ثبت رساندند که برخی از آنها حاوی ادعاهای متقابل می‌باشد و در زیر تشریح خواهد شد.
- ۴ - در تاریخ ۱۳ مهرماه ۱۳۶۲ [پنجم اکتبر ۱۹۸۳] دیوان پیرو موافقتنامه حل و فصل منعقدہ بین کمباسچن انجینیرینگ و شرکت تولید و انتقال نیروی ایران (شرکت توانیر) یک حکم جزئی مبتنی بر شرایط مرضی الطرفین (حکم شماره ۲-۳۰۸-۸۱ مورخ ۱۳ مهرماه ۱۳۶۲ برابر با پنجم اکتبر ۱۹۸۳، چاپ شده در 3 Iran-U.S. C.T.R. 366) صادر کرد که طی آن به بخشی از ادعا که تحت شماره ۱-۳ مشخص شده بود، فیصله داده شد. با حل و فصل این ادعا، کلیه اختلافات مربوط به شرکت توانیر حل گردید. بنابراین، شرکت توانیر دیگر در پرونده حاضر طرف دعوا نیست.
- ۵ - در تاریخ دهم آبانماه ۱۳۶۸ [اول نوامبر ۱۹۸۹] به طرفین اطلاع داده شد که به دلایل شکلی ادعای شماره ۲-۲ از سایر ادعاهای این پرونده تفکیک شده و متعاقباً مورد رسیدگی واقع خواهد شد.
- ۶ - در تاریخ سوم اسفندماه ۱۳۶۸ [۲۲ فوریه ۱۹۹۰] پیرو موافقتنامه حل و فصل منعقدہ بین کمباسچن انجینیرینگ و شرکت تابعه صد درصد متعلق به آن، کرسٹ انجینیرینگ از یک طرف و بنیاد مستضعفان و مهندسین کرسٹ ایران از طرف دیگر، دیوان یک حکم جزئی مبتنی بر شرایط مرضی الطرفین (حکم شماره ۲-۳۰۸-۴۷۲ مورخ سوم اسفندماه ۱۳۶۸ برابر با ۲۲ فوریه ۱۹۹۰) صادر کرد که به ادعاهای شماره ۱-۴ و ۲-۴ فیصله داد. با حل و فصل این ادعاها، کلیه اختلافات بین طرفین مربوط حل گردید. بنابراین، کرسٹ انجینیرینگ، بنیاد مستضعفان و شرکت مهندسین کرسٹ ایران دیگر در پرونده حاضر طرف دعوا نیستند.
- ۷ - براین اساس، ادعاهای شماره ۱-۲، ۲-۳، ۲-۴، ۲-۵، ۲-۶، ۲-۷، ۲-۸، ۳-۲، ۳-۳ و ۵-۱، موضوع حکم جزئی حاضر می‌باشند.

۸ - کمباسچن و وتکو اینک تحت ادعای ۱-۲ مبلغ /- ۱،۲۴۹،۹۳۷ دلار از طرف شرکت تابعه خود، وتکو ایران بابت صورتحسابهای پرداخت نشده موضوع دو قرارداد و نیز بابت خسارات محتمله در اثر فسخ آن قراردادها و همچنین بابت استرداد کسور بیمه اجتماعی از آسکو و شرکت نفت مطالبه کرده‌اند. خواننده ادعای متقابلی طرح و مبلغ /- ۹،۶۱۹،۹۵۹ دلار بابت خسارت تحت دو قرارداد بازرسی لوله، استرداد وجه دو فقره ضمانتنامه حسن انجام کار، بابت خدمات تهیه غذا، حقوق خاتمه خدمت کارگران، حقوق بیمه اجتماعی، مالیاتهای تأدیه نشده و استرداد وجهی که شرکت خدمات نفت ایران به وتکو ایران پرداخته، مطالبه کرده است.

۹ - در ادعای ۲-۳ کمباسچن از طرف شرکت تابعه خود، ویاگ ادعایی علیه شرکت نفت طرح کرده و وجه خدمات قراردادی ارائه شده و بازپس گرفتن وجوه نگهداری شده را خواستار است. مبلغ ادعا /- ۷۳۸،۶۴۷ دلار است. خواننده ادعاهای متقابلی به مبلغ /- ۸۰۴،۲۲۹،۷۹۰ ریال به ثبت رسانده، در ادعای متقابل اول حقوق بیمه اجتماعی تأدیه نشده به علاوه جریمه آنها و در ادعای متقابل دوم مالیاتهای تأدیه نشده را مطالبه کرده و در ادعای متقابل سوم اظهار داشته است که در نتیجه سوء اجرای قرارداد از ناحیه ویاگ، خساراتی متحمل شده است. خواننده همچنین ادعا می‌کند که در نتیجه عدم تحویل اسناد مختلف توسط ویاگ، متضرر شده است. پنجمین ادعای متقابل خواننده بابت استرداد وجهی است که در اجرای قرار صادره توسط دادگاه عمومی اهواز علیه "وتکو"، پرداخت شده است.

۱۰ - کمباسچن و وتکو اینک در ادعای ۲-۴ از طرف شرکت تابعه خود، وتکو ایران ادعا کرده‌اند که وتکو ایران خدماتی جمعا" به ارزش /- ۱۰۴،۱۴۹ دلار طبق صورتحساب، برای ماشین سازی پارس انجام داده و خواننده وجه این خدمات را نپرداخته است. خواهانها وصول این مبلغ را مطالبه می‌کنند.

۱۱ - ادعای ۲-۵ ادعای گرامتی است بابت "ارزش خالص دفتری" اموالی که حسب ادعا توسط ایران توقیف یا صادره شده است. کمباسچن و وتکو اینک از طرف شرکت تابعه خود، وتکو ایران از این بابت جمعا مبلغ /- ۲۴۴،۵۵۰ دلار مطالبه کرده‌اند.

۱۲ - ادعای ۲-۶ ادعایی است بابت وصول ۱،۷۱۷/۲۵ دلار جهت استرداد کل مانده بستانکار حسابهای ریالی بانکی که حسب ادعا وتکو ایران و ویاگ در بانکهای مختلف ایرانی باقی گذارده‌اند.

۱۳ - در ادعای ۲-۷ کمباسچن و وتکو اینک از طرف شرکتهای تابعه خود، وتکو ایران، ویاگ، وتکو ان.و. و وتکو لیمیتد مبلغ ۳۹۵،۳۸۲/۱۴ دلار بابت هزینه‌هایی که برای بازگرداندن پرسنل شرکتهای خود از ایران در ژانویه ۱۹۷۹ متحمل شده‌اند، مطالبه می‌کنند. نامبردگان همچنین مبلغ ۴۷،۳۴۱/۳۰ دلار بابت استرداد وجهی که به یکی از کارمندان سابق وتکو اینک بابت از بین رفتن اثاث شخصی وی پرداخت شده است، مطالبه می‌کنند.

۱۴ - در ادعای ۳-۲، کمباسچن بابت صورتحسابهای پرداخت نشده موضوع دو قرارداد امتیاز منعقد با ماشین سازی اراک و نیز بابت بازپرداخت هزینه‌های درمانی که کمباسچن بابت مدیرعامل ماشین سازی اراک پرداخته، مبلغ /- ۲۸۶،۵۶۷ دلار مطالبه می‌کند.

۱۵ - در ادعای ۳-۳ کمباسچن مبلغ /- ۷،۵۰۰ دلار بابت برنامه آموزشی که در ایالات متحده برای یکی از کارمندان سازمان گسترش ارائه شده از آن سازمان مطالبه می‌کند.

۱۶ - ادعای ۵-۱ ناشی از اختلافی است بر سر قراردادی که به موجب آن قرار بود

ماشین سازی اراک تعدادی دستگاه دمنده برای ناتکو یو. کی. بسازد. خواهان مبلغ ۱۰۶،۴۳۴/۲۵ پوند به عنوان غرامت نقض قرارداد از ماشین سازی اراک مطالبه می کند که شامل هزینه های واقعی متحمله توسط ناتکو یو. کی. به علاوه عدم النفع است. خواننده شش فقره ادعای متقابل بالغ بر ۸،۸۰۲،۶۲۳/۶۰ دلار اقامه کرده است. (۱) ادعای متقابل اول مبتنی بر نقض ادعایی قرارداد دستگاههای دمنده توسط ناتکو یو. کی. می باشد و پنج ادعای متقابل باقیمانده مربوط به قراردادهای منعقد با کمباسچن انجینیرینگ ناتکو است که بخشی فاقد شخصیت حقوقی از کمباسچن می باشد.

۱۷ - جلسه استماع مقدماتی در سوم اسفندماه ۱۳۶۲ [۲۲ فوریه ۱۹۸۴] و جلسه استماع پرونده از ۳۰ بهمن ماه تا سوم اسفندماه ۱۳۶۸ [۱۹ تا ۲۲ فوریه ۱۹۹۰] تشکیل گردید.

دو - صلاحیت

الف - طرفین

۱ - تابعیت و اهلیت خواهانها

۱۸ - کمباسچن، وتکو اینک و ناتکو یو. کی. لیمیتد، مدارکی در اثبات تابعیت خود تسلیم کرده اند که در مجموع دیوان را متقاعد کرده است که نامبردگان طبق تعریف مندرج در بند ۱ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، اتباع ایالات متحده می باشند و

۱ - ماشین سازی اراک در لایحه دفاعی خود ادعای متقابلی گنجانده که در آن اظهار شده است که: کمباسچن مبلغ ۸۸،۷۰۵/- ریال و وتکو ایران مبلغ ۱۷،۱۳۴،۸۱۱ ریال ... بابت مالیات و نیز مبالغی بابت حقوق بیمه اجتماعی ... بدهکارند. ماشین سازی اراک این ادعای متقابل را بسط نداده یا مدلل نساخته است. براین اساس دیوان آن را ترک شده تلقی می کند.

مضافاً اینکه ادعاهای ایشان با الزامات دیوان راجع به موضوع تابعیت ادعا تطبیق می‌کند. خواهانها برای اثبات تابعیت خود مدارکی به شرح زیر تسلیم کرده‌اند: گواهی دبیر [مسئول ثبت شرکتهای] ایالت کالیفرنیا مبنی بر ثبت وتکو اینک در آن ایالت و دو فقره گواهی از دبیر [مسئول ثبت شرکتهای] ایالت دلهور مبنی بر تشکیل کمباسچن و ناتکو یو. کی. در ایالت دلهور، شهادتنامه‌ای از یکی از مقامات کمباسچن، وکالتنامه‌های تفویض حق راعی که در حوالی تاریخ رویدادهایی که موضوع پرونده حاضر است صادر شده بود، و نیز یک برگ گواهی از یک مؤسسه حسابرسی.

۱۹ - چندین ادعا هم بطور غیر مستقیم از طرف شرکتهای تابعه غیر امریکایی خواهانها، یعنی وتکو اینترنشنال آ. گ، وتکو ایران لیمیتد، وتکو اورسیز ان. و. و وتکو اورسیز لیمیتد اقامه شده است. بر طبق بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی ادعاهای غیر مستقیم مطروح توسط اتباع امریکایی در حیطه صلاحیت دیوان است، مشروط بر آنکه "منافع مالکیت چنین اتباعی، مجتمعا" در زمان اقامه ادعا برای کنترل شرکت یا شخص حقوقی دیگر در حد لازم بوده و علاوه بر آن، مشروط بر اینکه شرکت و یا شخص حقوقی خود در چارچوب این بیانیه حق اقامه دعوا نداشته باشد."

۲۰ - خواهانها یک برگ گواهی از یک مؤسسه رسمی حسابرسی تسلیم کرده‌اند که اظهارات خواهانها را مبنی بر اینکه ۱۰۰٪ سهام وتکو لیمیتد متعلق به وتکو ان. وی. است و شرکت اخیر نیز تماما" متعلق به وتکو اینک می‌باشد، تأیید می‌کند.

۲۱ - گواهی مذکور همچنین حاکی است که ۷۵٪ سهام وتکو ایران متعلق به ویاگ است که سهام خود آن نیز همه متعلق به وتکو اینک می‌باشد. (۲) براین اساس، خواهانها

۲ - در دهم دیماه ۱۳۵۶ [۳۱ دسامبر ۱۹۷۷] کلیه ۶۰۰ سهم، به استثنای ۳ سهم که متعلق به مدیران ویاگ بود، به وتکو اینک تعلق داشت.

طبق مفاد بیانیه حل و فصل دعاوی حق دارند ادعاهای ویباگ، وتکو ایران، وتکو ان.و. و وتکو لیمیتد را به صورت غیر مستقیم طرح کنند. طبق رویه دیوان، خواهانها می‌توانند ۱۰۰٪ محکوم به ادعاهایی را که از طرف ویباگ مطرح کرده‌اند وصول کنند. نگا: بند ۹ حکم شماره ۲-۸۳۴-۲۹۵ مورخ هفتم فروردین ماه ۱۳۶۶ [۲۷ مارس ۱۹۸۷] صادره در پرونده اشگل کوریوریشن و شرکت ملی صنایع مس ایران، چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. 176 14. خواهانها استدلال می‌کنند که حق اقامه ادعاهای غیر مستقیم از طرف وتکو ایران نامبردگان را ذیحق می‌سازد که علیرغم اینکه فقط مالک ۷۵٪ آن شرکت هستند، ۱۰۰٪ هر مبلغی را که وتکو ایران طلبکار تشخیص داده شود، وصول کنند. با این وصف، خواهانها اذعان دارند که به مدت ده سال با سهامدار ایرانی صاحب ۲۵٪ بقیه سهام وتکو ایران تماسی نداشته‌اند. بدین ترتیب، خواهانها از طرف سهامدار اقلیت نمایندگی ندارند و نمی‌توانستند داشته باشند و مدرکی وجود ندارد که آنها قانوناً مکلف باشند هر مبلغی را که از طرف وتکو ایران وصول می‌کنند به آن شخص بپردازند. بنابراین دیوان مقرر می‌دارد که حق خواهانها در ادعاهای مطروح از طرف وتکو ایران به وصول ۷۵٪ مبلغ محکوم‌به، محدود می‌باشد. نگا: بند ۳۲ حکم شماره ۲-۹۷-۲۳۲ مورخ ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۶۵ [دوم مه ۱۹۸۶] صادره در پرونده هارزا و دیگران و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. 76 11.

۲ - خواندگان

۲۲ - اختلافی نیست در اینکه دولت ایران بر طبق تعریف مندرج در بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، خوانده صحیح نزد دیوان است و کاملاً محرز شده است که شرکت نفت در تاریخ موافقتنامه‌های الجزیره جزو تشکیلات دولت ایران بوده و جانشین حقوق و تعهدات آسکو می‌باشد. نگا: قرار اعدادی شماره ۴۳-۱ دیوان عمومی،

مورخ ۱۸ آذرماه ۱۳۶۱ [نهم دسامبر ۱۹۸۲] صادره در پرونده اویل فیلد
آونگراس اینکوریوریتد و جمهوری اسلامی ایران و دیگران ، چاپ شده
در 347 Iran-U.S. C.T.R. 1 . دیوان قبلا" نظر داده است و طرفین هم بحثی
ندارند که ماشین سازی پارس و ماشین سازی اراک به واسطه سازمان گسترش و
نوسازی صنایع ایران واحدهای تحت کنترل دولت ایران می باشند. نگا: حکم شماره
۱۸۰-۱۴۴ مورخ ۲۲ تیرماه ۱۳۶۳ [۱۳ ژوئیه ۱۹۸۴] صادره در پرونده
هارنیشگر کوریوریشن و وزارت راه و ترابری و دیگران ، چاپ
شده در 90 Iran-U.S. C.T.R. 7 ، و حکم شماره ۱-۱۸۱-۲۹۴ مورخ ۱۳
اسفندماه ۱۳۶۵ [چهارم مارس ۱۹۸۷] صادره در پرونده بکتل
اینکوریوریتد و دیگران و جمهوری اسلامی ایران و دیگران ، چاپ
شده در 149 Iran-U.S. C.T.R. 14 . همچنین بحثی نیست که بانک تجارت،
بانک ملت و بانک مرکزی مشمول تعریف مندرج در بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و
فصل دعاوی می باشند. نگا: حکم شماره ۱-۴۴۸-۲۸۳ مورخ ۲۸ آذرماه ۱۳۶۵
[۱۹ دسامبر ۱۹۸۶] صادره در پرونده ترینینگ سیستمز کوریوریشن و بانک
تجارت و دیگران ، چاپ شده در 331 Iran-U.S. C.T.R. 13 و حکم شماره
۲-۲۸۴-۳۰۴ مورخ نهم اردیبهشت ماه ۱۳۶۶ [۲۹ آوریل ۱۹۸۷] صادره در
پرونده اوتیس الویتور کامپنی و جمهوری اسلامی ایران و دیگران ،
چاپ شده در 283 Iran-U.S. C.T.R. 14 .

۲۳ - بنابراین دیوان بر این نظر است که کلیه خواندگان طبق تعریف مندرج در بیانیه حل
و فصل دعاوی خواندگان صحیح می باشند.

ب - ادعاها و ادعاهای متقابل

۲۴ - دیوان متقاعد شده است که کلیه ادعاها طبق تعریف بند ۱ ماده دو بیانیه حل و

فصل دعاوی از "دیون، قراردادها... ضبط اموال و یا هر اقدام دیگری که موثر در حقوق مالکیت باشد" ناشی می‌شوند.

۲۵ - دیوان معتقد است که ادعاهای شماره ۲-۱، ۲-۳، ۲-۴، ۲-۵، ۲-۷، ۳-۲ و ۳-۳ در تاریخ موافقتنامه‌های الجزیره پابرجا و از تاریخ بروز تا تاریخ آن موافقتنامه‌ها مستمرا" متعلق به خواهانها بوده است. این مسأله که آیا ادعاهای ۲-۶ و ۵-۱ در تاریخ موافقتنامه‌های الجزیره پابرجا بوده‌اند یا خیر در بندهای ۱۸۳-۱۸۵ و ۲۴۲-۲۳۹ زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲۶ - سایر مسائل صلاحیتی مرتبط با موضوعاتی که به ادعاها و ادعاهای متقابل خاصی مربوط می‌شود در چهارچوب همان ادعاها و ادعاهای متقابل در زیر مورد بحث قرار خواهند گرفت.

سه - ادعاهای ۲-۱ و ۲-۷

۲۷ - نظر به ارتباط نزدیک بین بخش اصلی ادعای ۲-۷ با قراردادها - و فسخ آنها - که موضوع ادعای ۲-۱ می‌باشد، ادعای ۲-۷ در چهارچوب ادعای ۲-۱ مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

الف - واقعیات و اظهارات

۲۸ - ادعای ۲-۱ ادعایی است که کمباسچن و وتکو اینک از طرف وتکو ایران علیه آسکو و شرکت نفت به ثبت رسانده‌اند. خواهانها جمعا" مبلغ /-۹۳۷،۲۴۹،۱ دلار به علاوه بهره متعلقه تحت سه عنوان مطالبه کرده‌اند، بدین شرح: مبلغ /-۷۲۳،۶۴۶ دلار بابت وجه صورتحسابهای پرداخت نشده مربوط به خدمات انجام شده طبق دو

قرارداد منعقد بین وتکو ایران و آسکو، مبلغ /- ۳۴۸،۲۲۸ دلار بابت خسارات متحمل در نتیجه فسخ آن قراردادها و مبلغ /- ۲۵۴،۹۸۶ دلار بابت استرداد کسور بیمه اجتماعی. خواندگان هفت فقره ادعای متقابل بالغ بر /- ۹،۶۱۹،۹۵۹ دلار به ثبت رسانده‌اند که در بندهای ۸۹ - ۷۷ زیر مورد بحث واقع شده است.

۲۹ - این ادعا از مشارکت وتکو ایران در پروژه مواد خام (Feedstock) شرکت پتروشیمی ایران و ژاپن ناشی می‌شود. این پروژه بخشی از برنامه عظیم احداث مجتمع پتروشیمی در بندر خمینی (بندر شاهپور سابق) بود. قرار بود مواد خام مجتمع از گاز طبیعی میدانهای نفتی اهواز و مارون واقع در نزدیکی محل پروژه تأمین شود. اینکار مستلزم احداث دو کارخانه برای مایع کردن گاز طبیعی در میدانهای نفتی و همچنین ایستگاههایی برای گردآوری و تلمبه‌زنی گاز برای استفاده آن کارخانه‌ها بود. آسکو یک شرکت امریکایی به نام رالف ام. پارسونز ("پارسونز") را به عنوان پیمانکار عامل این کار ساختمانی به خدمت گمارد. پارسونز را "سا" کار را انجام نمی‌داد، بلکه کار سایر پیمانکارانی را که مستقیماً با آسکو قرارداد داشتند، نظارت می‌کرد.

۳۰ - وتکو ایران یکی از آن پیمانکاران بود. در سال ۱۹۷۷ شرکت یاد شده دو قرارداد با آسکو منعقد کرد که اجرای هر دوی آنها از ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۵۶ [۱۹ مه ۱۹۷۷] آغاز می‌شد. طبق قرارداد شماره ۷۷/۰۰۶ / مجتمع پتروشیمی (۰۰۶) پرسنل وتکو ایران مساحی مهندسی را انجام می‌دادند و کار سایر پیمانکاران مجتمع پتروشیمی را واری می‌کردند. طبق قرارداد ۷۷/۰۰۷ / مجتمع پتروشیمی (۰۰۷) پرسنل وتکو ایران خاک و بتون و آسفالت طرح را آزمایش و بازرسی می‌کردند.

۳۱ - بافت کلی دو قرارداد مزبور کاملاً یکسان بود. هر یک از دو قرارداد حاوی مناقصه، فرم ضمانتنامه حسن انجام کار، جداول نرخها و نیازهای پرسنلی و شرایط

اختصاصی و شرح حدود خدمات و مصالحی بود که باید به کار می‌رفت. شرایط عمومی قراردادهای خدماتی آسکو نیز در هر یک از قراردادهای گنجانده شده بود.

۳۲ - ماده ۲۳ شرایط عمومی ناظر بر پرداخت قیمت قرارداد بود و مقرر می‌داشت که وتکو ایران صورتحسابهای ماهانه به آسکو تسلیم کند. این صورتحسابها باید به تأیید نماینده آسکو - که در این مورد پارسونز بود - می‌رسید. پس از تأیید پارسونز آسکو مکلف بود مبلغ صورتحساب را منهای پاره‌ای کسور ظرف سی روز از تاریخ دریافت صورتحساب، به وتکو ایران بپردازد.

۳۳ - در ماده ۲۳ همچنین مبالغی که از وجوه پرداختی به وتکو ایران باید کسر می‌شد تشریح شده بود. طرفین توافق کرده بودند "از کلیه مبالغ ناخالص قابل پرداخت به موجب قرارداد" ۵/۵ درصد به صورت مالیات تکلیفی کسر شود. به علاوه، آسکو "از کلیه مبالغ ناخالص قابل پرداخت ۵٪ دیگر" به عنوان تضمین تعهد وتکو ایران به پرداخت حقوق بیمه اجتماعی بر می‌داشت. ماده مزبور همچنین شرایط آزاد شدن کسور بیمه اجتماعی را بدین شرح مشخص می‌کرد: وتکو ایران باید (الف) صورتحسابی بابت جمع مبالغ برداشت شده ارائه دهد. (ب) مفاصا حسابی از سازمان تأمین اجتماعی مبنی بر اینکه یا کلیه حقوق بیمه اجتماعی خود را پرداخته یا از پرداخت آن معاف بوده" تسلیم نماید و (ج) مدرکی دال بر صدور هر تجهیزاتی که برای پروژه وارد کرده، ارائه دهد.

۳۴ - شرایط عمومی قرارداد حاوی یک رشته مواد ناظر بر فسخ قرارداد و پیامدهای آن بود. طبق این شرایط، آسکو حق داشت قراردادهای را با دادن اخطار شصت روزه بدون ارائه دلیل فسخ کند. چنانچه آسکو بدون ارائه دلیل قرارداد را فسخ می‌کرد، در آن صورت مکلف بود اجرت خدماتی را که وتکو ایران تا تاریخ فسخ انجام داده به علاوه مبلغی به عنوان "سود معقول" به وتکو ایران بپردازد.

۳۵ - بالاخره شرایط عمومی حاوی قید فورس‌ماژوری بود که به موجب آن هرگونه تاخیر در اجرا که فقط باید ناشی از حادثه‌ای می‌شد که منطقا" قابل پیش‌بینی یا در کنترل یک طرف نبود نقض قرارداد شناخته نمی‌شد. قراردادهای تابع قوانین ایران بودند و اختلافات طرفین باید به داوری ارجاع می‌شد.

۳۶ - وتکو ایران بابت ساعات کار معمولی پرسنل خود به صورت روزانه برای آسکو صورتحساب می‌فرستاد. برای اضافه کار صورتحساب به نرخهای مختلف و ساعتی تهیه می‌شد. بابت استفاده از برخی از وسایل نیز براساس نرخهای ساعتی و روزانه، مبالغی به وتکو ایران پرداخت می‌شد. کارمندان برگهای هفتگی برای ساعات کار خود تنظیم می‌کردند. این برگها را سرپرست وتکو ایران و نماینده پارسونز تأیید و امضا می‌کردند. وتکو ایران از برگهای ساعات کار "گزارش کار گروه" را تهیه می‌کرد. در این گزارشها ساعات کاری که پرسنل وتکو ایران تحت هر قرارداد انجام داده بودند و همچنین استفاده از تجهیزات منعکس می‌شد. وتکو ایران گزارشهای کار را برای تصویب و امضا ابتدا به مدیر کارگاه پارسونز و سپس به مدیر کارگاه آسکو تسلیم می‌کرد. مدیران پروژه وتکو ایران با استفاده از اطلاعات مندرج در گزارشهای کار برای هر قرارداد صورتحسابهای ماهانه تنظیم می‌کردند. این صورتحسابها همراه با برگهای ساعات کار و گزارشهای کار موعید آنها، برای تأیید به پارسونز تسلیم و سپس برای پرداخت به آسکو داده می‌شد.

۳۷ - ناآرامیهای انقلاب که در اواخر ۱۹۷۸ گریبانگیر ایران شده بود کار پروژه مجتمع پتروشیمی را مختل و سرانجام متوقف کرد. پارسونز در پایان دسامبر تصمیم گرفت کارمندان خارجی خود را خارج کند و آسکو نیز بلافاصله از وی پیروی کرد.

۳۸ - مدیران وتکو ایران نیز پس از قدری تأمل تصمیم گرفتند به سایرین پیوسته از ایران خارج شوند. آقای مایکل اسکلتون مدیر پروژه وتکو ایران در اهواز، در دهم دیماه

۱۳۵۷ [۳۱ دسامبر ۱۹۷۸] با دکتر جلیل فامیلی، مدیر آسکو در پروژه مجتمع پتروشیمی ملاقات کرد. حسب اظهار، آقای اسکلتون به دکتر فامیلی گفت که وتکو ایران آماده است بر سر کار خود باقی بماند. آقای اسکلتون پیشنهاد کرد که در غیاب پارسونز وتکو ایران مستقیماً زیر نظر آسکو باشد یا نقش پارسونز را از لحاظ نظارت کلی بر عهده گیرد. حسب اظهار، دکتر فامیلی پاسخ داد که طبق قرارداد این راه حلها امکان ندارد. با رفتن پارسونز از ایران، وجود وتکو ایران زائد بود، زیرا وتکو ایران اختیار صدور دستور به سایر پیمانکاران را نداشت. طبق اظهار آقای اسکلتون، "دکتر فامیلی این نکته را کاملاً روشن ساخت که دیگر برای وتکو ایران در پروژه مجتمع پتروشیمی کاری وجود ندارد". حسب ادعا، دکتر فامیلی موضع خود را در جلسه دیگری که روز بعد با آقای اسکلتون داشت تکرار کرد. دکتر فامیلی در شهادتنامه خود این بازگویی از مکالمات خود با آقای اسکلتون را "نادرست" توصیف کرده است. وی در این باره توضیح بیشتری نداده، و فقط گفته است که کار وتکو در پروژه "مدتها قبل خاتمه یافته بود". دکتر فامیلی گزارش پیشرفت کاری از پارسونز، همراه با چند قطعه عکس به شهادتنامه خود ضمیمه کرده تا نشان دهد که وتکو ایران بعد از سپتامبر ۱۹۷۸ دیگر کاری برای انجام دادن نداشت. در جلسه استماع، وی شهادت داد که به عقیده وی، حتی نمودارهای تسلیم شده همراه شهادتنامه آقای اسکلتون ثابت می‌کند که کار وتکو ایران تا سپتامبر ۱۹۷۸ به اتمام رسیده بود.

۳۹ - آقای بری جی. فنتون، رئیس کل و مدیرعامل وتکو ایران، در تلکس ۱۲ دیماه ۱۳۵۷ [دوم ژانویه ۱۹۷۹] خود این وضعیت را تشریح کرده است. تلکس ضمن اشاره به "آسکو/پارسونز" اشعار می‌دارد: "کار از ناحیه ما تعطیل گردید. پارسونز ایران را ترک کرده است. کارفرما مایل است کار ادامه یابد ولی در غیاب پارسونز مکانیزم قرارداد نیاز به اصلاح دارد". این تنها مدرک موجود در سوابق، مربوط به آن زمان است که با پایان کار وتکو ایران در پروژه مجتمع پتروشیمی ارتباط می‌یابد.

۴۰ - پس از ملاقات آقای اسکلتون با دکتر فامیلی، وتکو ایران تصمیم گرفت کارمندان خارجی خود در اهواز را حداقل به صورت موقت خارج کند. بر این اساس، اکثر کارمندان وتکو ایران در ۱۱ و ۱۲ دیماه [اول و دوم ژانویه] با پروازهایی که آسکو ترتیب داده بود به آتن سفر کردند. آقای اسکلتون صورتحسابهای ماه دسامبر را در اوایل ژانویه به دفتر پارسونز تسلیم و در ۲۲ دیماه [۱۲ ژانویه] ایران را ترک کرد. بعد از عزیمت کارمندان خارجی وتکو ایران، آقای اسکلتون بار دیگر با دکتر فامیلی ملاقات کرد و به وی اطلاع داد که پرسنل وتکو ایران در آتن آماده به خدمت هستند و به محض بازگشت پارسونز و آسکو، [به ایران] مراجعت خواهند کرد. بعداً در همان ماه، وتکو ایران به این نتیجه رسید که کار پروژه مجتمع پتروشیمی به زودی از سر گرفته نخواهد شد. بنابراین شرکت کارمندان خود را به لندن منتقل کرد و در ۱۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ [اول فوریه ۱۹۷۹] به خدمت آنها خاتمه داد. در آن تاریخ هنوز چند صورتحساب وتکو ایران پرداخت نشده بود.

۴۱ - وتکو ایران سعی کرد وجه صورتحسابهای پرداخت نشده خود را در ماههای بعد از این حوادث وصول کند. طبق اظهار آقای فنتون، وی فتوکپی شش صورتحساب معوقه را همراه با گزارشهای کار و برگهای ساعات کار موعید آنها در مارس ۱۹۷۹ به اهواز برد و در ۱۳ اسفندماه ۱۳۵۷ [چهارم مارس ۱۹۷۹] آنها را به آقای سیروس فیروزی جانشین دکتر فامیلی تسلیم کرد. آقای فنتون در ماه ژوئن به اهواز مراجعت کرد و حسب ادعاء آقای فیروزی در آن هنگام به وی گفت که آسکو وجه صورتحسابهای مستند به گزارشهای کاری را که دارای امضای یکی از نمایندگان پارسونز باشد، خواهد پرداخت. آقای فنتون اطمینانهایی را که آقای فیروزی داده بود در یک یادداشت داخلی به تاریخ ۲۹ خردادماه ۱۳۵۸ [۱۹ ژوئن ۱۹۷۹] شرح داده و همچنین ادعا کرده است که نامه‌ای به فارسی مبنی بر اجازه پرداخت این وجه توسط اداره امور مالی آسکو از آقای فیروزی دریافت کرد. ولی اداره امور مالی از پرداخت وجه به وتکو ایران امتناع کرد.

۱ - ادعای صورتحسابها

۴۲ - خواهانها وجه شش فقره صورتحساب پرداخت نشده بابت خدماتی را که به موجب قراردادهای ۰۰۶ و ۰۰۷ انجام شده است، مطالبه می‌کنند. دو فقره از آن صورتحسابها - به شماره‌های ۱۷ و ۱۹ که هر دو موضوع قرارداد ۰۰۷ می‌باشد، کاملاً مستند به گزارشهای کاری است که نمایندگان پارسونز و آسکو هر دو آنها را امضا کرده‌اند. المثنی صورتحساب سومی نیز به شماره ۱۹ در موضوع قرارداد ۰۰۶، از روی سابقه بیست گزارش کار موید صورتحساب تهیه شده ظاهراً به این علت که اصل صورتحساب مفقود شده است. کلیه این گزارشهای کار توسط نماینده پارسونز امضا شده و کلیه آنها نیز غیر از سه گزارش به امضای نماینده آسکو رسیده است. دو صورتحساب، یکی به شماره ۲۰ مربوط به قرارداد ۰۰۶ و دیگری به شماره ۲۰ مربوط به قرارداد ۰۰۷، وجود دارد که گزارشهای کار امضا شده تنها موید قسمتی از آنهاست. این دو صورتحساب بابت ماه دسامبر ۱۹۷۸ است. کلیه گزارشهای کار مربوط به دهم آذر تا اول دی [اول تا ۲۲ دسامبر] دارای امضای نمایندگان آسکو و پارسونز است (هرچند که امضای یکی از آنها در فتوکپی‌های تسلیمی به دیوان قابل تشخیص نیست). از طرف دیگر، هیچیک از گزارشهای کار مربوط به دوم تا دهم دیماه [۲۳ تا ۳۱ دسامبر] دارای امضای نمایندگان پارسونز یا آسکو نیست. بالاخره، صورتحساب شماره ۹۷۵/۷۸ صورتحسابی است بابت هزینه‌های اضافی موضوع اصلاحیه‌ای بر قرارداد ۰۰۶. اصلاحیه مزبور در مارس ۱۹۷۸ امضا ولی تا ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۵۶ [۱۹ مه ۱۹۷۷] عطف به ماسبق شده است. در اصلاحیه مزبور روش محاسبه هزینه‌های وتکو ایران بابت قرارداد ۰۰۶ تغییر یافته است. در صورتحساب شماره ۹۷۵/۷۸ مورخ ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ [۱۳ مه ۱۹۷۸] براساس نرخهای جدید، مبالغ دیگری بابت صورتحسابهایی که قبلاً توسط آسکو پرداخت شده، از شرکت مزبور مطالبه شده است.

۴۳ - آسکو در مخالفت با ادعای صورتحسابها اظهار می‌دارد که وتکو ایران کار خود را در پروژه مجتمع پتروشیمی تا سپتامبر ۱۹۷۸ به پایان رسانده بود. بنابراین وتکو ایران نمی‌توانست - و یا حق نداشت - کار بازرسی دیگری در سه ماهه آخر سال ۱۹۷۸ انجام دهد. خواندگان همچنین استدلال می‌کنند که چنانچه این ایراد پذیرفته نشود، دیوان باید حداقل قسمتی از ادعای صورتحسابها را به این دلیل که برخی از گزارشهای کار فاقد امضای نمایندگان پارسونز و یا آسکو است، رد کند.

۲ - ادعای خسارت

۴۴ - ادعای خسارات مبتنی بر این استدلال است که آسکو با عدم رعایت اخطار فسخ ۶۰ روزه مقرر، قراردادهای ۰۰۶ و ۰۰۷ را برخلاف مقررات فسخ کرده است. خواهانها براساس مفاد قراردادی ناظر بر فسخ بدون دلیل عدم النفع مطالبه می‌کنند. ادعای هزینه‌های هدر رفته شامل چند نوع پرداخت مربوط به بعد از ۱۱ دیماه ۱۳۵۷ [اول ژانویه ۱۹۷۹] است. این پرداختها شامل حقوق خاتمه خدمت پرداختی به کارمندان خارجی و ایرانی وتکو ایران، پرداخت به صاحبان منازل استیجاری در اهواز برای لغو اجاره‌نامه‌ها و تسویه ادعای خسارت مستغلاتی که وتکو ایران در ارتباط با دو قرارداد اجاره کرده بود و نیز بابت هزینه‌های متفرقه‌ای بود که وتکو ایران در جریان تعطیل کار خود در ایران در فاصله ژانویه تا آوریل ۱۹۷۹ متحمل شده بود.

۴۵ - خواندگان با طرح استدلالات مختلفی به ادعای خسارت ایراد گرفته، ادعا می‌کنند که قراردادهای ۰۰۶ و ۰۰۷ "قراردادهای خدمات" بود که این حق مسلم را به آسکو می‌داد که تعداد کارکنان را حسب لزوم تغییر دهد - و حتی عذر همه آنها را بخواهد. خواندگان اظهار می‌کنند که تا سپتامبر ۱۹۷۸، کار پروژه مجتمع پتروشیمی تا مرحله‌ای پیش رفته بود که دیگر نیازی به خدمات وتکو ایران نبود. در نتیجه،

آسکو نمی‌تواند مسئول خسارات ناشی از فسخ قراردادها در ژانویه باشد. به علاوه، طبق اظهار خواندگان، این وتکو ایران بود که با ترک ایران در سال ۱۹۷۹، بدون آنکه به تعهدات خود در محل عمل کرده باشد، قراردادها را نقض کرد. خواندگان در لوایح خود انکار کرده‌اند که در جریان انقلاب اسلامی، در اهواز شرایط فورس‌ماژوری وجود داشت که وتکو ایران را از انجام کار معذور می‌داشت. با این وصف، خواندگان در جلسه استماع اذعان کردند که فورس‌ماژور می‌تواند دفاع دیگری در قبال این ادعای خسارت باشد.

۳ - ادعای کسورات بیمه اجتماعی

۴۶ - بالاخره، خواهانها اظهار می‌دارند که نسبت به بازپرداخت وجوهی که به عنوان تضمین پرداخت حقوق بیمه اجتماعی وتکو ایران کسر شده ذیحق هستند. خواندگان با استناد به اینکه وتکو ایران مفاصا حسابهای مقرر در قراردادها را تسلیم نکرده، با این ادعا مخالفند. خواهان شهادتنامه‌هایی از جمله شهادتنامه‌ای از حسابدار مسئول پرداخت حقوق بیمه اجتماعی و اوراق دفتر کل برای اثبات اینکه وتکو ایران کلیه حقوق بیمه اجتماعی مقرر را پرداخته، ارائه داده است. خواندگان استدلال می‌کنند که این مدارک کافی نیست.

۴ - ادعای ۲-۷

۴۷ - وتکو ایران و ویاک هر دو ناگزیر شدند در نتیجه ناآرامیهای انقلاب، عملیات خود را در اوایل سال ۱۹۷۹ تعطیل کنند. در ۱۱ دیماه ۱۳۵۷ [اول ژانویه ۱۹۷۹] به استثنای چند نفر، تمامی کارکنان خارجی آنها که در ارتباط با قراردادهای ۰۰۶ و ۰۰۷ کار می‌کردند، از ایران روانه شده بودند (نگاه بند ۴۰ بالا) و قراردادهای استخدامی فسخ شد. وتکو آن. و. و وتکو لیمیتد هم هزینه‌های مربوط به خارج

کردن کارکنان خارجی و هم حقوق خاتمه خدمت پرداختی به آنها را متحمل گردیدند. خواهانها بازپرداخت هزینه‌های متحمله را به مبلغ ۳۹۵،۳۸۲/۱۴ دلار از ایران مطالبه می‌کنند.

۴۸ - در این ادعاء خواهانها همچنین مبلغ ۴۷،۳۴۱/۳۰ دلار بابت بازپرداخت وجهی که به آقای اف. تی. گلاسکوک کارمند سابق وتکو اینک پرداخت شده، مطالبه می‌کنند. این مبلغ حسب ادعاء بابت ارزش اثاث منزل آقای گلاسکوک است که پس از عزیمت وی از ایران در اواخر ۱۹۷۸، قابل اعاده نبود. ترتیبی داده شده بود که شرکت سی - من - پاک با مسئولیت محدود این اثاث را به ایالات متحده حمل کند. در نوامبر ۱۹۷۸ اثاث جمع آوری و به انبار سی - من - پاک در تهران تحویل داده شد و چون اثاث به ایالات متحده نرسید، آقای گلاسکوک شخصاً اقداماتی برای گرفتن آنها به عمل آورد و در آن مرحله، حسب ادعاء به وی گفته شد که مقامات مربوط اثاث را ترخیص نمی‌کنند.

۴۹ - آقای گلاسکوک بابت از دست رفتن اثاث از وتکو اینک غرامت مطالبه کرد. وتکو اینک موافقت کرد مبلغ ۴۷،۳۴۱/۳۰ دلار در ازای حل و فصل کامل و قطعی ادعایش به وی بپردازد. خواهانها استدلال می‌کنند که طبق بند ۲۲ تعهدات وتکو اینک در مورد کارمندان خارجی، وتکو مکلف بود "زیانهای را که در نتیجه اوضاع اضطراری خارج از اختیار کارمند به اموال شخصی وی وارد می‌شود"، جبران کند.

۵۰ - خواننده بابت هزینه‌هایی که خواهان هنگام تعطیل کار خود در ایران متحمل شده، مسئولیتی برای خود قایل نیست. درمورد ادعای آقای گلاسکوک، ایران استدلال می‌کند که دولت مسئول اعمال سی - من - پاک که یک شرکت خصوصی است نمی‌باشد.

ب - صلاحیت نسبت به ادعاهای ۲-۱ و ۲-۷

۵۱ - خوانندگان یک ایراد صلاحیتی مطرح کرده‌اند که مشخصاً به ادعاهای ۲-۱ و ۲-۷ ارتباط پیدا می‌کند. آنها استدلال می‌کنند که ماده ۳۸ شرایط اختصاصی قراردادهای ۰۰۶ و ۰۰۷ حاوی قیودی راجع به [حل و فصل] اختلافات است که صلاحیت رسیدگی را به دادگاههای ایرانی محدود کرده، به نحوی که صلاحیت رسیدگی به ادعا را به موجب بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی از دیوان سلب می‌کند.

۵۲ - عبارتی که خوانندگان بدان اشاره می‌کنند صرفاً مقرر می‌دارد که اختلافات از طریق داوری حل و فصل گردد. این عبارات مانع صلاحیت دیوان نمی‌باشد. برای نمونه، نگا: قرار اعدادی شماره ۴۶۶-۹ دیوان عمومی، مورخ ۱۴ آبانماه ۱۳۶۱ [پنجم نوامبر ۱۹۸۲] صادره در پرونده درسر اینداستریز، اینکوریوریتد و دولت جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. 280 . 1

ج - ماهیت ادعاهای ۲-۱ و ۲-۷

۱ - ادعای صورتحسابها

۵۳ - موضوع اساسی در مورد پنج صورتحساب جاری مطروح در این ادعا این است که آیا پرسنل وتکو ایران کار مورد مطالبه در صورتحسابها را واقعا انجام دادند یا نه. خوانندگان اظهار می‌دارند که کار انجام نشده و در سپتامبر ۱۹۷۸ که کار خاکبرداری و پی ریزی تمام شد، کار وتکو ایران در پروژه مجتمع پتروشیمی به پایان رسید. در واقع، دکتر فامیلی شهادت داد که وتکو ایران حتی قبل از سپتامبر هم بابت کاری که واقعا انجام نشده بود، مطالبه وجه کرده بود و بر آن اساس،

وی از کار وتکو ایران ناراضی بود و می‌خواست آن شرکت را از پروژه برکنار کند. دکتر فامیلی در تأیید شهادت خود به یادداشت مورخ ۱۹ تیرماه ۱۳۵۷ [دهم ژوئیه ۱۹۷۸] آقای جی. هنلین مدیر پروژه وتکو ایران به کارمندان خود، اشاره می‌کند. آقای هنلین در این یادداشت توضیح داد که آسکو اخیراً "مشاهده کرده است برخی از کارمندان وتکو ایران برگهای ساعات کاری تسلیم کرده‌اند حاوی ساعاتی که ایشان حتی در محل پروژه حضور نداشتند. آقای هنلین اخطار کرد که هر کارمندی که به دروغ بابت وقت مصروف در محل پروژه مطالبه کند، "فورا" اخراج خواهد شد." خوانندگان در تأیید بیشتر موضع خود، به فقد امضای نمایندگان پارسونز یا آسکو روی برخی گزارشهای کار اشاره می‌کنند، ولی به صحت امضاهای روی سایر گزارشهای کار ایراد ندارند.

۵۴ - خواهانها استدلال می‌کنند که صورتحسابها همراه با گزارشهای کار موعید آنها و در برخی موارد برگهای ساعات کار کافی برای اثبات این مطلب است که پرسنل وتکو ایران کار مورد ادعا را انجام داده‌اند. خواهانها در پاسخ به استدالات خوانندگان، موادی از قراردادها را نقل کرده‌اند که مقرر می‌داشت کار تا اواسط ۱۹۷۹ ادامه یابد. آقای اسکلتون شهادت داده است که کار وتکو ایران محدود به بازرسی خاکبرداری و پی ریزی‌های بتونی نبود. در مورد فقد امضای برخی از گزارشهای کار، آقای اسکلتون ادعا کرده که گرچه کار انجام شده بود، اما گرفتن امضاهای لازم در روزهای پر آشوب اواخر سال ۱۹۷۸ و اوایل سال ۱۹۷۹ که پارسونز و آسکو کارمندان خارجی خود را از ایران تخلیه می‌کردند، غیر ممکن بود.

۵۵ - دیوان نتیجه می‌گیرد که نیازی به تعیین اینکه پروژه مجتمع پتروشیمی در سپتامبر ۱۹۷۸ چه وضعیتی داشته، یا چه نوع از بتونکاری در محدوده خدمات بازرسی وتکو ایران قرار داشته، نیست. مدارک نشان می‌دهد که در غالب موارد، پارسونز و آسکو گزارشهای کار وتکو ایران را تا اواخر دسامبر ۱۹۷۸ همچنان تأیید می‌کردند.

بعید است که اگر پرسنل وتکو ایران واقعا کار نکرده بودند، آنها گزارشها را تأیید می‌کردند. یادداشت آقای هنلین از قوت ادعا نمی‌کاهد زیرا نشان می‌دهد که نمایندگان آسکو وظایف سرپرستی خود را جدی می‌گرفتند و وتکو ایران هر بار که بی‌نظمی مشاهده می‌شد در واقع در صدد اصلاح آن برمی‌آمد. بنابراین دیوان مقرر می‌دارد که پنج صورتحساب جاری وتکو ایران باید تماما و یا بعضا در حدودی که مستند به گزارشهای کار امضا شده توسط نمایندگان پارسونز و یا آسکو است، پرداخت گردد. در مورد سه فقره گزارش کاری که توسط نماینده پارسونز امضا شده ولی نماینده‌ای از آسکو آنها را امضا نکرده، تأیید پارسونز برای اثبات این مطلب که وتکو کار خود را انجام داده، کافی است، زیرا پارسونز نماینده آسکو در این پروژه بوده است. خواهانها در مورد فقد امضای گزارشهای کار بعدی توضیح معقولی ارائه داده‌اند، ولی این توضیح، کافی برای اثبات این مطلب نیست که پرسنل وتکو ایران تا پایان دسامبر مجدانه به کار خود ادامه دادند، حال آنکه بیشتر کارهای دیگر پروژه مجتمع پتروشیمی تدریجا متوقف شده بود.

۵۶ - در صورتحساب شماره ۹۷۵/۷۸ از آسکو بر طبق اصلاحیه قرارداد ۰۰۶ بابت گذشته مطالبه شده است. خوانندگان استدلال می‌کنند که وجه صورتحساب مزبور نباید پرداخت شود، زیرا اصلاحیه به تصویب "کمیته معاملات" نرسیده بود. ولی مدرکی حاکی از تفاهم یا نیت طرفین در مورد ضرورت چنین تصویبی وجود ندارد. همچنین مدرکی دال بر اینکه در آن زمان نسبت به صورتحساب شماره ۹۷۵/۷۸ اعتراض شده باشد وجود ندارد. اجمالا اینکه صورتحساب شماره ۹۷۵/۷۸ مبتنی بر اصلاحیه معتبری بر قرارداد ۰۰۶ بود و باید پرداخت می‌شد.

۵۷ - بنابراین صورتحسابهای شماره ۹۷۵/۷۸ و ۱۹ موضوع قرارداد ۰۰۶ و صورتحسابهای شماره ۱۷ و ۱۹ موضوع قرارداد ۰۰۷ تماما قابل پرداخت می‌باشد. مجموعه کامل گزارشهای کار امضا شده در تأیید صورتحساب ۰۰۶/۱۹، نبود اصل صورتحساب را

بنحوی رضایت بخش جبران می‌کند. دیوان مدرک پرداخت صورتحساب شماره ۰۰۷/۱۷ توسط خواننده را که در جلسه استماع ارائه شد، دیر هنگام دانسته، نمی‌پذیرد. بنابراین صورتحساب مزبور کماکان قابل پرداخت است. از صورتحسابهای شماره ۰۰۶/۲۰ و ۰۰۷/۲۰ باید مبالغ مورد مطالبه بابت کار اواخر دسامبر ۱۹۷۸ در مواردی که گزارشهای کار مربوط فاقد امضای نمایندگان پارسونز و آسکو می‌باشد کاسته شود. (مبلغ کسر شده از صورتحساب ۰۰۶/۲۰ حاوی یک رقم ۳۶،۶۰۵ ریال بابت هزینه‌ای تحت عنوان "بدهی از ماه ژوئن" است که سند آن ارائه نشده). جدول زیر این محاسبات و جمع مبالغی را که آسکو بدهکار بوده، نشان می‌دهد:

صورتحساب/قرارداد	مبلغ صورتحساب	هزینه‌های غیر مستند قابل حذف	مبلغ تعدیل شده صورتحساب
۰۰۶/۹۷۵/۷۸	۲،۸۳۲،۷۴۹/-	—	۲،۸۳۲،۷۴۹/- ریال
۰۰۶/۱۹	۹،۰۹۹،۰۷۱/-	—	۹،۰۹۹،۰۷۱/-
۰۰۶/۲۰	۶،۴۵۵،۱۱۹/-	(۱،۳۱۰،۵۹۰)	۵،۱۴۴،۵۲۹/-
۰۰۷/۱۷	۹،۲۵۲،۵۵۹/-	—	۹،۲۵۲،۵۵۹/-
۰۰۷/۱۹	۱۰،۰۶۳،۷۴۵/-	—	۱۰،۰۶۳،۷۴۵/-
۰۰۷/۲۰	۷،۵۶۷،۳۵۸/-	(۱،۲۱۵،۹۳۸)	۶،۳۵۱،۴۲۰/-
جمع			۴۲،۷۴۴،۰۷۳/- ریال

۵۸ - طرفین قبول دارند که از تمام این صورتحسابها ۵/۵% باید بابت مالیات کسر می‌شد و در نتیجه مبلغ خالص قابل پرداخت به وتکو ایران ۴۰،۳۹۳،۱۴۹/- ریال بوده است. خواهانها نسبت به ۷۵% این مبلغ یعنی ۳۰،۲۹۴،۸۶۱/- ریال ذیحق می‌باشند، نگا: بند ۲۱ بالا، که پس از تبدیل به نرخ ۷۰/۴۷۵ ریال در برابر هر دلار (نرخ رایج آن زمان) معادل ۴۲۹،۸۶۷/- دلار است. نگا: نشریه صندوق بین‌المللی پول.

International Financial Statistics, Supplement on Exchange Rates

64 (1985).

این مبلغ حداکثر ظرف سی روز از تاریخ تسلیم کلیه صورتحسابهای معوقه‌ای که آقای فنتون در تاریخ ۱۳ اسفندماه ۱۳۵۷ [چهارم مارس ۱۹۷۹] به آقای فیروزی تسلیم کرد، قابل پرداخت بوده است. بنابراین از تاریخ ۱۴ فروردین ماه ۱۳۵۸ [سوم آوریل ۱۹۷۹] بهره ساده نسبت به مبلغ ۴۲۹،۸۶۷/- دلار تعلق می‌گیرد.

۲ - ادعای خسارت

۵۹ - مبنای ادعای خسارت، این استدلال است که آسکو با عدم رعایت شرط اخطار شصت روزه مقرر در موارد فسخ بدون دلیل، قراردادهای ۰۰۶ و ۰۰۷ را به ناروا فسخ کرده است. خواندگان ادعا نمی‌کنند که آسکو اخطار فسخ شصت روزه مقرر را داده است، بلکه می‌گویند که مکلف به اینکار نبودند، زیرا قراردادهای ۰۰۶ و ۰۰۷ "قراردادهای خدمات" بود که به آسکو حق می‌داد بدون اخطار قبلی، از تعداد نفرات تیمهای بازرسی وتکو ایران بکاهد.

۶۰ - مدارکی که در این پرونده ارائه شده نشان می‌دهد که پارسونز به طور کلی در پروژه مجتمع پتروشیمی و مشخصاً از لحاظ قراردادهای وتکو ایران با آسکو نقش اساسی ایفا می‌کرد. در اواخر دسامبر ۱۹۷۸ پارسونز پرسنل خود را از ایران فراخواند. آسکو نیز پرسنل خارجی خود را از ایران روانه کرد. اکثر کارهای پروژه مجتمع پتروشیمی، اگر نه تمام آنها، متوقف گردید. این تحولات عملاً ادامه کار وتکو ایران را در پروژه مجتمع پتروشیمی غیر ممکن ساخت. طبق اظهار خواهانها، وتکو ایران پیشنهاد کرد که جای پارسونز را به عنوان پیمانکار عامل پروژه بگیرد. خواهانها پیشنهاد کردند که در غیر اینصورت، وتکو ایران می‌توانست کار را ادامه دهد و صرفاً به طور مستقیم به آسکو گزارش دهد. ولی دلیلی وجود ندارد که آسکو ملزم به قبول هیچیک از پیشنهادات آسکو بوده، زیرا هر دو پیشنهاد مستلزم اصلاح قرارداد می‌بود.

۶۱ - از این واقعیات می‌توان نتیجه گرفت که عزیمت پارسونز و تعطیل کار مجتمع پتروشیمی در نتیجه تحولات انقلابی در ایران، اوضاع فورس‌ماژوری طبق تعریف مندرج در قراردادهای وتکو ایران با آسکو به وجود آورد(۳). بر این اساس، آسکو با اعلام این مطلب به وتکو ایران که نامبرده دیگر نمی‌تواند کاری در پروژه انجام دهد، قرارداد را نقض کرده و وتکو ایران نیز با فراخواندن پرسنل خود از ایران قرارداد را نقض کرده است. اوضاع فورس‌ماژور حداقل در نیمه اول سال ۱۹۷۹ ادامه یافته، از سرگیری کار را برای وتکو ایران غیرممکن کرد. از آنجا که کار مجتمع پتروشیمی معلق ماند، موضوع قراردادهای ۰۰۶ و ۰۰۷ منتفی گردید و به علت فورس‌ماژور، کار قراردادهای مزبور سرانجام خاتمه یافت.

۶۲ - در قراردادهای ۰۰۶ و ۰۰۷، جبران هزینه‌های فسخ یا پرداخت عدم‌النفع در موارد فسخ در نتیجه فورس‌ماژور پیش‌بینی نشده است. در این وضعیت، دیوان از قاعده کلی "ضرر به عهده متضرر است" پیروی خواهد کرد. نگاه: ص ۱۴ [متن انگلیسی] حکم شماره ۱-۱۷۲-۳۷ مورخ ۲۶ فروردین ماه ۱۳۶۲ [۱۵ آوریل ۱۹۸۳] صادره در پرونده کوئینز آفیس تاور اسوشی ایتس و شرکت ملی هواپیمایی ایران، چاپ شده در 247, Iran-U.S. C.T.R. 254 2، و بند ۵۲ حکم شماره ۲-۱۳۵-۲۱۸ مورخ ۲۸ اسفندماه ۱۳۶۴ [۱۹ مارس ۱۹۸۶] صادره در پرونده فلیس داج اینترنشنال کوریوریشن و جمهوری اسلامی ایران، چاپ شده در 157 Iran-U.S. C.T.R. 10. بنا براین ادعای عدم‌النفع و هزینه‌های هدر رفته مردود است.

۳ - در عبارات مربوط به فورس‌ماژور شرایط عمومی قراردادهای ۰۰۶ و ۰۰۷ چنین آمده است: "هرگونه تاخیر در اجرای تعهدات یکی از طرفین قرارداد که حتماً باید از حادثه‌ای ناشی شده باشد که منطقیاً قابل پیش‌بینی یا در کنترل طرف مزبور نبوده، نقض قرارداد تلقی نمی‌شود".

۳ - ادعای کسورات بیمه اجتماعی

۶۳ - موضوع اصلی در این ادعا این است که آیا با وجود اینکه وتکو ایران مفاصا حسابی از سازمان تأمین اجتماعی تسلیم نکرده، آسکو باید وجوهی را که بابت حقوق بیمه اجتماعی نگاهداشته بازپس دهد یا خیر. مدارک خواهانها نشان می‌دهد که آسکو به عنوان تضمین پرداخت حقوق بیمه اجتماعی توسط وتکو ایران، مبلغ /- ۱۷,۸۴۹,۰۰۰ ریال از پرداختهای موضوع قراردادهای ۰۰۶ و ۰۰۷ کسر کرده است. خواندگان ادعا می‌کنند که فقط /- ۱۵,۹۷۴,۳۰۹ (یا /- ۱۴,۷۳۳,۰۰۰) ریال برداشت شده، ولی مدرک مستندی برای اثبات ارقام کمتر خود ارائه نکرده‌اند.

۶۴ - موضوع مطروح در این پرونده شبیه موضوعاتی است که دیوان در احکام زیر درباره آنها تصمیم گرفته است: حکم شماره ۳-۱۷۳-۳۷۸ مورخ ۳۱ تیرماه ۱۳۶۷ [۲۲] ژوئیه ۱۹۸۸] صادره در پرونده هیوستن کانترکتینگ کامپنی و شرکت ملی نفت ایران و دیگران، چاپ شده در 3 Iran-U.S. C.T.R. 20 و حکم شماره ۱-۳۵۷-۴۷۳ مورخ ۲۱ اسفندماه ۱۳۶۸ [۱۲ مارس ۱۹۹۰] صادره در پرونده تی ام ئی اینترنشنال اینکوریوریتد و جمهوری اسلامی ایران و دیگران. در هر دو پرونده مزبور، خواهانها اجرای مفاد قرارداد را درباره آزاد کردن کسور بیمه اجتماعی خواستار شده بودند و در هر دو مورد، خواهانها مفاد قرارداد را که آزاد کردن وجوه را منوط و مشروط به تسلیم مفاصا حساب سازمان تأمین اجتماعی کرده بوده، رعایت نکرده بودند. در پرونده هیوستن کانترکتینگ دیوان شرط مفاصا حساب را "الزامی مربوط به نحوه انجام پرداخت نهایی (که) تأثیری بر حق (خواهان) نسبت به این مبلغ نمی‌گذارد" توصیف کرد. بند ۸۷ حکم شماره ۳-۱۷۳-۳۷۸. دیوان با اعلام این نظر که خواهان حقوق بیمه اجتماعی خود را پرداخته، ولی اوضاع و احوال خارج از اختیار وی مانع شده که مفاصا حساب تحصیل کند، وجوهی را که خواهان نسبت بدان ذیحق بود به نفع وی مورد حکم قرار داد.

همان ماعخذ. لیکن در پرونده تی ام ئی دیوان نظر داد که: "خواهان تقاضا دارد دیوان (با صدور راعی)... ذیحق بودن وی را نسبت به دریافت (مفاصا حساب سازمان تأمین اجتماعی) اعلام کند" و اینکار مستلزم این است که "دیوان خود را به جای دستگاهی از دولت، یعنی سازمان تأمین اجتماعی (ایران) قرار دهد که مسئول اجرای مقررات بیمه‌های اجتماعی می‌باشد" و اینکار از صلاحیت دیوان خارج است. بند ۱۰۵ حکم شماره ۱-۳۵۷-۴۷۳. بر این اساس، ادعای تی ام ئی رد شد، همان ماعخذ بند ۱۰۷.

۶۵ - در مورد حاضر، خواهانها متقاضی اعلام این مطلب نیستند که وتکو ایران ذیحق به دریافت مفاصا حساب از سازمان تأمین اجتماعی می‌باشد، بلکه می‌خواهند قرار و مداری که وتکو ایران با آسکو داشته اجرا شود. خواهانها اذعان دارند که وتکو ایران به آسکو مفاصا حساب ارائه نکرده، ولی استدلال می‌کنند که وتکو ایران با وجود آنکه تعهدات خود را بابت پرداخت حقوق بیمه اجتماعی ایفاء کرده بود، در نتیجه فورس‌ماژور نتوانست مفاصا حساب دریافت کند و لذا باید از این الزام قراردادی معاف گردد.

۶۶ - دیوان می‌پذیرد که ادعای حاضر در حیطه صلاحیت اوست. در این ادعا خواسته نشده است که دیوان حکمی اعلامی مبنی بر ذیحق بودن وتکو ایران به دریافت مفاصا حساب از سازمان تأمین اجتماعی، صادر کند. در اینجا موضوع فقط این است که آیا وتکو ایران حق دریافت کسور بیمه اجتماعی را از آسکو دارد و یا اینکه آسکو حق دارد آن وجوه را نگهدارد. بنابراین ادعای حاضر مشابه ادعای مطروح در پرونده هیوستن کانترکتینگ است که صرفاً بر محور روابط قراردادی طرفین پرونده می‌گشت.

۶۷ - وتکو ایران در پرداخت حقوق بیمه اجتماعی مربوط به عملیات موضوع قراردادهایی که

کسوراتی را به عنوان تضمین پرداخت آن حقوق مقرر می‌داشت، به وعده آسکو نسبت به آزاد کردن آن وجوه اتکاء می‌کرد. ارائه مفاصا حساب توسط وتکو ایران، شرط آزاد کردن کسور توسط آسکو بود و مادام که اوضاع در ایران عادی بود، چنین شرطی معقول بود. ولی جوهر قرار و مدار بین وتکو ایران و آسکو، پرداخت حقوق بیمه اجتماعی توسط وتکو ایران بود. غیرمنصفانه است که اجرای این شرط خواسته شود و در نتیجه، در مواردی که اجرای شرط برای وتکو ایران غیرممکن بوده و سلب حق وی نسبت به وجوه کسر شده، موجب داراشدن غیرعادلانه آسکو گردد، حق وی سلب گردد. اجمالا اینکه اگر خواهانها بتوانند ثابت کنند که وتکو ایران حقوق بیمه اجتماعی خود را پرداخته، ولی فورس‌ماژور مانع گردیده که وی مفاصا حساب تحصیل کند، در آنصورت ذیحق به پس گرفتن کسورات می‌باشند.

۶۸ - خواهانها شهادتنامه‌ای از حسابداری به نام آقای پیتر جرت، که از ۱۷ دیماه ۱۳۵۶ تا سوم دیماه ۱۳۵۷ [هفتم ژانویه تا ۲۴ دسامبر ۱۹۷۸] در پروژه مجتمع پتروشیمی برای وتکو ایران کار می‌کرده، تسلیم کرده‌اند. وی اظهار داشته است که کلیه حقوق بیمه اجتماعی مقرر تا پایان آبانماه ۱۳۵۷ [۲۱ نوامبر ۱۹۷۸] پرداخت شده است. وی مضافاً گفته است که هنگام ترک ایران در سوم دیماه [۲۴ دسامبر] کلیه محاسبات مربوط به پرداختهای بیمه اجتماعی تا پایان آذرماه ۱۳۵۷ [۲۱ دسامبر ۱۹۷۸] انجام شده بود. وی معتقد است که معاون وی حقوق بیمه آن ماه آخر را پرداخت، ولی از اینکه آن پرداخت به عمل آمده باشد شخصاً اطلاعی ندارد. خواهانها همچنین یکدسته صفحات دفتر کل تسلیم کرده‌اند که ظاهراً ارقام بستانکار و بدهکار سال ۱۹۷۸ دو حساب در بانک تجارت خارجی ایران و دو حساب در بانک ایران و خاورمیانه را نشان می‌دهند. طبق این صفحات دفتر کل، نزدیک به ۳۴ میلیون ریال به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت شده است. (در ارقام وارده در دفتر کل، برخی از این پرداختها - کلاً - حدود ۵ میلیون ریال - بابت مالیات و حقوق بیمه اجتماعی مشخص شده است).

۶۹ - مدارکی نیز وجود دارد مبنی بر اینکه وتکو ایران با اعتقاد به اینکه تعهدات خود را از لحاظ پرداخت حقوق بیمه اجتماعی ایفا نموده، عمل می‌کرده است. آقای فنتون در یک یادداشت داخلی به تاریخ ۲۹ خردادماه ۱۳۵۸ [۱۹ ژوئن ۱۹۷۹] اعلام کرد که تقاضا کرده است کسور بیمه اجتماعی وتکو ایران آزاد شود و در تلکسی به تاریخ اول آذرماه ۱۳۵۸ [۲۲ نوامبر ۱۹۷۹] به دفتر وتکو ایران در ایالات متحده اشعار داشت: " کسور... بیمه اجتماعی با ارائه سند پرداخت حقوق قابل وصول می‌باشد. ما تقاضایی کاملاً مشروح و مستند برای وصول آن تسلیم کرده‌ایم."

۷۰ - این مدرک با مدرکی که دیوان را در پرونده هیوستن کانترکتینگ متقاعد کرد، بخوبی قابل قیاس است. نگا: هیوستن کانترکتینگ، مذکور در بالا، بندهای ۴۲ و ۸۷. این صفحات دفتر کل و شهادتنامه آقای جرت، ادعای بظاهر موجبی پدید می‌آورد و لازم می‌نماید که خوانندگان به آن پاسخ دهند. خوانندگان به عدم کفایت مدارک خواهانها ایراد گرفته‌اند، ولی مدارکی مربوط به همان زمان در رد آنها ارائه نکرده‌اند. خوانندگان هیچ توضیحی نداده‌اند که وتکو ایران چگونه می‌توانست یکسال و نیم بدون ایفای تعهدات خود در قبال سازمان بیمه‌های اجتماعی، در پروژه مجتمع پتروشیمی کار کرده باشد. دیوان پس از سنجش کلیه این عوامل، نتیجه می‌گیرد که وتکو ایران به دلیلی ارجح ثابت کرده که حقوق بیمه اجتماعی خود را پرداخته است.

۷۱ - دیوان قبلاً نظر داده است که تا دسامبر ۱۹۷۸ اعتصابات، شورشها و دیگر کشمکشهای داخلی "حداقل در شهرهای عمده ایران اوضاع فورس‌ماژور" ایجاد کرده بود. ص ۱۱ [متن انگلیسی] قرار اعدادی شماره ۲-۴۹-۲۴ مورخ پنجم مردادماه ۱۳۶۲ [۲۷ ژوئیه ۱۹۸۳] صادره در پرونده گولد مارکتینگ اینکورپوریتد و وزارت دفاع ملی ایران، چاپ شده در 3 Iran-U.S. C.T.R. 147, 152-53. تحت این اوضاع و احوال، قابل درک است که وتکو ایران حتی اگر حق

دریافت مفاصا حساب داشت، در ژانویه ۱۹۷۹ دریافت مفاصا حساب از سازمان تأمین اجتماعی برای آن شرکت اگر غیر ممکن نمی بود، [قطعاً] دشوار بود. مقایسه شود با: بند ۸۷، هیوستن کانترکتینگ، مذکور در بالا. با این وصف، وتکو ایران طی ماههای بعد در صدد برآمد که کسور بیمه اجتماعی خود را بازپس بگیرد. آقای فنتون پس از چند بار سفر به اهواز و تهران، طی تلکس مورخ ۱۱ مهرماه ۱۳۵۸ [سوم اکتبر ۱۹۷۹] به رؤسای خود گزارش داد که "درحال حاضر از لحاظ مسئولیت اجرایی وضع چندان روشن نیست و نحوه برخورد کلی کارکنان دولت و صنایع دولتی این است که کاری انجام ندهند، و چیزی تصویب یا امضا نکنند تا از سوء ظن و انتقاد و توقیف و غیره مصون بمانند". [در هر صورت]، مفاصا حسابی صادر نشد.

۷۲ - دیوان از این ادله نتیجه می گیرد که وتکو ایران با وجود آنکه در تحصیل مفاصا حساب با ممانعت مواجه شد، با اینحال، محق به باز پس گرفتن کسور بیمه اجتماعی خود بود.

۷۳ - طبق قراردادهای ۰۰۶ و ۰۰۷، از مبالغ ناخالص قابل پرداخت به وتکو ایران ۵/۵٪ مالیات برداشته شده بود. این بدان معنی است که وقتی کسور بیمه اجتماعی آزاد می شد، دیگر وجهی از بابت مالیات نباید کسر می گردید. کل مبلغ کسور موضوع بحث در این ادعا، یعنی -/۱۷,۸۴۹,۰۰۰ ریال باید آزاد شود. ولی خواهانها فقط نسبت به ۷۵٪ آن مبلغ ذیحق می باشند. نگا: بند ۲۱ بالا. مبلغی که باید مورد حکم قرار گیرد، پس از تبدیل به نرخ هر دلار برابر ۷۰/۴۷۵ ریال، به -/۱۸۹,۹۵۰ دلار بالغ می شود. بهره ساده نسبت به مبلغ -/۱۸۹,۹۵۰ دلار از تاریخ نهم تیرماه ۱۳۵۸ [۳۰ ژوئن ۱۹۷۹] که کسور باید در آن تاریخ آزاد می شد، قابل احتساب است.

۴ - ادعای ۲-۷

۷۴ - با توجه به نظر دیوان در بند ۶۱ بالا، مبنی بر اینکه قراردادهای ۰۰۶ و ۰۰۷ در نتیجه فورس‌ماژور فسخ شده‌اند و اینکه در صورت چنین فسخی، مسئولیت قراردادی برای جبران هزینه‌های فسخ وجود ندارد، ادعای هزینه‌های متحمل در نتیجه روانه کردن کارکنان و متعاقبا "خاتمه دادن به خدمت پرسنل خارجی رد می‌گردد.

۷۵ - ادعای مربوط به اثاث شخصی آقای گلاسکوک تنها هنگامی علیه دولت ایران قابل طرح است که بتوان دولت را مسئول زیانهای وارده بر آقای گلاسکوک شناخت. نگا : حکم شماره ۲-۲۸۴-۳۰۴ مورخ نهم اردیبهشت ماه ۱۳۶۶ [۲۹ آوریل ۱۹۸۷] صادره در پرونده اوتیس الویتور کامپنی و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در 14 Iran-U.S. C.T.R. 283 .

۷۶ - برای اثبات این مطلب که از دست رفتن اثاث منزل آقای گلاسکوک متوجه دولت ایران بوده، خواهانها ادعا می‌کنند که آقای گلاسکوک با همسر صاحب شرکت سی - من - پاک تماس گرفت و آن خانم حسب ادعا به وی گفت که مقامات ایرانی اثاث وی را تریخیص نمی‌کنند. دیوان این شهادت مبتنی بر مسموعات را کافی نمی‌داند و بنابراین، این قسمت از ادعا را به لحاظ فقد دلیل رد می‌کند.

د - ادعاهای متقابل مطروح در قبال ادعای ۲-۱

۱ - ادعای متقابل شرکت گاز

۷۷ - خوانندگان ادعایی از شرکت ملی گاز ایران ("شرکت گاز") به مبلغ /- ۴۸۴،۱۷۷،۸۶۳ ریال و /- ۲۲،۶۰۸ دلار بابت خسارات ناشی از دو قرارداد بازرسی لوله منعقد بین

شرکت گاز و وتکو ایران اقامه کرده‌اند. شرکت گاز در این پرونده خوانده واقع نشده و بنابراین اهلیت طرح ادعای متقابل را در این پرونده ندارد. به علاوه، ادعای متقابل مزبور از همان قرارداد، معامله یا رویداد موضوع ادعای وتکو ایران ناشی نمی‌شود. گرچه خوانندگان اظهار می‌دارند که مجموع قراردادهای وتکو ایران در ایران را باید معامله تجاری واحدی دانست، هیچ مدرکی در تأیید این نظر وجود ندارد. برعکس، به نظر می‌رسد که وتکو ایران با واحدهای مختلف ایرانی قراردادهای جداگانه‌ای منعقد کرده بود. بنابراین، طبق بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، این ادعای متقابل باید مردود اعلام شود.

۲ - ادعای متقابل ضمانتنامه‌های حسن انجام کار

۷۸ - خوانندگان بابت دو ضمانتنامه حسن انجام کار صادره توسط سوئیس بانک کورپوریشن برای تضمین اجرای قراردادهای ۰۰۶ و ۰۰۷ توسط وتکو ایران، جمعا مبلغ ۵۸۷،۰۶۴/- دلار مطالبه می‌کنند. اعتبار این ضمانتنامه‌ها در نهم تیرماه ۱۳۵۸ [۳۰ ژوئن ۱۹۷۹] منقضی می‌شد. تا تاریخ انقضاء ضمانتنامه‌ها، ادعایی بر مبنای آنها مطرح نشده بود و بعد از انقضای آنها ادعایی قابل طرح نبود. بنابراین حتی اگر بپذیریم که این ادعای متقابل بدرستی علیه خواهانهای این پرونده قابل طرح بوده و نه علیه بانک طرف ضمانتنامه‌ها، با اینحال ادعای متقابل در ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۷۹] پابرجا نبوده است. بنابراین ادعای متقابل طبق تعریف بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی خارج از حیطه صلاحیت دیوان است و باید مردود اعلام شود.

۳ - ادعای متقابل بابت خدمات تدارک غذا

۷۹ - خوانندگان مبلغ ۴،۶۷۳/- دلار بابت هزینه خدمات تدارک غذا که آسکو بابت وتکو

ایران متحمل شده، مطالبه می‌کنند. خواهانها استدلال می‌کنند که این ادعای متقابل خارج از صلاحیت دیوان است، زیرا از دو قرارداد مجتمع پتروشیمی ناشی نمی‌شود. ولی بر طبق شرایط عمومی قراردادهای و تکو ایران مسئول "تأمین مسکن، خوراک و حمل و نقل" کارکنان خود در ایران بوده است. بنابراین آسکو می‌تواند هزینه تأمین خوراک کارمندان و تکو ایران را که در پروژه مجتمع پتروشیمی کار می‌کردند، مطالبه کند. این شرط ادعای متقابل را در حیطه صلاحیت دیوان قرار می‌دهد.

۸۰ - خوانندگان سندی تسلیم کرده‌اند که ظاهراً صورتحسابی است از شرکت نفت به و تکو ایران به مبلغ ۳۲۸،۷۴۸/- ریال. این صورتحساب حاوی شماره عطفی است (۱۱۵۹۵/۰۲/۵۸) ولی توضیحی در مورد مبنای هزینه نمی‌دهد و بدون تاریخ است. همچنین سندی حاوی فهرست چند شرکت و شماره وجود دارد. نام و تکو ایران و مبلغ صورتحساب شرکت نفت در آن فهرست درج شده است. در توضیح مندرج روی آن سند، عبارت "استفاده پیمانکاران" تأسیسات شرکت بوتل ایران ملاحظه می‌شود. این سند بدون تاریخ است، ولی به نامه شماره ۵۸/۱۱۵۹۵ مورخ ۲۸ آبانماه ۱۳۵۸ [یعنی ۱۹ نوامبر ۱۹۷۹] که توسط یکی از کارمندان شرکت نفت برای رئیس پروژه مواد خام شرکت پتروشیمی ایران و ژاپن ارسال شده اشاره می‌کند. در آن نامه، حسابهای شرکت نفت با بوتل مورد بحث واقع و نیز موضوع استفاده از تسهیلات بوتل توسط پیمانکاران دیگر پروژه، از جمله و تکو ایران در آن ذکر شده و دلالت بر آن دارد که پیمانکاران بابت استفاده از آن تسهیلات بدهکارند، لکن توضیحات بیشتری در نامه ارائه نشده است. بالاخره، خوانندگان بخشی از یک قرارداد منعقد بین آسکو و بوتل ایران را راجع به خدمات تدارک غذا در پروژه مجتمع پتروشیمی تسلیم کرده‌اند. تاریخ اجرای قرارداد چهارم خردادماه ۱۳۵۷ [۲۵ مه ۱۹۷۸] است و قرارداد بدون امضا است. آقای فنتون، مدیرکل و تکو ایران انکار می‌کند که کارمندان آن شرکت چیزی از تسهیلات آسکو استفاده کرده باشند و ادعا می‌کند که و تکو ایران تمام خوراک کارمندان خود را تأمین می‌کرد.

۸۱ - دیوان معتقد است که مدارک تسلیمی خوانندگان مبهم و فاقد مستندات کافی است. برای نمونه، به نظر می‌رسد که این مدارک به زمانی مربوط می‌شود که مدتها بعد از رفتن وتکو ایران از اهواز بوده است و از اینکه مدارک مزبور به قراردادهای شماره ۰۰۶ و ۰۰۷، متنازع‌فیه در ادعای حاضر ارتباط داشته باشند، نشانی یافت نمی‌شود. بنابراین ادعای متقابل به لحاظ فقد دلیل رد می‌شود.

۴ - ادعای متقابل برای پرداخت بابت قطع خدمت کارگران

۸۲ - خوانندگان ادعای بازپرداخت مبلغ ۱۱۷،۸۸۷/- دلار دارند که شرکت نفت به کارگران ایرانی که سابقاً در استخدام وتکو ایران بوده‌اند پرداخته بود. ظاهراً شرکت نفت این مبلغ را در سال ۱۹۸۰ و پیرو دستور رئیس دادگاههای انقلاب استان خوزستان پرداخته است. خواهانها استدلال می‌کنند که این ادعای متقابل از همان قرارداد، معامله یا رویداد موضوع ادعای وی ناشی نمی‌شود.

۸۳ - خوانندگان اسناد هزینه‌ای تسلیم کرده‌اند حاکی از اینکه شرکت نفت مبالغی به حدود ۳۰ نفر کارگر پرداخته است. در این اسناد از کارگران به عنوان کارکنان وتکو ایران نام برده شده و به قراردادی به شماره ۳۳۹-۴۳-۷۸-۳ اشاره دارد. خوانندگان اذعان دارند که این ادعای متقابل از قرارداد شماره ۳۳۹-۴۳-۷۸-۳ ناشی می‌شود، ولی استدلال می‌کنند که قرارداد مزبور به قراردادهای شماره ۰۰۶ و ۰۰۷ مربوط است.

۸۴ - مدت قرارداد شماره ۳۳۹-۴۳-۷۸-۳ از دهم تیرماه ۱۳۵۳ تا نهم آبانماه ۱۳۵۵ [اول ژوئیه ۱۹۷۴ تا ۳۱ اکتبر ۱۹۷۶] و مربوط به کار بازرسی تجهیزات حفاری، کارگاه و مصالح پیمانکاران در محل دکلهای حفاری، در انبارهای آسکو و

نیز در مرکز خدمات وتکو ایران در اهواز بود. بنابراین، قرارداد شماره ۳۳۹-۴۳-۷۸-۳ از نظر موضوع، محل و مدت، با قراردادهای ۰۰۶ و ۰۰۷ تفاوت دارد. دیوان نتیجه می‌گیرد که این ادعای متقابل از همان قرارداد، معامله یا رویداد موضوع ادعای خواهانها ناشی نمی‌شود و لذا باید مردود اعلام گردد.

۵ - ادعای متقابل بابت حقوق بیمه اجتماعی

۸۵ - خواندگان مبلغ ۷۱،۸۶۹،۶۳۰/- ریال بابت حقوق بیمه اجتماعی تا‌عديه نشده که بر حسب ادعا بابت کار انجام شده در موضوع قراردادهای ۰۰۶ و ۰۰۷ بوده، به علاوه مبالغ دیگری در ارتباط با دیگر قراردادها مطالبه می‌کنند. دیوان همواره نظر داده است که ادعاهای متقابل مربوط به حقوق بیمه اجتماعی خارج از صلاحیت وی می‌باشند: "تعهد ادعایی پرداخت حق بیمه اجتماعی در این مورد نه بوسیله قراردادی که موضوع ادعاست، بلکه به موجب قانون مربوط به بیمه‌های اجتماعی ایران وضع گردیده است." نگاه: ص ۴۰ [فارسی] حکم شماره ۱-۵۹-۱۹۱ مورخ سوم مهرماه ۱۳۶۴ [۲۵ سپتامبر ۱۹۸۵] صادر شده در پرونده کوشستک اینکوریپورتید و وزارت دفاع ملی جمهوری اسلامی ایران، چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. 107,135 9 و احکام نقل شده در آن.

۸۶ - خواندگان استدلال می‌کنند که ادعای متقابل حاضر با ادعای آزاد کردن کسور بیمه اجتماعی مرتبط بوده و بنابراین از همان قرارداد، معامله یا رویداد موضوع ادعای ۱-۲ ناشی می‌شود و بدین ترتیب می‌گویند که قاعده مربوطه، در این مورد مصداق پیدا نمی‌کند. خواندگان همچنین معتقدند که دیوان صلاحیت رسیدگی به این ادعای متقابل را دارد، زیرا تهاتری است در قبال مبلغ مورد حکم به نفع وتکو ایران بابت کسور بیمه اجتماعی.

۸۷ - این استدلالات تفسیر نادرستی از ماهیت ادعای وتکو ایران است. ادعای وتکو ایران بابت کسور بیمه اجتماعی ادعایی قراردادی علیه آسکو است، نه ادعایی به هر شکل علیه سازمان تأمین اجتماعی، زیرا آسکو است که کسور را نگاهداشته، نه سازمان تأمین اجتماعی. دیوان در اعمال صلاحیت خود نسبت به ادعای کسور بیمه اجتماعی (بندهای ۷۲-۶۵ بالا) راجع به رابطه حقوقی بین وتکو ایران و سازمان تأمین اجتماعی که موضوعی خارج از صلاحیت دیوان است اظهار نظر نکرده است. نگا : بند ۱۰۵ حکم صادره در پرونده تی ام ئی، مذکور در بالا. خواندگان با عنوان کردن ادعای متقابل به صورت تهاتر نمی‌توانند از این واقعیت طفره روند. حکمی علیه سازمان تأمین اجتماعی داده نشده که مبنای تهاتر واقع گردد. به علاوه، ادعاهای متقابلی که به منظور تهاتر اقامه می‌شوند، باید منطبق با الزامات صلاحیتی بیانیه حل و فصل دعاوی باشند. نگا : صص ۶۹-۷۳ [متن فارسی] حکم شماره ۱-۶۵-۲۲۱ مورخ ۲۷ فروردین ماه ۱۳۶۵ [۱۶ آوریل ۱۹۸۶] صادره در پرونده کامپیوتر ساینسز کوریوریشن و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در 10 Iran-U.S. C.T.R. 269,308-10. بر این اساس، ادعای متقابل حاضر مردود است، زیرا از همان قرارداد، معامله یا رویداد موضوع هیچیک از ادعاهای مطروح در این پرونده ناشی نمی‌شود.

۶ - ادعای متقابل بابت مالیات

۸۸ - خواندگان همچنین مبلغ /- ۸۱۱،۱۳۴،۱۷ ریال بابت مالیاتهای تأدیه نشده مطالبه کرده‌اند. ولی دلایل مبنایی ممنوعیت صلاحیتی نسبت به ادعاهای متقابل بابت حقوق بیمه اجتماعی پرداخت نشده، در مورد ادعای متقابل بابت مالیاتهای تأدیه نشده نیز صادق است. نگا : صفحه ۳۸ [متن انگلیسی] حکم صادره در پرونده کوئستک، مذکور در فوق، 9 Iran-U.S. C.T.R. at 134 و ص ۲۱ [متن فارسی] حکم شماره ۲-۱۴۰-۱۱۴ مورخ ۲۶ اسفندماه ۱۳۶۲ [۱۶ مارس

۱۹۸۴] صادره در پرونده تی. سی. اس. بی. اینکورپوریتد و جمهوری اسلامی ایران، چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. 160,173 . 5 بنا بر این ادعای متقابل حاضر مردود است.

۷ - ادعای متقابل آبروس

۸۹ - و بالاخره، خواندگان ادعایی از طرف شرکت خدمات نفت ایران با مسئولیت محدود ("آبروس") بابت بازپرداخت مبلغ /- ۱۴،۵۷۵ دلار که آبروس به حساب آسکو به وکتو ایران پرداخته اقامه کرده‌اند. این نیز ادعای متقابل دیگری مانند ادعای متقابل شرکت گاز است که بوسیله طرفی اقامه شده که در این پرونده خوانده نیست. در نتیجه، دیوان این ادعای متقابل را نیز رد می‌کند.

چهار - ادعای ۲-۳

الف - واقعیات و اظهارات

۹۰ - ادعای ۲-۳ ادعایی است که کمباسچن انجینیرینگ از طرف ویاک علیه شرکت نفت اقامه کرده است. خواهان جمعا" مبلغ /- ۷۳۸،۶۴۷ دلار به علاوه بهره، به عنوان دو خواسته، مطالبه کرده است: یکی به مبلغ /- ۱۹۰،۵۲۸ دلار بابت صورتحسابهای پرداخت نشده مربوط به خدماتی که تحت قرارداد منعقد بین ویاک و شرکت نفت انجام شده، و دیگری به مبلغ /- ۵۴۸،۱۱۹ دلار بابت آزاد کردن کسورات. خوانده پنج فقره ادعای متقابل بالغ بر /- ۸۰۴،۲۲۹،۷۹۰ ریال به ثبت رسانده است.

۹۱ - در اکتبر ۱۹۷۵ ویاک و شرکت نفت قراردادی تحت عنوان دی سی - ۱۷۳، منعقد کردند که به موجب آن قرار شد ویاک خدماتی به صورت بازرسی در ساختمان خطوط

لوله نفت ارائه کند. ویگ تحت قرارداد دی سی - ۱۷۳ در چهار پروژه کار می‌کرد، بدین شرح: خط لوله آبادان - اهواز، خط لوله تبریز - رضائیه، خط لوله ری - ساری و خط لوله فرودگاه اصفهان. پیمانکاران مستقلی که توسط شرکت نفت گمارده شده بودند، خطوط لوله را احداث می‌کردند. ویگ مسئول بازرسی نقشه‌های مهندسی پیمانکاران و کار ساختمانی آنها بود. ویگ اتصال قطعات لوله و کاربرد مواد ضد پوسیدگی و همچنین عملیات لوله‌گذاری در زمین را بازرسی می‌کرد.

۹۲ - در ماده ۱۹ شرایط اختصاصی قرارداد "مراقبت و جدیتی" که ویگ باید اعمال می‌کرد، به شرح زیر تعریف شده است:

بازرس [ویگ] باید در اجرای وظایف خود نهایت مهارت، مراقبت و جدیت را معمول دارد. ولی چنانچه کارفرما [شرکت نفت] طی مدت ساختمان و رفع معایب متحمل زیان و خسارتی گردد و اینگونه زیانها و خسارات ناشی از غفلت بازرس در انجام وظیفه بازرسی و نظارت یا غفلت وی در ارائه پیشنهادات به کارفرما باشد، وی مسئول کلیه خسارات شناخته خواهد شد.

۹۳ - چندین عبارت مربوط به پرداختها و کسور با موضوعات مطروح در این ادعا ارتباط دارند. در ماده ۱۰ شرایط اختصاصی، بازپرداخت پاره‌ای هزینه‌ها از جمله هزینه کرایه اتومبیل به ویگ مقرر شده است. ماده ۱۱-۱ شرایط عمومی قید می‌کرد که از هر پرداختی بابت حق‌الزحمه ۱۰٪ کسر شود، بدین شرح: "پرداخت بابت اجرای مورد قبول کاری که بازرس باید بر طبق مفاد این قرارداد انجام دهد، بر مبنای نفر در ماه بر طبق گواهی مهندس خواهد بود و ۱۰٪ (ده درصد) بابت وجه‌الضمان از آن کسر خواهد شد". بدنبال آن، ماده ۱۱-۲ آزاد شدن ۱۰٪ کسور را به شرح زیر مقرر می‌داشت:

۵٪ در تاریخ "تحویل" پروژه از طرف پیمانکار به کارفرما.

۵٪ پس از پایان مدت رفع معایب به نحو رضایتبخش و پس از قبول نهایی کارها یعنی ۱۲ ماه پس از تکمیل کارها، توسط پیمانکار و تحویل آن به کارفرما یا ۱۲ ماه پس از پایان وظایف بازرسی، هرکدام که مقدم باشد.

در شرایط اختصاصی، شرطی در مورد کسر ۵/۵٪ مالیات از کلیه وجوه پرداختی به ویاگ (به استثنای بازپرداخت هزینه‌ها) به ماده ۱۱ اضافه شده است.

۹۴ - ماده ۲۱ شرایط اختصاصی اشعار می‌دارد که ویاگ کلیه حقوق بیمه اجتماعی مقرر را خواهد پرداخت. ویاگ برای اینکه بتواند پرداختهای قراردادی سالانه و نهایی را دریافت کند، ملزم بود "در پایان هر سال تقویمی و مجدداً" در پایان قرارداد" مفاسی حسابی از سازمان تأمین اجتماعی تحصیل کند. ماده ۲۲ شرایط عمومی اشعار می‌دارد که: "کلیه اسنادی که بازرس در ارتباط با پروژه تهیه می‌کند متعلق به کارفرماست"، و بالاخره، ماده ۱۶ شرایط عمومی، طبق الحاقیه منضم به آن، به شرکت نفت حق می‌داد که با دادن یک اخطار کتبی سی روزه به ویاگ، قرارداد را در هر زمان فسخ کند.

۹۵ - ویاگ معمولاً سه صورتحساب در ماه برای هر یک از چهار پروژه خط لوله تسلیم می‌کرد، بدین شرح: یک صورتحساب دستمزد بابت کلیه ساعات عادی کار، یک صورتحساب اضافه‌کار و یک صورتحساب بابت هزینه‌های قابل استرداد. گهگاه شرکت نفت به اقلام مندرج در صورتحسابهای ویاگ اعتراض می‌کرد و ویاگ آنها را تصحیح و مجدداً تسلیم می‌نمود. برای نمونه، آقای م. وندائی مهندس پروژه شرکت نفت در خط لوله آبادان - اهواز در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ [نهم مه ۱۹۷۹] نامه‌ای حاوی سه مورد ایراد نسبت به صورتحسابهای شماره ۱۸۱، ۱۸۸ و ۱۸۹ که کلیه آنها مربوط به پروژه آبادان - اهواز بود به ویاگ نوشت، بدین شرح: (۱) ویاگ باید فقط بابت ۵۰٪ وقت آقای بری جی. فنتون از شرکت نفت مطالبه کند،

(۲) ویاگ نباید بابت تمام ماه بهمن ۱۳۵۷ [۲۱ ژانویه تا ۱۹ فوریه ۱۹۷۹]، بلکه فقط بابت ۱۵ روز اول ماه بهمن مطالبه کند، (۳) ویاگ بابت مدت زمانی که آقای فنتون در ایران نبوده نباید حق الزحمه‌ای مطالبه کند. ویاگ در مارس ۱۹۷۸ موافقت کرده بود که حق الزحمه آقای فنتون از ۱۰۰٪ به ۵۰٪ کاهش یابد زیرا قرار بود وی مسئولیتهای جدیدی در ویاگ و وتکو ایران بر عهده گیرد. بر این اساس، ویاگ اولین ایراد آقای وندائی را پذیرفت و سه صورتحساب را اصلاح و فقط ۵۰٪ بابت خدمات آقای فنتون مطالبه کرد که به نظر ویاگ ایراد سوم آقای وندائی را هم رفع می‌کرد. در صورتحساب اصلاح شده بهمن‌ماه نیز طبق درخواست آقای وندائی، فقط بابت ۱۵ روز اول ماه بهمن از شرکت نفت مطالبه شد، ظاهراً به این علت که کار خط لوله آبادان - اهواز در ژانویه ۱۹۷۹ پایان یافت.

۹۶ - در مدتی که ویاگ تحت قرارداد دی سی - ۱۷۳ کار می‌کرد، کار احداث دو خط لوله پایان یافت. خط لوله ری - ساری در ۱۹ مهرماه ۱۳۵۷ [۱۱ اکتبر ۱۹۷۸] به شرکت نفت تحویل داده شد. (۴) ویاگ طی نامه مورخ ۱۲ اسفندماه ۱۹۵۷ [سوم مارس ۱۹۷۹] استرداد نیمی از کسورات بابت پروژه را به موجب ماده ۲-۱۱ قرارداد تقاضا کرد. طبق اظهار ویاگ، کار خط لوله آبادان - اهواز در اواخر سال ۱۹۷۸ تمام شد و در ژانویه ۱۹۷۹ "کاملاً" آماده بهره‌برداری" بود. ویاگ طی نامه مورخ ۱۴ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ [سوم فوریه ۱۹۷۹] درخواست کرد نیمی از وجوهی که بابت آن پروژه کسر شده بود، آزاد شود.

۴ - راجع به تکمیل خط لوله ری - ساری در بررسی سومین ادعای متقابل شرکت نفت در بند ۱۴۶ زیر، شرح و تفصیل بیشتری داده خواهد شد.

۹۷ - شرکت نفت طی نامه مورخ ۱۷ دیماه ۱۳۵۷ [هفتم ژانویه ۱۹۷۹] از تاریخ ۱۷ بهمنماه ۱۳۵۷ [ششم فوریه ۱۹۷۹] به خدمات ویاک در پروژه فرودگاه اصفهان پایان داد. این امر ظاهرا قبل از تکمیل خط لوله مزبور صورت گرفت. ویاک طی نامه مورخ چهارم مهرماه ۱۳۵۸ [۲۶ سپتامبر ۱۹۷۹] درخواست کرد کلیه وجوهی که بابت این پروژه برداشت شده بود آزاد گردد. سرانجام شرکت نفت طی نامه مورخ ۱۳ خردادماه ۱۳۵۸ [سوم ژوئن ۱۹۷۹] که در آن عنوان شد که از تاریخ اول خردادماه ۱۳۵۸ [۲۲ مه ۱۹۷۹] قابل اجراست، خود قرارداد دی سی - ۱۷۳ را هم فسخ کرد - و بدین ترتیب به کار ویاک در پروژه تبریز - رضائیه خاتمه داد. خط لوله تبریز - رضائیه ظاهرا هنوز تکمیل نشده بود. در پرونده مدرکی حاکی از اینکه ویاک مشخصا درخواست آزاد کردن کسور مربوط به آن پروژه را کرده باشد، وجود ندارد.

۱ - ادعای صورتحسابها

۹۸ - این ادعا راجع به مبالغی است که ویاک بابت صورتحسابهای تا عیدیه نشده خدمات موضوع قرارداد دی سی - ۱۷۳ مطالبه کرده است. خواهانها در لوایح اولیه خود مبلغ /- ۱۷،۵۹۶،۰۲۳ ریال بابت پنجاه و دو فقره صورتحساب مطالبه کرده بودند حال آنکه شرکت نفت به بیست و دو فقره از صورتحسابها ایراد داشت، ولی پذیرفته بود که مبلغ /- ۹،۲۰۳،۱۸۰ ریال به ویاک بدهکار است. طی مدتی که این پرونده در دست رسیدگی بوده، هر دو طرف مواضع خود را تغییر داده‌اند. ادعا اینک راجع به چهل و شش فقره صورتحساب جمعا به مبلغ /- ۱۳،۳۳۶،۹۵۷ ریال است. طبق موضع شرکت نفت، چهل و شش فقره صورتحساب را می‌توان به سه دسته به شرح زیر تقسیم کرد:

۹۹ - (۱) شرکت نفت قبول دارد که وجه بیست و هفت صورتحساب (۵) جمعا" به مبلغ ۹،۵۸۹،۷۸۱/- ریال تماما" قابل پرداخت است.

۱۰۰ - (۲) شرکت نفت فقط بخشی از پنج صورتحساب را که جمعا" به ۱،۶۴۹،۰۰۰/- ریال بالغ می شود قابل پرداخت می داند و مبلغ ۱،۱۲۴،۰۰۰/- ریال از آنها را می پذیرد. در این صورتحسابها مساعله بر سر این است که آیا ویاگ حق دارد به جای سی روز اخطار کتبی به موجب ماده مربوط به فسخ قرارداد، سی روز حقوق اضافه دریافت کند یا خیر. بدنبال فسخ قرارداد دی سی - ۱۷۳ از ناحیه شرکت نفت، ویاگ یک ماه حقوق اضافی را در سه صورتحساب مطالبه کرد. در دو صورتحساب دیگر، ویاگ بابت یک نفر کارمند به نام آقای دی. ان. اونز پس از آنکه شرکت نفت به خدمت وی خاتمه داد، یکماه حقوق اضافی مطالبه کرد. شرکت نفت نمی پذیرد که ماده ۱۶ قرارداد وی را ملزم به پرداخت این مبالغ اضافی می کند.

۱۰۱ - (۳) شرکت نفت چهارده فقره صورتحساب جمعا" به مبلغ ۲،۰۹۸،۱۷۶/- ریال را رد کرده است. کلیه این صورتحسابها مربوط به پروژه آبادان - اهواز است. نه فقره آنها بابت بازپرداخت هزینه کرایه اتومبیل است. استدلال عمده شرکت نفت این است که ویاگ قبل از کرایه اتومبیل طبق الزام ماده ۱۰ قرارداد مجوز کسب نکرده است. دو فقره از صورتحسابها بابت اضافه کار یک کارمند به نام آقای اچ. لین است. شرکت نفت ادعا می کند که اقدام وی در رد صورتحسابها موجه بوده، زیرا آقای لین واقعا" کار مورد ادعا را انجام نداده است. سه صورتحساب باقیمانده آنهاهی است که آقای وندائی بدوا" به شرح بند ۹۵ بالا رد کرده بود. شرکت نفت بر ایراد خود به این صورتحسابها باقی است و به ویژه استدلال می کند که قابل پرداخت نمی باشند، زیرا آقای فنتون طی مدت موضوع این صورتحسابها در لندن بود.

۵ - شماره های بیست و هفت صورتحساب از اینقرار است: ۸۰، ۸۱، ۹۸، ۹۹، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۹۶، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵.

۲ - ادعای کسورات

۱۰۲ - شرکت نفت طبق ماده ۱۱-۱ شرایط عمومی قرارداد دی سی - ۱۷۳، ده درصد از کلیه مبالغ قابل پرداخت به ویگ را کسر می‌کند. خواهان اینک آزاد شدن وجوهی را که شرکت نفت کسر کرده مطالبه و استدلال می‌کند که شرایط آزاد شدن آن وجوه، به نحو مندرج در ماده ۱۱-۲ احراز شده است. شرکت نفت اذعان دارد که هیچ مقدار از وجوه برداشتی را آزاد نکرده است و انکار هم نمی‌کند که شرایط آزاد شدن وجوه طبق ماده ۱۱-۲ احراز شده، اما استدلال می‌کند که طبق ماده ۲۱ شرایط اختصاصی ویگ باید قبل از بازپس گرفتن کسورات، مفاصا حسابی از سازمان تأمین اجتماعی تسلیم نماید.

۱۰۳ - طرفین همچنین بر سر مبلغ پولی که شرکت نفت طبق ماده ۱۱-۱ قرارداد کسر کرده با یکدیگر اختلاف نظر دارند. خواهان بدواً اظهار داشته بود که شرکت نفت مبلغ /-۳۶،۴۶۹،۷۷۷ ریال (یا چنانچه به نرخ هر دلار برابر ۷۰ ریال تبدیل شود، مبلغ /-۵۲۰،۹۹۶/۸۰ دلار) کسر کرده است. خواهان بعداً با اشاره به مطلبی که آنرا به منزله اقرار شرکت نفت در لوائح خود می‌داند، ادعای خود را به مبلغ /-۵۴۸،۱۱۹ دلار افزایش داد. شرکت نفت اذعان دارد که مبلغ /-۳۶،۴۶۹،۷۷۷ ریال کسر کرده، ولی منکر این اقرار است که مبلغ بیشتری نگهداشته است.

ب - ماهیت ادعای ۲-۳

۱ - ادعای صورتحسابها

۱۰۴ - به طوریکه در بند ۹۹ بالا ملاحظه شد، شرکت نفت قبول دارد که تمامی وجه بیست و هفت صورتحساب را جمعاً به مبلغ /-۹،۵۸۹،۷۸۱ ریال به ویگ بدهکار است.

هیجده فقره از این صورتحسابها، جمعا" به مبلغ /- ۹,۳۸۸,۶۷۴ ریال بابت حقوق بوده، و بنابراین مشمول ۵/۵% کسور مالیاتی هستند. در نتیجه، مبلغ خالص قابل پرداخت به ویگ در مورد آن بیست و هفت صورتحساب، /- ۹,۰۷۳,۴۰۴ ریال است.

۱۰۵ - دسته دوم صورتحسابها آنهايي است که ویگ در ازا^۶ سی روز اخطار کتبی، یکماه هزینه اضافی در آنها منظور کرده است. نگا: بند ۱۰۰ بالا. شرکت نفت قبول دارد که مبلغ /- ۱,۱۲۴,۰۰۰ ریال بابت این پنج صورتحساب به ویگ بدهکار است، ولی به پرداخت هزینه‌های اضافی که به /- ۵۲۵,۰۰۰ ریال بالغ می‌شود، اعتراض دارد. در دو صورتحساب جمعا" یکماه حقوق بابت آقای اونز از شرکت نفت مطالبه شده، به این دلیل که شرکت نفت بدون رعایت اخطار یکماهه، به خدمت نامبرده در ۲۹ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ [۱۸ فوریه ۱۹۷۹] خاتمه داد. نیمی از هزینه اضافی بابت آقای اونز، در حساب پروژه ری - ساری (صورتحساب شماره ۲۱۱) و نیم دیگر آن در حساب پروژه تبریز - رضائیه (صورتحساب شماره ۲۱۲) منظور شده بود. صورتحسابهای شماره ۲۱۷ و ۲۱۸ و ۲۱۹ حاوی هزینه سی روز اخطار مربوط به چند نفر از کارمندان ویگ است که در نتیجه فسخ قرارداد دی سی - ۱۷۳ از ناحیه شرکت نفت مطالبه شده بود. هزینه مربوط به یکی از آن کارمندان یعنی آقای ا. فروهی نیز به همان نحو، بین پروژه ری - ساری (صورتحساب ۲۱۷) و پروژه تبریز - رضائیه (صورتحساب ۲۱۸) تقسیم شده بود.

۱۰۶ - شرکت نفت بدوا" به صورتحسابهای شماره ۲۱۲ و ۲۱۸ (که نیمی از هزینه‌های به ترتیب بابت اونز و فروهی منظور شده بود) اعتراض نکرد. خواهان در لایحه معارض خود، در تأیید مطالبه وجه صورتحسابهای ۲۱۱ و ۲۱۷ (بابت نیم دیگر هزینه‌های اونز و فروهی) به قبول ظاهری هزینه‌های سی روز اخطار منظور شده در آن صورتحسابها، توسط شرکت نفت اشاره می‌کند. شرکت نفت در لایحه معارض خود،

اعتراض خود نسبت به هزینه‌های اضافی را به صورتحسابهای شماره ۲۱۲ و ۲۱۸ نیز تسری داد. و بالاخره خواهان در جلسه استماع اظهار کرد که قبول اولیه صورتحسابهای شماره ۲۱۲ و ۲۱۸ توسط شرکت نفت، دلیل قانع کننده‌ای در تأیید ادعای وی در اینجا می‌باشد.

۱۰۷ - دیوان برای حل موضوعات مربوط به این صورتحسابها، ابتدا به قرارداد مراجعه می‌کند. ماده ۱۶ شرایط عمومی به شرکت نفت حق می‌داد قرارداد "یا هر قسمتی از آن را" با دادن اخطار کتبی سی روزه به ویباگ فسخ کند. به نظر می‌رسد که پایان دادن به خدمات ویباگ در پروژه فرودگاه اصفهان با این شرط منطبق بوده است: شرکت نفت در ۱۷ دیماه ۱۳۵۷ [هفتم ژانویه ۱۹۷۹] نامه‌ای به ویباگ نوشته از تاریخ ۱۷ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ [ششم فوریه ۱۹۷۹] به خدمات وی خاتمه داد. ویباگ با ارسال صورتحسابهای شماره ۲۰۷ و ۲۰۸ مورخ ۱۲ اسفندماه ۱۳۵۷ [سوم مارس ۱۹۷۹] برای شرکت نفت، بابت کار انجام شده تا ۱۷ دیماه ۱۳۵۷ [هفتم ژانویه ۱۹۷۹] مطالبه وجه کرد و یکماه هزینه به جبران مهلت اخطار یکماهه خاتمه خدمت هفت نفر کارمند خود که در آن پروژه کار می‌کردند به صورتحسابها افزود. شرکت نفت قبول دارد که این صورتحسابها تماما قابل پرداخت می‌باشند.

۱۰۸ - فسخ تمام قرارداد از ناحیه شرکت نفت که بعداً صورت گرفت، چندان سر راست نبود، اما مفاد ماده ۱۶ هنوز در مورد آن قابل اعمال می‌باشد. مدارکی در پرونده وجود دارد حاکی از اینکه ویباگ در اوایل ماه مه به صورت غیر رسمی اطلاع حاصل کرد که شرکت نفت قصد دارد قرارداد را در آن ماه فسخ کند. ولی اخطار کتبی فسخ در تاریخ مؤخرتری، طی نامه‌ای به تاریخ ۱۳ خردادماه ۱۳۵۸ [سوم ژوئن ۱۹۷۹] واصل گردید که در آن اعلام شده بود که شرکت نفت از تاریخ اول خردادماه ۱۳۵۸ [۲۲ مه ۱۹۷۹] قرارداد را فسخ می‌کند. این فسخ عطف به ماسبق شده، به ویباگ حق می‌داد که از اول خردادماه ۱۳۵۸ [۲۲ مه ۱۹۷۹]

حداقل یکماه حقوق به [جبران عدم رعایت] اخطار [خاتمه خدمت] کلیه کارمندان خود که هنوز در موضوع قرارداد دی سی - ۱۷۳ کار می‌کردند مطالبه کند. بر این اساس، دیوان صورتحسابهای شماره ۲۱۷ و ۲۱۸ و ۲۱۹ را جمعا به مبلغ ۹۹۳،۰۰۰/- ریال تماما قابل پرداخت می‌داند. این صورتحسابها بابت حقوق بوده، مشمول ۵/۵٪ مالیات است، در نتیجه مبلغ خالص قابل پرداخت به ویاگ ۹۳۸،۳۸۵/- ریال است.

۱۰۹ - هزینه‌های ناشی از اخطار فسخ یکماهه در صورتحسابهای ۲۱۱ و ۲۱۲ متفاوت است. این هزینه‌ها مربوط به پایان دادن به خدمت یک فرد و نه خاتمه دادن به یک پروژه یا تمامی قرارداد است. خواهان استدلال می‌کند که مفاد ماده ۱۶ قابل تسری به خاتمه دادن به خدمت یکایک کارمندان است، زیرا در آن ماده به فسخ "هر بخشی" از قرارداد اشاره شده است. دیوان با این استدلال موافق نیست. درست است که شرکت نفت نمی‌توانست با خاتمه دادن به خدمت یکایک کارمندان ویاگ از الزامات ماده ۱۶ طفره رود، ولی در این مورد، شرکت نفت به چنین اقدامی متوسل نشده است. دیوان معتقد است که پایان دادن به خدمت آقای اونز از ناحیه شرکت نفت مشمول مفاد ماده ۱۶ نمی‌شود و لذا ویاگ نمی‌بایست هزینه مربوط به اخطار یکماهه را در صورتحسابهای ۲۱۱ و ۲۱۲ منظور می‌کرد. جمع این دو صورتحساب مبلغ ۶۵۶،۰۰۰/- ریال است که پس از تفریق ۲۵۰،۰۰۰/- ریال هزینه (جبران مهلت) اخطار یکماهه بابت آقای اونز مبلغ ۴۰۶،۰۰۰/- ریال حاصل می‌گردد. این صورتحسابها مربوط به حقوق بوده، مشمول ۵/۵٪ کسر مالیات یعنی ۲۲،۳۳۰/- ریال می‌شود. بنابراین شرکت نفت مبلغ ۳۸۳،۶۷۰/- ریال به ویاگ بدهکار است.

۱۱۰ - سومین دسته از صورتحسابها آنهایی است که شرکت نفت به کلی رد کرده است. نگا : بند ۱۰۱ بالا. در نه فقره از این صورتحسابها بازپرداخت هزینه کرایه

اتومبیل مطالبه شده است. (۶) خواهان ادعا می‌کند که ویاگ اتومبیلی برای استفاده شخصی در اختیار مدیر شرکت نفت در پروژه آبادان - اهواز گذارده بود. صورتحسابها مربوط به مدت بین ژوئن ۱۹۷۸ تا ۳۰ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ [۱۹] فوریه ۱۹۷۹] است. شرکت نفت در لوایح اولیه خود با استناد به اینکه صورتحسابها طبق الزام ماده ۱۰ شرایط اختصاصی قرارداد دی سی - ۱۷۳ قبل" به تأیید مهندس نرسیده بود، به پرداخت آنها اعتراض کرد. بعداً شرکت نفت در لایحه معارض خود شهادتنامه‌ای از مدیر پروژه آبادان - اهواز ارائه داد که در آن ادعا شد که ویاگ در واقع اتومبیلی در اختیار مدیر پروژه یا کارمندان وی نگذارده بود.

۱۱۱ - این استدلال که صورتحسابهای مذکور تصویب قبلی مهندس را لازم داشته سوء تعبیر قرارداد است. در جدول نرخها بازپرداخت هزینه کرایه اتومبیل مقرر و نرخ آن مشخص شده است. ماده ۱۰ شرایط اختصاصی "کارفرما" را ملزم می‌کند که این قبیل هزینه‌ها را به ویاگ بازپرداخت کند، مشروط بر اینکه "مهندس" قبل" تأیید "کارفرما" را تحصیل کرده باشد. در شروط دیگر قرارداد "کارفرما" به عنوان شرکت نفت و "مهندس" به عنوان مدیران بعضی پروژه‌ها در گروه مهندسی و ساختمان شرکت نفت توصیف شده‌اند. بدین ترتیب، لازمه تأیید قبلی موضوع ماده ۱۰ ظاهراً انجام پاره‌ای تشریفات داخلی در شرکت نفت است و تکلیفی برای ویاگ ایجاد نمی‌کند. ویاگ حق داشت که به درخواست مدیر پروژه اعتماد و اتکا کند.

۱۱۲ - در مورد ادعای شرکت نفت مبنی بر اینکه واقعا" اتومبیلی در اختیار گذارده نشده بود، دیوان ملاحظه می‌کند که مدرکی حاکی از اینکه شرکت نفت در آن زمان به

این صورتحسابها اعتراض کرده باشد وجود ندارد. از طرف دیگر، خواهان یادداشتی به تاریخ هفتم خردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ مه ۱۹۷۹] تسلیم کرده که در آن یکی از حسابداران ویاگ به دنبال مذاکراتی با مدیران پروژه، وضع کلیه مطالب قابل وصول و تأیید نشده به موجب قرارداد دی سی - ۱۷۳ را شرح داده است. کلیه نه فقره صورتحساب مربوط به کرایه اتومبیل در این یادداشت منعکس و بدین شرح توصیف شده‌اند: پنج صورتحساب تحت این عنوان که مجوز پرداخت آنها صادر شده، یک صورتحساب به عنوان در دست تصویب و سه صورتحساب دیگر به عنوان مفقود شده توسط شرکت نفت که دوباره باید تسلیم می‌شدند. بدین ترتیب، مدارک مربوط به همان زمان که خواهان تسلیم کرده، با انکار کلی مندرج در شهادتنامه مدیر پروژه تناقض دارد. باتوجه به این مدارک، دیوان متقاعد شده است که ویاگ اتومبیل کرایه‌ای موضوع نه صورتحساب مذکور را در واقع در اختیار شرکت نفت گذارده بود و نتیجه می‌گیرد که این صورتحسابها قابل پرداخت هستند. از آنجا که صورتحسابهای مذکور شامل هزینه‌های قابل جبران است وجهی بابت مالیات نباید از آنها کسر شود. بنابراین، شرکت نفت مبلغ -/۶۵۵،۰۰۰ ریال بابت صورتحسابهای کرایه اتومبیل به ویاگ بدهکار است.

۱۱۳ - مسأله راجع به سه صورتحساب به شماره‌های ۱۸۱ و ۱۸۸ و ۱۸۹، به حق‌الزحمه آقای فنتون از اول آذرماه تا ۱۵ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ [۲۲ نوامبر ۱۹۷۸ تا چهارم فوریه ۱۹۷۹] مربوط می‌شود. نگا: بند ۹۵ بالا. طبق اظهار شرکت نفت، صورتحسابها قابل پرداخت نیست، زیرا پرداخت آنها به تصویب نرسیده بود و دلیل عدم تصویب هم این بود که ویاگ کار مورد ادعا را انجام نداده بود. از آنجا که شرکت نفت حق نداشت اگر کاری انجام شده بود آن را تأیید نکند، مسأله در اینجا صرفاً این است که آیا واقعا" کار انجام شده بود، یا خیر.

۱۱۴ - دیوان ملاحظه می‌کند که در ۲۲ اسفندماه ۱۳۵۶ [۱۳ مارس ۱۹۷۸] طرفین توافق کردند که ویگ از آن تاریخ به بعد فقط ۵۰٪ حق‌الزحمه آقای فنتون را در صورتحسابهای پروژه آبادان - اهواز از شرکت نفت مطالبه کند. صورتحسابهای شماره ۱۸۱ و ۱۸۸ و ۱۸۹ نسخه تصحیح شده سه صورتحساب به تاریخهای ۱۱ آذرماه ۱۳۵۷ [دوم دسامبر ۱۹۷۸] و ۱۲ اسفندماه ۱۳۵۷ [سوم مارس ۱۹۷۹] است که در آنها ویگ ابتدا هزینه آقای فنتون را به ۵۰ درصد تقلیل نداده بود و هنگامی که آقای وندائی با اشاره به این ایراد، صورتحسابها را رد کرد، ویگ متوجه اشتباه خود شد و آن را تصحیح کرد. (ویگ همچنین یک مورد اشتباه هزینه در صورتحساب شماره ۱۸۹ را که بابت تمام ماه بهمن بود اصلاح کرد). به نظر دیوان، مسأله غیبت آقای فنتون از ایران نیز با تقلیل هزینه به ۵۰ درصد، حل شده است. توافق مورخ ۲۲ اسفندماه ۱۳۵۶ [۱۳ مارس ۱۹۷۸] مانع نمی‌شد که اگر سایر مسئولیتهای آقای فنتون در برابر ویگ و وتکو ایران خروج وی را از ایران ایجاب می‌کرد، وی از ایران خارج نشود. بالعکس، در توافق آشکارا پیش‌بینی شده بود که آقای فنتون برای کار روی پروژه آبادان - اهواز بعضی اوقات حاضر نخواهد بود. بدین ترتیب این ادعا که آقای فنتون بخشی از این مدت را در لندن گذرانده به تنهایی امتناع شرکت نفت را از پرداخت این صورتحسابها توجیه نمی‌کند. در نتیجه، این مدارک حاکی از تسلیم صورتحسابها و رد و تسلیم مجدد آنها با اعمال تصحیحات لازم، و نبود مدارکی دال بر شکایت بعدی شرکت نفت قبل از رسیدگی حاضر، دیوان را قانع می‌کند که در این صورتحسابها بابت کاری که واقعا انجام شده از شرکت نفت مطالبه وجه گردیده و بر این اساس، قابل پرداخت می‌باشند. جمع مبلغ صورتحسابها -/۱،۱۹۰،۰۰۰ ریال است و مشمول ۵/۵٪ کسور مالیاتی می‌باشد. بدین ترتیب شرکت نفت مبلغ -/۱،۱۲۴،۵۵۰ ریال بابت صورتحسابهای شماره ۱۸۱ و ۱۸۸ و ۱۸۹ به ویگ بدهکار است.

۱۱۵ - آخرین صورتحسابهای مورد اختلاف دو صورتحساب به شماره‌های ۸۲ و ۱۲۳ می‌باشند. این صورتحسابها بابت اضافه‌کاری است که یکی از بازرسان ویاگ در پروژه آبادان - اهواز به نام آقای ا.ج. لین انجام داده است. در صورتحساب شماره ۸۲ چهل و نه ساعت اضافه‌کار در ماه مه ۱۹۷۸ از شرکت نفت مطالبه شده و تاریخ آن ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ [۲۰ مه ۱۹۷۸] است. مدرکی وجود ندارد که شرکت نفت قبل از رسیدگی حاضر به این صورتحساب اعتراض کرده باشد. شرکت نفت اینک استدلال می‌کند که صورتحسابی که بابت تمامی ماه مه بوده ولی تاریخ آن بیستم مه باشد، ذاتاً مشکوک است. در صورتحساب شماره ۱۲۳ هشتاد و هشت ساعت اضافه‌کار در مدت سه هفته منتهی به ششم مردادماه ۱۳۵۷ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۸] از شرکت نفت مطالبه شده است. ویاگ بدواً صورتحسابی بابت اضافه‌کار ماههای ژوئیه و اوت ۱۹۷۸ آقای لین تسلیم کرده بود و چون مورد اعتراض شرکت نفت واقع شد، صورتحسابهای جداگانه‌ای به شماره ۱۲۳ بابت ماه ژوئیه و شماره ۱۴۴ بابت ماه اوت تسلیم نمود. شرکت نفت وجه صورتحساب شماره ۱۴۴ را که در آن چهل ساعت اضافه‌کار برای مدت چهار هفته مطالبه شده بود پرداخت ولی از پرداخت صورتحساب شماره ۱۲۳ امتناع و ادعا کرد که آقای لین کار اضافی مورد ادعا را انجام نداده است. خواهان استدلال می‌کند که پرداخت صورتحساب شماره ۱۴۴ توسط شرکت نفت موعید ادعای پرداخت صورتحساب شماره ۱۲۳ یعنی نصف دیگر صورتحساب واحدی است که بدواً [بابت دو ماه] صادر شده بود. شرکت نفت به نوبه خود ادعا می‌کند که پرداخت صورتحساب شماره ۱۴۴ نشانه حسن نیت و آمادگی وی به پرداخت صورتحسابهای صحیح بوده، بنابراین باید برای امتناع وی از پرداخت صورتحسابهایی که وی آنها را رد کرده اعتبار قائل شد.

۱۱۶ - به عقیده دیوان، تاریخ ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ [بیستم مه ۱۹۷۸] مندرج روی صورتحساب اضافه‌کار ماه مه ۱۹۷۸ به تنهایی شک و تردید کافی در مورد

صورتحساب شماره ۸۲ ایجاد نمی‌کند که امتناع فعلی شرکت نفت را از پرداخت این صورتحساب توجیه نماید. دیوان ملاحظه می‌کند که تاریخ نامه همراه صورتحساب شماره ۸۲ ویاگ به شرکت نفت دهم خردادماه ۱۳۵۷ [۳۱ مه ۱۹۷۸] بوده است. از آنجا که مدرکی حاکی از اینکه شرکت نفت در همان زمان به این صورتحساب اعتراض کرده باشد وجود ندارد، دیوان نتیجه می‌گیرد که صورتحساب شماره ۸۲ جمعا به مبلغ -/۹۰،۵۵۲ ریال قابل پرداخت می‌باشد. پس از کسر ۵/۵٪ بابت مالیات، طلب ویاگ مبلغ -/۸۵،۵۷۲ ریال است.

۱۱۷ - شرکت نفت بدواً به صورتحساب شماره ۱۲۳ اعتراض کرد. طبق اظهار خواهان، اعتراض شرکت نفت به این دلیل بود که صورتحساب بابت اضافه‌کار دو ماه صادر شده بود. ولی هیچ مدرکی از آن زمان (که برای مثال، قابل مقایسه با نامه وندائی باشد) در پرونده وجود ندارد که دلایل اعتراض شرکت نفت را تأیید کند. در بررسی این صورتحسابها، دیوان ملاحظه می‌کند که طبق قرارداد دی سی - ۱۷۳ اضافه‌کار بابت ساعات کاری قابل پرداخت بود که زاید بر ده ساعت کار در روز و شش روز کار در هفته انجام می‌گردید. در صورتحساب شماره ۱۲۳، ویاگ بدین ترتیب ادعا کرد که آقای لین جمعا "هشتاد و شش ساعت در هفته اول، نود و چهار ساعت در هفته دوم و هشتاد و هشت ساعت در هفته بعد از آن کار کرده است. اینگونه سخت کوشی استاخانوف مآبانه [آلکس استاخانوف قهرمان کار اتحاد شوروی در دهه ۳۰] در اواسط تابستان در منطقه خوزستان لاجرم تردیدهایی بر می‌انگیزد. گرچه غیر محتمل نیست که آقای لین واقعا "هشتاد و هشت ساعت اضافه بر ۱۸۰ ساعت کار عادی ظرف سه هفته در ماه ژوئیه کار کرده باشد، به عقیده دیوان مطالبه یک چنین اضافه‌کار زیاد مستلزم ارائه اسناد بیشتری است، علی‌الخصوص به این دلیل که شرکت نفت بدواً به صورتحساب شماره ۱۲۳ اعتراض کرده بود. و از آنجا که مدارک موید دیگری ارائه نشده، دیوان ادعای پرداخت صورتحساب شماره ۱۲۳ را رد می‌کند.

۱۱۸ - در فهرست زیر نتیجه‌گیریهای دیوان در مورد ادعای صورتحسابهای پرداخت نشده خلاصه می‌شود:

مبلغ قابل پرداخت	صورتحسابها
۹,۰۷۳,۴۰۴/- ریال	۲۷ صورتحساب که شرکت نفت آنها را قابل پرداخت می‌داند (۷)
" ۹۳۸,۳۸۵/-	صورتحسابهای شماره ۲۱۷، ۲۱۸ و ۲۱۹
" ۳۸۳,۶۷۰/-	صورتحسابهای شماره ۲۱۱ و ۲۱۲
" ۶۵۵,۰۰۰/-	صورتحسابهای شماره ۱۰۰، ۱۲۴، ۱۲۹، ۱۳۶، ۱۴۹، ۱۶۳، ۱۸۰، ۱۹۰ و ۱۹۱
" ۱,۱۲۴,۵۵۰/-	صورتحسابهای شماره ۱۸۱، ۱۸۸ و ۱۸۹
" ۸۵,۵۷۲/-	صورتحساب شماره ۸۲
" - ۰ -	صورتحساب شماره ۱۲۳
۱۲,۲۶۰,۵۸۱/- ریال	جمع

بدین ترتیب، شرکت نفت جمعا مبلغ ۱۲,۲۶۰,۵۸۱/- ریال بابت صورتحسابهای پرداخت نشده مربوط به خدمات انجام شده به موجب قرارداد دی سی - ۱۷۳ بدهکار است که پس از تبدیل به نرخ هر دلار

برابر ۷۰/۴۷۵ ریال، معادل ۱۷۳،۹۷۱ دلار خواهد بود. دیوان مبلغ ۱۷۳،۹۷۱/- دلار به نفع خواهان حکم می‌دهد. بهره متعلقه به این مبلغ، از تاریخ ۳۱ خردادماه ۱۳۵۸ [۲۱ ژوئن ۱۹۷۹]، یعنی سی روز پس از فسخ قرارداد دی سی - ۱۷۳، قابل احتساب خواهد بود.

۱۱۹- ویباگ این صورتحسابها را طی سالهای ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ در مواقع مختلف به شرکت نفت ارائه کرد. روی هر صورتحساب این جمله چاپ شده بود: "پرداخت ظرف سی روز تمام. هزینه دیرکردی برابر ۱/۵ درصد در ماه (۱۸% در سال) به صورتحسابهای معوقه تعلق خواهد گرفت". لیکن این شروط در قرارداد دی سی - ۱۷۳ قید نشده بود و هیچ مدرک دیگری دال بر اینکه طرفین عملاً با این شروط موافقت کرده باشند، وجود ندارد. به علاوه به نظر می‌رسد که مادام که قرارداد به قوت خود باقی بود، ویباگ به تأخیر شرکت نفت در تأدیه وجه رضایت می‌داد، بدون آنکه هزینه دیرکردی مطالبه کند. باتوجه به این واقعیات، دیوان درباره نرخ مناسب بهره متعلقه به مبالغ صورتحسابهای تأدیه نشده مورد حکم، رأی "اسا" تصمیم خواهد گرفت. نگا: بند ۲۴۴ در زیر. مقایسه شود با بندهای ۲۴-۲۵ حکم شماره ۲-۱۰۶۳۳-۳۵۵ صادره در پرونده ردینگ اند بیتس دریلینگ کامپنی و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده

۲ - ادعای کسورات

۱۲۰ - تصمیم راجع به اینکه کسورات باید پس داده شود یا خیر، مستلزم تفسیر قرارداد دی سی - ۱۷۳ است. ماده ۲۱ ویگ را ملزم می‌ساخت که در پایان هر سال تقویمی و همچنین در پایان قرارداد مفاصا حساب‌هایی از سازمان تأمین اجتماعی تحصیل کند. در ادامه ماده قید شده بود که "فقط پس از" تسلیم مفاصا حساب سازمان تأمین اجتماعی به شرکت نفت توسط ویگ، "پرداخت نهایی سالانه و پرداخت نهایی قراردادی انجام خواهد شد". مسأله تعیین کننده اینست که آیا عبارت "پرداخت نهایی سالانه" و/ یا "پرداخت نهایی قراردادی" در ماده ۲۱، آزاد کردن کسورات موضوع ماده ۱۱ را نیز شامل می‌شود، یا خیر. اگر شامل می‌شود، مسایل حقوق بیمه اجتماعی و مفاصا حساب سازمان تأمین اجتماعی موثر در مقام هستند و اگر شامل نمی‌شود، ویگ حق دارد مبلغ کسر شده را علیرغم عدم تسلیم مفاصا حساب و صرفنظر از اینکه حق بیمه اجتماعی را پرداخت کرده باشد یا خیر، باز پس گیرد.

۱۲۱ - قرارداد شماره دی سی - ۱۷۳ حاوی هیچ شرطی برای کسر مبالغی جهت تضمین پرداخت حقوق بیمه اجتماعی توسط ویگ نیست. ماده ۱۱ آزاد کردن کسورات را منوط کرده است به اینکه ویگ وظایف بازرسی خود را به نحو رضایت بخش انجام دهد و پیمانکار ساختمانی کار خود را به اتمام رساند: قرار بود نصف کسور ویگ بابت پروژه معینی، هنگام تحویل پروژه به شرکت نفت آزاد شود. نصف دیگر قرار بود پس از "خاتمه رضایت بخش دوره رفع نواقص و بعد از پذیرش نهایی کارها" آزاد گردد. این شرایط نشان می‌دهد که ماده ۱۱ یک تضمین کلی ایجاد نمی‌کرد که تعهدات مختلف قراردادی یا حقوقی ویگ را به طور کامل در بر گیرد، بلکه موجد ضمانت حسن انجام کاری بود که انجام وظایف بازرسی ویگ را در مورد پروژه‌های مشخص تضمین کرد. از اینرو، مبالغ کسر شده باید به موازات پیشرفت کار در هر یک از پروژه‌ها آزاد می‌شد، نه براساس پرداخت حقوق بیمه اجتماعی

توسط ویاگ. به طور مختصر، دیوان هیچ مطلبی در متن ماده ۱۱ نمی‌یابد که آزاد کردن مبالغ کسر شده را به تسلیم مفاصا حساب سازمان تأمین اجتماعی مرتبط گرداند. شرایط ماده ۲۱ این نتیجه‌گیری را تغییر نمی‌دهد. با تعبیری کلی از واژه "پرداخت"، می‌توان آنرا شامل آزاد کردن مبالغ کسر شده دانست. لکن کاربرد آن واژه در ماده ۲۱ مفهوم محدودتری به آن می‌دهد. عبارت "پرداخت نهایی سالانه" ظاهراً به معنای پرداخت نهایی هر سال بخصوص است. این عبارت باید مشعر بر پرداخت صورتحساب باشد، نه آزاد کردن کسورات، زیرا امکان داشت سالها بگذرد تا پروژه‌ای تحویل گردد و دوره ترمیم نواقص سپری شود. در اینصورت، "پرداخت نهایی قراردادی"، عبارت خواهد بود از پرداخت آخرین صورتحسابهای تسلیمی در خاتمه قرارداد (که ممکن است تا یکسال قبل از آزاد کردن بقیه کسورات اتفاق بیفتد). در اینصورت، ماده ۲۱ پرداخت دیون بیمه اجتماعی توسط ویاگ را با منوط ساختن پرداخت پاره‌ای از صورتحسابها به ایفای آن تعهدات توسط ویاگ، تضمین می‌کرد و نه با کسر مبلغی از وجوه پرداختی به ویاگ. دیوان نتیجه می‌گیرد که مواد ۱۱ و ۲۱ شروط جداگانه‌ای هستند و استرداد مبالغ کسر شده از ویاگ منوط به تسلیم مفاصا حساب سازمان تأمین اجتماعی نیست.

۱۲۲ - خواهان بدواً اظهار نموده بود که شرکت نفت مبلغ /- ۳۶،۴۶۹،۷۷۷ ریال کسر کرده و نگهداشته است. نامبرده در تأیید این رقم، یک صورت تلفیقی از حسابهای دریافتنی از شرکت نفت به تاریخ ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ [ششم مه ۱۹۷۹] را که توسط حسابدار ویاگ تنظیم شده، تسلیم کرده است. این سند حاوی صورتحسابها و مبالغ کسر شده بابت هر یک از پروژه‌های چهارگانه موضوع قرارداد دی سی - ۱۷۳ است. مبالغ کسر شده به /- ۳۶،۴۶۹،۷۷۷ ریال بالغ می‌شود. شرکت نفت تصدیق کرده است که این مبلغ را کسر کرده و نگهداشته است. خواهان بعداً اظهار نمود که شرکت نفت رقمی بیش از این مبلغ کسر کرده است. وی به اظهار شرکت نفت اشاره می‌کند مبنی بر اینکه کل مبلغ پرداخت شده به ویاگ تحت قرارداد دی

سی - ۱۷۳، رقم /- ۳۷۶،۳۹۶،۳۶۸ ریال و ۱۰۴،۱۰۳/۶۳ دلار بوده است. بنا به اظهار خواهان، "نظر به اینکه شرکت نفت ۱۰ درصد مبلغ هر صورتحساب را به طور اتوماتیک کسر می‌کند، این اظهار بدان معنی است که شرکت نفت مبلغ /- ۳۷،۶۳۹،۶۳۹ ریال و ۱۰،۴۱۰/۳۶ دلار یعنی جمعا" ۵۴۸،۱۱۹/۴۴ دلار کسر کرده است". دیوان قبول ندارد که این عبارت الزاما" همان مفهومی را دارد که خواهان برای آن قابل است. صورت تلفیقی مورخ ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ [ششم مه ۱۹۷۹] مدرک بهتری در مورد مبلغی است که واقعا" کسر شده است. لذا دیوان نتیجه می‌گیرد که مبلغ نگهداری شده توسط شرکت نفت /- ۳۶،۴۶۹،۷۷۷ ریال بوده است.

۱۲۳ - طرفین راجع به اینکه مبلغ کسر شده در صورت آزاد شدن مشمول ۵/۵ درصد مالیات می‌شود یا خیر، با یکدیگر اختلاف نظر دارند. ماده ۵-۱۱ شرایط اختصاصی مقرر می‌دارد که از "کلیه وجوه پرداختی به [ویاگ] غیر از خالص مبالغ قابل بازپرداخت"، مالیات کسر شود. نحوه عمل طرفین این مسأله را حل نمی‌کند، زیرا هیچگاه مبالغ کسر شده‌ای برگشت داده نشد. لکن مدارک موجود در پرونده حاکی است که شرکت نفت هنگام پرداخت صورتحسابهای ویاگ ۵/۵ درصد از رقم خالص لازم التاعدیه به ویاگ را، پس از کسر ۱۰ درصد مبلغ ناخالص ضمانت حسن انجام کار، نگه می‌داشته است. از این رویه می‌توان چنین استنباط کرد که مالیات متعلقه به ۱۰ درصد رقم کسر شده، بعدا" هنگام آزاد کردن وجه، کسر می‌شد. خواهان دلیل و مدرکی در رد این استنتاج ارائه نکرده است. بنابراین دیوان مقرر می‌دارد که از کسورات که بازپس داده می‌شود، ۵/۵ درصد باید کسر گردد.

۱۲۴ - براین اساس، شرکت نفت مبلغ /- ۳۴،۴۶۳،۹۴۰ ریال بابت کسوراتی که می‌بایست آزاد می‌شد به ویاگ بدهکار است. طبق شرایط ماده ۲-۱۱ و پیشرفت کار هر یک از پروژه‌ها، بخشهای مختلف این مبلغ می‌بایستی در زمانهای متفاوتی آزاد می‌شد.

نیمی از این وجوه باید هنگام تحویل پروژه به شرکت نفت آزاد می‌شد و موعد پرداخت نیم دیگر، حداکثر دوازده ماه بعد بود. شرایط مزبور در مورد پروژه‌های ری - ساری و آبادان - اهواز صدق می‌کند: پروژه اولی در تاریخ ۱۹ مهرماه ۱۳۵۷ [۱۱ اکتبر ۱۹۷۸] تحویل داده شد و پروژه دوم ظاهراً در ژانویه ۱۹۷۹ تکمیل گردید (گرچه مدرک تحویل رسمی خط لوله آبادان - اهواز در دست نیست).
براین اساس، ویاگ پرداخت نصف مبالغ کسر شده متعلق به خود بابت این پروژه‌ها را طی نامه مورخ ۱۲ اسفندماه ۱۳۵۷ [سوم مارس ۱۹۷۹] برای پروژه ری - ساری و نامه مورخ ۱۴ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ [سوم فوریه ۱۹۷۹] برای پروژه آبادان - اهواز، تقاضا نمود. قرارداد مشخص نمی‌سازد که در صورت خاتمه خدمات ویاگ در مورد یک پروژه و یا فسخ خود قرارداد قبل از تحویل پروژه، مبالغ کسر شده به چه نحو باید آزاد می‌شد. این موضوع در ارتباط با پروژه فرودگاه اصفهان که به خدمات ویاگ در آن رابطه در تاریخ ۱۷ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ [ششم فوریه ۱۹۷۹] خاتمه داده شد و پروژه تبریز - رضائیه که هنگام فسخ قرارداد دی سی - ۱۷۳ در تاریخ اول خردادماه ۱۳۵۸ [۲۲ مه ۱۹۷۹] ناتمام باقی مانده بود، مطرح می‌شود.
ویاگ طی نامه مورخ چهارم مهرماه ۱۳۵۸ [۲۶ سپتامبر ۱۹۷۹] استرداد کلیه مبالغ کسر شده بابت طرح فرودگاه اصفهان را تقاضا کرد. دلیل و مدرکی در سوابق مبنی بر تقاضای آزاد کردن مبالغ کسر شده بابت طرح تبریز - رضائیه، وجود ندارد. خواهان اکنون استدلال می‌کند که با خاتمه خدمات ویاگ در مورد یک پروژه ناتمام، کلیه مبالغ کسر شده بابت آن پروژه می‌بایست آزاد می‌شد. دیوان این استدلال را نمی‌پذیرد. اختتام خدمات ویاگ الزاماً موجب اسقاط کلیه حقوق و وظایف طرفین نسبت به رفع نواقص نمی‌شد و مبالغ کسر شده هنوز نوعی ضمانت حسن‌انجام کار می‌بود. بنابراین دیوان فسخ قرارداد یا بخشی از آن را معادل تحویل طرح‌های ناتمام به شرکت نفت می‌داند. در اینصورت، نصف اول مبالغ کسر شده در تاریخ فسخ قرارداد و بقیه آن دوازده ماه بعد لازم‌التأدیه خواهد بود.

۱۲۵ - صورت تلفیقی حسابهای دریافتنی مورخ ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ [ششم مه ۱۹۷۹] مبالغ کسر شده بابت هر پروژه را نشان می‌دهد. باتوجه به این صورت، دیوان می‌تواند تاریخهایی را که مبالغ مختلف کسورات، لازم‌التأدیه بوده است، به شرح زیر تعیین نماید:

پروژه فرودگاه اصفهان	پروژه آبادان - اهواز	پروژه تبریز - رضائیه	پروژه ری - ساری	
۱،۶۶۳،۱۲۷/-	۸،۰۵۲،۹۸۵/-	۱۱،۵۱۶،۸۱۴/-	۱۵،۲۵۶،۸۵۱/-	کل مبلغ کسر شده (به ریال)
۱،۵۵۲،۷۵۵/-	۷،۶۱۰،۰۷۱/-	۱۰،۸۸۳،۳۹۰/-	۱۴،۴۱۷،۷۲۴/-	خالص مبلغ (پس از کسر ۵/۵ درصد)
<u>اولین قسمت قابل برگشت :</u>				
۷۷۶،۳۷۸/-	۳،۸۰۵،۰۳۶/-	۵،۴۴۱،۶۹۵/-	۷،۲۰۸،۸۶۲/-	مبلغ
۱۷ بهمن‌ماه ۱۳۵۷	۱۱ بهمن‌ماه ۱۳۵۷	اول خرداد ۱۳۵۸	۱۹ مهرماه ۱۳۵۷	موعد برگشت
(ششم فوریه ۱۹۷۹)	(۳۱ ژانویه ۱۹۷۹)	(۲۲ مه ۱۹۷۹)	(۱۱ اکتبر ۱۹۷۸)	
<u>دومین قسمت قابل برگشت :</u>				
۷۷۶،۳۷۷/-	۳،۸۰۵،۰۳۵/-	۵،۴۴۱،۶۹۵/-	۷،۲۰۸،۸۶۲/-	مبلغ
۱۶ بهمن‌ماه ۱۳۵۸	۱۳۵۸ ماه ۱۰ دهم	۳۱ اردیبهشت ۱۳۵۹	۱۸ مهرماه ۱۳۵۸	موعد برگشت
(پنجم فوریه ۱۹۸۰)	(۳۰ ژانویه ۱۹۸۰)	(۲۱ مه ۱۹۸۰)	(دهم اکتبر ۱۹۷۹)	

۱۲۶ - نرخ تبدیل در سراسر سالهای ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ و طی چهار ماه اول سال ۱۹۸۰ در حد ۷۰/۴۷۵ ریال = یک دلار باقی ماند. لکن در مه ۱۹۸۰ متوسط نرخ تبدیل ۷۰/۳۹۸ ریال = یک دلار بود. نگاه: International Financial Statistics ، بند ۵۸ بالا. دیوان مبلغ ۵،۴۴۱،۶۹۵/- ریال، یعنی مبلغ لازم‌التأدیه در ۳۱

اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ [۲۱ مه ۱۹۸۰] را به نرخ ۷۰/۳۹۸ ریال = یک دلار و مبلغ ۲۹،۰۲۲،۲۴۵/- ریال، یعنی بقیه کسورات را به نرخ ۷۰/۴۷۵ ریال = یک دلار تبدیل و براین اساس، مبلغ ۴۸۹،۱۰۸/- دلار بابت ادعای کسورات خواهان به نفع وی صادر می‌کند.

۱۲۷ - بهره متعلقه نسبت به هر بخش از کسورات، از تاریخی که موعد استرداد آن بخش فرا می‌رسید و استرداد آن تقاضا شده بود، قابل احتساب است. در هر مورد که تقاضای استرداد به عمل نیآمده (و یا تقاضا زودهنگام بوده)، دیوان تاریخ دادخواست، یعنی ۲۵ دیماه ۱۳۶۰ [۱۵ ژانویه ۱۹۸۲] را مبنا قرار می‌دهد. در جدول زیر خلاصه این یافته‌ها درج شده است:

تاریخ شروع تعلق بهره	مبلغ به دلار	مبلغ به ریال
۱۲ اسفند ۱۳۵۷ / سوم مارس ۱۹۷۹	۱۰۲،۲۹۰/-	۷،۲۰۸،۸۶۲/-
۲۵ دیماه ۱۳۶۰ / ۱۵ ژانویه ۱۹۸۲	۱۰۲،۲۸۹/-	۷،۲۰۸،۸۶۲/-
۲۵ دیماه ۱۳۶۰ / ۱۵ ژانویه ۱۹۸۲	۷۷،۲۱۵/-	۵،۴۴۱،۶۹۵/-
۲۵ دیماه ۱۳۶۰ / ۱۵ ژانویه ۱۹۸۲	۷۷،۲۹۹/-	۵،۴۴۱،۶۹۵/-
۱۳ بهمن ۱۳۵۷ / دوم فوریه ۱۹۷۹	۵۳،۹۹۱/-	۳،۸۰۵،۰۳۶/-
۲۵ دیماه ۱۳۶۰ / ۱۵ ژانویه ۱۹۸۲	۵۳،۹۹۱/-	۳،۸۰۵،۰۳۵/-
چهارم مهر ۱۳۵۸ / ۲۶ سپتامبر ۱۹۷۹	۱۱،۰۱۷/-	۷۷۶،۳۷۸/-
۲۵ دیماه ۱۳۶۰ / ۱۵ ژانویه ۱۹۸۲	۱۱،۰۱۶/-	۷۷۶،۳۷۷/-

ج - ادعاهای متقابل مطروح در قبال ادعای ۲-۳

۱ - ادعاهای متقابل مربوط به حقوق بیمه اجتماعی و مالیات

۱۲۸ - شرکت نفت مبلغ ۱۰۱،۳۵۵،۲۲۴/- ریال بابت حقوق بیمه اجتماعی پرداخت نشده و جریمه‌های متعلقه در ارتباط با کار ویاک در قرارداد دی سی - ۱۷۳ مطالبه می‌کند. شرکت نفت همچنین خواستار ۲۸،۵۵۰،۸۸۰/- ریال بابت مالیات متعلقه

سال ۱۹۷۸ و ۱،۰۶۰،۷۱۸/- ریال بابت مالیات متعلقه سال ۱۹۷۹ است. خواهان ایراد می‌گیرد که ادعاهای متقابل مزبور خارج از صلاحیت دیوان است و نیز اظهار می‌دارد که هر دو ادعای متقابل در ماهیت مردودند.

۲ - ادعای متقابل مربوط به خط لوله ری - ساری

۱۲۹ - شرکت نفت مدعی است که خط لوله ری - ساری به علت پوسیدگی ناشی از اهمال ویاگ در انجام وظایف بازرسی خود، متحمل آسیب دیدگی وسیع شده است و از این بابت، مبلغ ۵۷۰،۳۸۲،۰۰۰/- ریال غرامت مطالبه می‌کند. خواهان می‌پذیرد که دیوان نسبت به این ادعا صلاحیت دارد. لکن اظهار می‌دارد که ادعای متقابل مزبور مشمول مرور زمان شده است، زیرا در طول دوره ۱۲ ماهه رفع نواقص مقرر در ماده ۲-۱۱ قرارداد تسلیم نشده است. هر دو طرف ادله و مدارکی در رابطه با ماهیت ادعای متقابل حاضر ارائه نموده‌اند.

۳ - ادعای متقابل مربوط به اسناد و مدارک پروژه

۱۳۰ - شرکت نفت ضمن اشاره به ماده ۲۲ قرارداد ادعا می‌کند که ویاگ اسناد و مدارک مختلف مربوط به پروژه فرودگاه اصفهان را به وی تحویل نداده و ادعا می‌کند که خساراتی بالغ بر ۵،۰۰۰،۰۰۰/- ریال متحمل شده است. خواهان به صلاحیت دیوان نسبت به ادعای متقابل ایرادی ندارد، لکن ادعای متقابل را فاقد اساس و مبنا می‌داند و بر این نظر است که شرکت نفت نتوانسته است هیچگونه قصور و اهمالی را در تحویل مدارک و یا ورود خسارت ثابت کند.

۴ - ادعای متقابل مربوط به اجاره‌های ملک آقای سلیمانی

۱۳۱ - شرکت نفت ادعا می‌کند که مبلغ ۲,۸۵۰,۰۰۰/- ریال در اجرای حکمی که آقای بنیامین سلیمانی علیه "وتکو" از دادگاه عمومی اهواز تحصیل کرده بوده، پرداخته است و اکنون خواستار بازپرداخت این مبلغ توسط ویاک می‌باشد. شرکت نفت استدلال می‌کند که ادعای متقابل مزبور به ادعای شماره ۳-۲ مربوط می‌شود، زیرا شرکت نفت از وجوه بستانکار شده به حساب ویاک تحت قرارداد دی سی - ۱۷۳، برای پرداخت حکم استفاده کرده است.

۱۳۲ - خواهان استدلال می‌کند که دیوان نسبت به این ادعای متقابل صلاحیت ندارد، زیرا ویاک هیچگونه ملکی از آقای سلیمانی اجاره نکرده است. با این وصف، خواهان تصدیق می‌کند که وتکو ایران در رابطه با کار خود در پروژه مجتمع پتروشیمی که موضوع ادعای شماره ۱-۲ بالاست، دو باب منزل از آقای سلیمانی اجاره کرده نمود. شرکت نفت قبول دارد که ادعای متقابل مزبور را می‌توان بخشی از ادعای ۱-۲ دانست.

۱۳۳ - خواهان همچنین اظهار می‌دارد که حکم دادگاه اهواز در تاریخ ۲۶ خردادماه ۱۳۶۰ [۱۶ ژوئن ۱۹۸۱] صادر شده و بر این اساس استدلال می‌کند که ادعای متقابل مزبور در تاریخ بیانیه‌های الجزیره پابرجا نبوده است. شرکت نفت پاسخ می‌دهد که اختلاف در سال ۱۹۷۸ به وجود آمد و رسیدگی‌های قضایی با صدور قرار توقیفی در تاریخ هشتم دیماه ۱۳۵۸ [۲۹ دسامبر ۱۹۷۹] آغاز گردید.

د - صلاحیت نسبت به ادعاهای متقابل مطروح در قبال ادعای ۳-۲

۱۳۴ - طرفین قبول دارند و دیوان هم موافق است که نسبت به ادعای متقابل مربوط به خط

لوله ری - ساری و ادعای متقابل مربوط به اسناد و مدارک پروژه صلاحیت دارد. لکن سه فقره ادعای متقابل دیگر، موضوعاتی در رابطه با صلاحیت مطرح می‌سازند که باید در اینجا عنوان گردند.

۱ - ادعای متقابل بابت حقوق بیمه اجتماعی و مالیات

۱۳۵ - همانطور که دیوان قبلاً" راعی داده است، ادعاهای متقابل بابت حقوق بیمه اجتماعی و مالیات طبق الزام ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، از همان قرارداد، معامله یا رویداد مبنای ادعاهای ویاگ ناشی نمی‌شوند. نگا: بندهای ۸۷-۸۸ بالا. بنابراین دیوان ادعاهای متقابل مطروح بابت حقوق بیمه اجتماعی و مالیات را به دلیل فقد صلاحیت مردود می‌شمرد.

۲ - ادعای متقابل مربوط به ملک استیجاری آقای سلیمانی

۱۳۶ - خواهان تعدادی ایراد صلاحیتی نسبت به ادعای متقابل شرکت نفت برای استرداد مبلغ /- ۲,۸۵۰,۰۰۰ ریالی که در اجرای حکم صادر شده به نفع آقای سلیمانی علیه "وتکو" پرداخته، مطرح ساخته است. نامبرده خاطرنشان می‌سازد که شرکتی که دو دستگاه خانه از آقای سلیمانی اجاره کرده بود، وتکو ایران بود که یک شخصیت حقوقی مستقل بود، نه ویاگ. خواهان اظهار تردید می‌کند که شرکت نفت بقدر کفایت ثابت کرده باشد که ملزم به پرداخت محکوم‌به بوده و یا فی الواقع محکوم‌به را پرداخت کرده باشد. خواهان ضمن اشاره به تاریخ حکم دادگاه اهواز، اظهار می‌نماید که ادعای متقابل در تاریخ بیانیه‌های الجزیره، طبق الزام بیانیه حل و فصل دعاوی پابرجا نبوده است.

۱۳۷ - دیوان قبول دارد که ادعای متقابل حاضر از همان قرارداد، معامله یا رویدادی که

مبنای ادعای شماره ۲-۳ بوده، ناشی نمی‌شود. این واقعیت که شرکت نفت محتملاً از محل وجهی که به قرارداد شماره دی سی - ۱۷۳ اختصاص یافته بوده به آقای سلیمانی پرداخت کرده، مسأله صلاحیت دیوان را تعیین نمی‌کند. با این وصف، دلیلی نیست که ادعای متقابل حاضر از لحاظ صلاحیتی بخشی از ادعای شماره ۲-۱ یعنی ادعای مطروح از جانب وتکو ایران، تلقی نشود. نحوه تنظیم و تعقیب پرونده صرفاً از ارائه اولیه ادعاها توسط خواهانها ناشی می‌شود. در رابطه با حق شرکت نفت در طرح دعوی که بدو^۱ به آقای سلیمانی تعلق داشته، شرکت نفت مدارکی تسلیم کرده که ظاهراً^۲ اوراق دادگاهی است که وی را ملزم به پرداخت ۲،۸۵۰،۰۰۰/- ریال در اجرای قرار توقیف صادره علیه "وتکو" نموده است. این مدارک، همراه با نقل مقررات ذیربط قوانین ایران توسط شرکت نفت از لحاظ طرح مسأله صلاحیت دیوان کافی است. بالاخره، در رابطه با تاریخ حکم دادگاه اهواز باید توجه داشت که دیوان نسبت به ادعاها و ادعاهای متقابلی که در تاریخ بیانیه‌های الجزیره پابرجا بوده‌اند،^۳ "اعم از اینکه در دادگاهی ثبت شده یا نشده باشند"، صلاحیت دارد. بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، همچنین نگاه: ص ۷ [فارسی] قرار اعدادی شماره ۲-۳۹-۱۱، مورخ نهم دیماه ۱۳۶۱ [۳۰ دسامبر ۱۹۸۲] در پرونده فیلیپس پترولیوم کامپنی ایران و جمهوری اسلامی ایران، (چاپ شده در 487, 491-92 Iran-U.S. C.T.R. 1).

ادعای آقای سلیمانی علیه وتکو ایران در سال ۱۹۷۸ و یا ۱۹۷۹ که وتکو ایران حسب ادعا، ملک را از وی اجاره کرد به وجود آمد و در واقع وی در تاریخ هشتم دیماه ۱۳۵۸ [۲۹ دسامبر ۱۹۷۹] قرار توقیفی علیه "وتکو" تحصیل کرد. ظاهراً^۴ شرکت نفت در تاریخ ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۶۹ [۱۹ مه ۱۹۸۰] با استفاده از وجوهی که حسب اظهار آن شرکت، به بستانکار حساب ویباگ منظور شده بود، قرار را اجرا کرد. روشن است که ادعای متقابل حاضر، به عنوان ادعایی یا توسط آقای سلیمانی یا توسط شرکت نفت در تاریخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] پابرجا بوده است. تاریخ ایجاد تعهد شرکت نفت از لحاظ صلاحیتی حائز اهمیت نیست.

۱۳۸ - با این وصف، این سؤال باقی می‌ماند که آیا ادعای متقابل حاضر در واقع از همان قرارداد، معامله یا رویداد موضوع ادعای شماره ۱-۲ ناشی می‌شود یا خیر. بند (۱) (دال) از ماده ۸ شرایط عمومی قراردادهای شماره ۰۰۶ و ۰۰۷ مجتمع پتروشیمی، و تکو ایران را مسئول "تأمین مسکن" برای کارکنان شاغل خود در پروژه مجتمع یاد شده ساخته است. در بند (۲) ماده ۹ قید شده است: "پیمانکار [وتکو ایران] باید اطمینان حاصل کند که مسکنی که برای کارکنان یا کارگران شاغل خود در قرارداد تأمین می‌کند، فقط توسط کارکنانی که در قرارداد شاغل هستند و فقط برای مدت قرارداد مورد استفاده قرار گیرد". بالاخره، خواهان بدون چون و چرا تصدیق می‌کند که و تکو ایران دو باب منزل در رابطه با کار خود در پروژه مجتمع پتروشیمی از آقای سلیمانی اجاره کرده بود: ادعای هزینه‌های تلف شده در ادعای شماره ۱-۲، پول پرداختی به آقای سلیمانی برای فسخ اجاره‌نامه دو باب منزل یاد شده را نیز شامل می‌شود. بر این اساس، خواهان نسخه‌ای از دو فقره اجاره‌نامه منعقد با آقای سلیمانی را به عنوان مدرک تسلیم نموده است.

۱۳۹ - این واقعیات نشان می‌دهند که ادعای مطروح توسط آقای سلیمانی در دادگاه اهواز علیه و تکو ایران احتمالا در رابطه با کار و تکو ایران در پروژه مجتمع پتروشیمی به وجود آمده است. با این وصف، دلایل دیگری هست که از قوت این احتمال می‌کاهد. در اجاره‌نامه‌های و تکو ایران با آقای سلیمانی این نشانیها ذکر شده: پلاکهای ۹۴۰ و ۹۴۱، "خیابان هیجدهم، بعد از خیابان اقبال، اهواز". در قرار توقیف، ملک مورد دعوی با نشانی "منزل شماره ۹۰۳/۷۴۱ واقع در بخش ۷ اهواز"، مشخص شده است. شرکت نفت راجع به این اختلاف توضیحی نداده است، هر چند که به اطلاعات لازم برای اینکار باید دسترسی داشته باشد. به علاوه، دیوان ادله و مدارکی در این پرونده مشاهده می‌کند مبنی بر اینکه و تکو ایران و ویاک در قراردادها و معاملات دیگری سوای آنچه که در پرونده حاضر مورد بحث است، شرکت داشته‌اند. کاملا" محتمل است که و تکو ایران و ویاک مستغلات دیگری

را از آقای سلیمانی اجاره کرده باشند. با در نظر گرفتن این واقعیات، دیوان نمی‌تواند اختلاف موجود در نشانیها را نادیده بگیرد و یا بپذیرد که دو نشانی در واقع مربوط به یک ملک است. بنابراین، شرکت نفت ثابت نکرده است که اجاره نامه‌ای که دعوای حقوقی آقای سلیمانی بر آن مبتنی بوده به قراردادهای شماره ۰۰۶ و ۰۰۷ مرتبط بوده است. نتیجه اینکه، شرکت نفت نتوانسته است ثابت کند که ادعای متقابل حاضر از همان قرارداد، معامله یا رویدادی که موضوع ادعاهای پرونده حاضر است ناشی می‌شود. از اینرو، دیوان باید ادعای متقابل مربوط به خانه‌های استیجاری متعلق به آقای سلیمانی را به دلیل فقد صلاحیت رد کند.

ه- ماهیت ادعاهای متقابل مطروح در قبال ادعای ۲-۳

۱ - ادعای متقابل مربوط به خط لوله ری - ساری

۱۴۰- پروژه ری - ساری شامل احداث خط لوله‌ای برای انتقال فرآورده‌های نفتی در مسافتی به طول ۲۸۷ کیلومتر از ری در نزدیکی تهران تا ساری در نزدیکی دریای خزر بود. شرکت نفت شرکت مختلطی متشکل از موریسن کنودسن و شرکت ساختمانی ندا موسوم به ام. ک. - ندا ج. و. برای احداث این خط لوله به کار گمارد. در قرارداد ساختمانی شرکت نفت با ام. ک. - ندا به تفصیل تصریح شده بود که برای حفاظت خط لوله در برابر پوسیدگی، خط لوله در طول احداث می‌بایست چگونه تمیزکاری، روکش و نواریچی شود. طبق قرارداد دی سی - ۱۷۳، ویاگ این کار "روکش کردن و نوار پیچی" را برای اطمینان از اینکه با مشخصات قرارداد ساختمانی تطبیق کند، نظارت و بازرسی می‌کرد.

۱۴۱- در قرارداد شرکت نفت با ام. ک. - ندا، همچنین مقرر شده بود که یک سیستم حفاظت کاتودیک [ضد پوسیدگی] نصب گردد. گرچه وظایف ویاگ شامل بازرسی آن

سیستم نمی‌شده، با این وصف حفاظت کاتودیک بخش مهمی از حفاظت خط لوله را در برابر پوسیدگی تشکیل می‌داد. حفاظت کاتودیک بر این واقعیت مبتنی است که پوسیدگی خط لوله فلزی، معلول جریان برق طبیعی است که از لوله به زمین پیرامون لوله جریان می‌یابد و زمین نقش الکترولیت را در این میان ایفا می‌کند. سیستم کاتودیک با ایجاد یک جریان برق ولتاژ پائین در جهت مخالف از زمین به جانب لوله، جریان طبیعی را خنثی و بدین ترتیب از پوسیدگی لوله جلوگیری می‌کند. جریان برقی که از سیستم حفاظت کاتودیک عبور می‌کند در نقاط مختلف خط لوله قابل واریسی است. این امر کشف بموقع هرگونه پوسیدگی را که احیاناً رخ داده باشد، امکان پذیر می‌سازد.

۱۴۲ - در این ادعای متقابل، شرکت نفت مدعی است که خط لوله ری - ساری بر اثر غفلت و قصور ویاک در انجام وظایف بازرسی خود دچار پوسیدگی شدید شده است. بنا به اظهار شرکت نفت، علت این پوسیدگی این بوده است که خط لوله در جریان احداث، به طرز صحیح تمیزکاری، روکش و نوار پیچی نشده است. پوسیدگی تصادفاً هنگامی کشف شد که کارگران در موقع خاک برداری در نقطه‌ای در طول خط لوله متوجه می‌شوند که نوار حفاظتی کاملاً به لوله چسبیده نشده و لوله زیر نوار زنگ زده است. سپس شرکت نفت از نقاط دیگری در مسیر خط لوله نمونه برداری کرد و حسب ادعا، متوجه پوسیدگی گسترده‌ای شد. شرکت نفت مشخص نساخته که چه موقع این پوسیدگی را کشف کرده است. حسب ادعا، پوسیدگی مزبور یک چهارم از عمر لوله کاسته است. شرکت نفت، براین اساس مبلغ /- ۵۷۰،۳۸۲،۰۰۰ ریال "به اضافه خسارات غیر مستقیم دیگر" به عنوان غرامت مطالبه می‌کند.

۱۴۳ - همانطور که در بند ۱۳۴ بالا ملاحظه شد، ادعای متقابل حاضر در صلاحیت دیوان واقع است. لکن خواهان استدلال می‌کند که ادعای متقابل مشمول مرور زمان شده، زیرا در طول دوره یکساله رفع نواقص مقرر در قرارداد دی سی - ۱۷۳ مطرح

نگردیده است. طبق اظهار خواهان، دوره رفع نواقص حداکثر در تاریخ ۱۸ مهرماه ۱۳۵۸ [دهم اکتبر ۱۹۷۹]، یعنی یکسال پس از تحویل رسمی خط لوله ری - ساری خاتمه یافت. در رابطه با ماهیت دعوی، خواهان اظهار می‌دارد که شرکت نفت نتوانسته است عناصر لازم ادعای متقابل خود - به ویژه حدود واقعی آسیب دیدگی ادعایی خط لوله و مسئولیت ویاگ بابت هرگونه پوسیدگی احتمالی موجود فعلی را ثابت کند.

۱۴۴ - هر دو طرف مدارکی به صورت شهادتنامه تسلیم کرده‌اند. لکن تنها شهود خواهان مدعی‌اند که از مدت زمان ساختمان و دوره رفع نواقص خط لوله ری - ساری شخصا آگاهی دارند. این شهود عبارتند از بازرسانی که برای ویاگ کار می‌کردند و همچنین کارکنان شرکتی که خط لوله را احداث و مواد "روکش و نوار پیچی" را تولید و سیستم حفاظت کاتودیک را نصب کردند. در شهادت نامه‌های آنها کار "روکش و نوار پیچی" و همچنین روشهای ویاگ در نظارت و بازرسی آن کار، به تفصیل تشریح شده است. خواهان همچنین مدارک مستندی در مورد بازرسی نهایی و تحویل خط لوله ری - ساری ارائه کرده است. برعکس، شهود خوانندگان به شرح نتایج بازرسیها و آزمایشهایی که سالها بعد از تکمیل خط لوله صورت گرفته، پرداخته‌اند.

۱۴۵ - نخستین موضوعی که دیوان باید بدان رسیدگی کند اینست که آیا ادعای متقابل حاضر مشمول مرور زمان شده است یا خیر. دیوان داوری در صص ۲۱-۲۲ [فارسی] قرار اعدادی شماره ۳-۴۸-۴۱ مورخ ۲۱ خردادماه ۱۳۶۳ [۱۱ ژوئن ۱۹۸۴] در پرونده امریکن بل اینترنشنال اینک و جمهوری اسلامی ایران و دیگران (چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. 74, 88-89)، یک شرط قراردادی ناظر بر محدودیت مدت زمانی را که ظرف آن ادعایی قابل طرح بود، معتبر اعلام کرد. در شرط مورد بحث در امریکن بل تصریح شده بود که شرط

مزبور نواقص و معایبی را شامل می‌شود که "ظرف دو سال پس از شروع بهره‌برداری از هر پروژه مجزا مشاهده شود". همانجا ، ص ۲۰ [فارسی]، 6) Iran-U.S. C.T.R. at 87. شرایط قرارداد دی سی - ۱۷۳ راجع به دوره رفع نواقص این صراحت را ندارد. نگاه بند ۹۳ بالا. علاوه براین، دیوان مایل به قبول این نظر نیست که ویاک را نمی‌توان بابت عیوب مخفی در کار بازرسی وی که پیش از یکسال بعد از تحویل پروژه آشکار شده، مسئول دانست. بنابراین، دیوان توجه خود را به ماهیت ادعای متقابل معطوف خواهد کرد و بدین منظور، تأکید بر این نکته را حائز اهمیت می‌داند که آنچه مورد بحث است کار بازرسی ویاک است و نه کیفیت کار پیمانکار ساختمانی - هرچند که البته، کار مقاطعه‌کار ساختمانی می‌تواند به عنوان دلیل در ارزیابی کار بازرسی ویاک موثر در مقام باشد.

۱۴۶ - دیوان اکنون توجه خود را به ماهیت ادعای متقابل حاضر معطوف کرده، ملاحظه می‌کند که رویدادهای پیرامون تکمیل و تحویل خط لوله، با مدارکی که خواهان ارائه کرده، کاملاً مستند شده است. در اوت ۱۹۷۸، نمایندگان شرکت نفت، ویاک و ام. ک - نداء سراسر مسیر ۲۸۷ کیلومتری خط لوله را پیموده، مورد بازرسی قرار دادند. بازرسی مزبور به صورت اقداماتی از جمله خاک برداری تصادفی برای واریسی نوار پیچی بود. کنتورهای سیستم حفاظت کاتودیک شماره‌برداری گردید. پس از انجام این "مسیر پیمایی"، طرفین برای بحث و توافق در مورد گزارشی حاوی فهرست نواقصی که باید بر طرف می‌شد، تشکیل جلسه دادند. در گزارش، عیب و نقصی در روکش کردن و نوار پیچی خط لوله ذکر نشده، بلکه در آن قید گردیده که "در خاک برداریهای تصادفی، روکش کردن لوله بازرسی و رضایت بخش تشخیص داده شد". در گزارش که توسط نمایندگان سه طرف امضا گردیده، ذکر شده است که خط لوله "نصب و به نحو رضایت بخش مورد آزمایش واقع گردیده و کلیه کارهای لازم از جمله سیستم حفاظت کاتودیک موثر و... اکنون آماده دریافت مواد هیدروکربن است". در اکتبر ۱۹۷۸ "مسیر پیمایی" دیگری در امتداد خط لوله،

ظاهرا" به درخواست یکی از مقامات شرکت نفت که در مسیر پیمایی اول شرکت نکرده بود، صورت گرفت. بازرسی مزبور منجر به تهیه فهرست دیگری از نواقص شد که هیچیک از آنها به "روکش کردن و نوار پیچی" لوله مربوط نمی‌شد. بنا به اظهار خواهان، رئیس گروه خط لوله شرکت نفت، پس از "مسیر پیمایی" دوم شفاها" خط لوله را پذیرفت. "صورت جلسه" مورخ ۱۴ آبانماه ۱۳۵۷ [پنجم نوامبر ۱۹۷۸] موعید پذیرش خط لوله توسط شرکت نفت است و شرکت نفت در نامه‌ای به ام. ک - نداء، تأیید کرد که دوره رفع نواقص از ۱۹ مهرماه ۱۳۵۷ [۱۱ اکتبر ۱۹۷۸] آغاز می‌شود.

۱۴۷ - ادله و مدارک بالا موعید مدارک دیگری است در پرونده حاکی از آنکه دستورالعملهای "روکش کردن و نوار پیچی" در طول ساختمان خط لوله به دقت رعایت گردیده و ویاگ وظایف بازرسی خود را به نحو صحیح انجام داده است. ادله شرکت نفت کافی برای تغییر این نتیجه‌گیری نیست. شرکت نفت مدارکی ارائه کرده که حاکی است خط لوله دچار پوسیدگی شده، لکن ثابت نکرده است که تصور و اهمال ادعایی در عملیات بازرسی در طول ساختمان خط لوله نقشی در این آسیب دیدگی ادعایی داشته است. بدینسان، شرکت نفت ثابت نکرده است که ویاگ مسئول وضعیت فعلی خط لوله است. بنابراین، دیوان ادعای متقابل مربوط به خط لوله ری - ساری را مردود می‌شمرد.

۲ - ادعاهای متقابل مربوط به اسناد و مدارک پروژه

۱۴۸ - طبق قرارداد شماره دی سی - ۱۷۳، کلیه "اسناد و مدارک تهیه شده توسط [ویاگ] در رابطه با پروژه متعلق به [شرکت نفت] می‌باشد". شرکت نفت با استناد به این شرط، متقابلاً مبلغ ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال بابت خسارات متحمل بر اثر تصور ویاگ در تحویل پاره‌ای اسناد و مدارک مربوط به پروژه فرودگاه اصفهان مطالبه

می‌کند. شرکت نفت مدارک یاد شده را به شرح زیر توصیف می‌کند:

۱ - پرونده مربوط به لوله‌هایی که دریافت و مورد استفاده واقع شده.

۲ - پرونده اقلامی که به خارج سفارش داده شده.

۳ - پرونده خرید اقلام از خارج.

۴ - پرونده مشخصات و استانداردهای فنی.

۵ - پرونده مکاتبات با سازندگان مختلف.

۱۴۹ - خواهان در اینجا نیز اظهار می‌دارد که ادعای متقابل به موجب دوره رفع نواقص قرارداد شماره دی سی - ۱۷۳ مشمول مرور زمانست. از لحاظ ماهیت ادعای وی استدلال می‌کند که شرکت نفت بقدر کافی مدارک مورد بحث را مشخص و خسارات متحمل را ثابت نکرده است.

۱۵۰ - دیوان موافق است که شرکت نفت مشخصات مدارک را بقدر کافی توصیف و خسارات ادعایی را ثابت نکرده است. از اینرو دیوان ادعای متقابل حاضر را به لحاظ فقد دلیل رد می‌کند.

پنجم - ادعای شماره ۲-۴

الف - واقعیات و اظهارات

۱۵۱ - ادعای شماره ۲-۴ ادعایی است که توسط وتکو اینک و کمباسچن انجینیرینگ از جانب شرکت تابعه آنها، وتکو ایران به ثبت رسیده است. ادعا علیه ماشین سازی

پارس مطرح شده است. خواهانها مبلغ /۱۴۹،۱۰۴ دلار بابت صورتحسابهای پرداخت نشده، به اضافه بهره و هزینه‌ها مطالبه می‌کنند.

۱۵۲ - در اواخر ژانویه ۱۹۷۸، شرکت ملی صنایع فولاد ایران ("صنایع فولاد") در شرف عقد قراردادی با ماشین سازی پارس بود تا به موجب آن، ماشین سازی پارس اسکلت‌های فولادی گوناگونی را در مجتمع فولاد پهلوی در نزدیکی اهواز مونتاز و نصب کند. ماشین سازی پارس در رابطه با کاری که باید طبق قرارداد انجام می‌داد، ملزم بود خدمات بازرسی را به اشخاص ثالث واگذار کند، لکن خدمات مزبور باید به وسیله بازرسان مورد تأیید صنایع فولاد انجام می‌گرفت.

۱۵۳ - نظر به اینکه صنایع فولاد اطلاع داد که وتکو ایران، به عنوان مرجع بازرسی، مورد تأیید صنایع فولاد می‌باشد، نمایندگان ماشین سازی پارس با وتکو ایران تماس گرفتند و جلساتی تشکیل گردید. پس از توافق راجع به اینکه وتکو ایران مرجع بازرسی برای ماشین سازی باشد، آقای کراکفورد از وتکو ایران، سندی حاوی شرایط قراردادی پیشنهادی وتکو ایران تهیه کرد. در ۱۶ بهمن‌ماه ۱۳۵۶ [پنجم فوریه ۱۹۷۸]، طرفین بار دیگر تشکیل جلسه داده، شرایط انجام کار توسط وتکو ایران را مورد مذاکره قرار دادند. این امر منجر به تغییراتی به صورت دستنوشته در سندی که توسط آقای کراکفورد تهیه شده بود گردید. سپس کلیه صفحات سند توسط آقای کراکفورد از وتکو ایران و آقای معزی از ماشین سازی پارس پاراف شد.

۱۵۴ - در تاریخ ۱۷ بهمن‌ماه ۱۳۵۶ [ششم فوریه ۱۹۷۸] وتکو ایران نامه را ضمن گنجاندن تغییرات دستنوشته، مجدداً تایپ و برای امضا به ماشین سازی فرستاد. لکن هرگز نسخه امضا شده‌ای به وتکو ایران بازنگشت.

۱۵۵ - خواهانها می‌گویند که با این وصف وتکو ایران تا دسامبر ۱۹۷۸ خدماتی بر طبق قرارداد انجام داد و در واقع، حتی قبل از ۱۶ بهمن‌ماه ۱۳۵۶ [پنجم فوریه ۱۹۷۸] وتکو ایران به تقاضای ماشین سازی پارس کار را شروع کرده بود.

۱۵۶ - بنا به اظهار خواهانها، کارکنان وتکو ایران در این پروژه برگهای کار هفتگی تکمیل می‌کردند. مهندس جوشکار یا سرپرست طرح وتکو ایران این برگها را برای تأیید و امضا ماشین سازی پارس به آقای معزی تسلیم می‌کرد. آقای معزی یک نسخه را نگه می‌داشت و سایر نسخ امضا شده را به دفتر وتکو ایران در تهران می‌فرستاد و نسخ مزبور در آنجا به عنوان مبنای تنظیم صورتحسابهای بعدی وتکو ایران به ماشین سازی مورد استفاده واقع می‌شد. وتکو ایران کلاً بیست و دو فقره صورتحساب به ماشین سازی تسلیم کرد که هیچیک از آنها پرداخت نشد.

۱۵۷ - خواهانها اظهار می‌دارند که آقای معزی نسخه‌ای از گزارشهای پیشرفت کار را نیز که به طور مرتب توسط کارکنان ارشد وتکو ایران در پروژه تهیه می‌گردید، دریافت کرده است.

۱۵۸ - در سپتامبر ۱۹۷۸ اوضاع مجتمع فولاد پهلوی رو به وخامت گرایید، لکن بازرسان وتکو ایران، حسب ادعا تا آخر نوامبر به کار ادامه دادند. آنان مجتمع را در اواخر دسامبر ۱۹۷۸ و اوایل ژانویه ۱۹۷۹ به دلیل اینکه کار پروژه پیشرفت نمی‌کرد و همچنین به ملاحظات امنیت جانی، ترک کردند. تا قبل از ترک پروژه، وتکو ایران پرداخت صورتحسابهای معوقه را کتبا از ماشین سازی پارس خواستار شده بود. پس از ترک پروژه نیز وتکو ایران با ارسال نامه‌های دیگری مطالبه وجه کرد.

۱۵۹ - خواهانها مبلغ /- ۱۴۹،۱۰۴ دلار بابت صورتحسابهای پرداخت نشده مطالبه می‌کنند. آنان مدعی‌اند که نامه مورخ ۱۶ بهمن‌ماه ۱۳۵۶ [پنجم فوریه ۱۹۷۸] همراه با

تغییراتی که بدان افزوده شد مبین توافق بین وتکو ایران و ماشین سازی پارس بوده و لذا دو طرف را ملزم و مقید ساخته است. به علاوه، آنان استدلال می‌کنند که ماشین سازی پارس کار انجام شده توسط وتکو ایران را به طور بلاشرط پذیرفته و لذا اکنون نمی‌تواند ادعا کند که به موافقتنامه رضایت نداده است.

۱۶۰ - ماشین سازی پارس راجع به اهمیت حقوقی موافقتنامه، نظر مخالف دارد و اظهار می‌کند که چون پاراف کردن یک سند برای لازم‌الاجرا ساختن توافق مبنایی بین طرفین کافی نیست، و نظر به اینکه نامه مورخ ۱۷ بهمن‌ماه ۱۳۵۶ [ششم فوریه ۱۹۷۸] هیچگاه امضا نشد، لذا هیچگونه توافق الزام آور و قابل اجرایی بین وتکو ایران و ماشین سازی پارس به وجود نیامده است. ماشین سازی مضافاً منکر آنست که وتکو ایران خدماتی ارائه کرده و به ویژه استدلال می‌کند که غیرممکن است وتکو ایران از فوریه ۱۹۷۸ شروع به اجرای خدمات کرده باشد، زیرا ماشین سازی پارس و صنایع فولاد موافقتنامه مربوط به خود را تا ۲۸ اسفندماه ۱۳۵۷ [۱۹ مارس ۱۹۷۸] امضا نکردند. ماشین سازی پارس همچنین به ماده ۶ آن قرارداد اشاره می‌کند که اختیار نظارت بر کار ماشین سازی پارس را به صنایع فولاد می‌داد.

ب - ماهیت ادعای ۲-۴

۱ - اعتبار و قابلیت اجرای موافقتنامه

۱۶۱ - ماشین سازی پارس اظهار می‌دارد که وی قراردادی جهت خدمات بازرسی با وتکو ایران منعقد نساخته و نامه پاراف شده مورخ ۱۶ بهمن‌ماه ۱۳۵۶ [پنجم فوریه ۱۹۷۸] تسلیمی خواهان اثر و اعتباری ندارد و هیچگونه کاری توسط وتکو ایران انجام نگرفته است.

۱۶۲ - طبق ماده پنج بیانیه حل و فصل دعاوی، دیوان باید "اصول حقوق تجارت و حقوق بین‌الملل" را رهنمود خود قرار دهد. دیوان قبلاً "خاطرنشان ساخته است که در نظامهای حقوقی داخلی این مطلب قبول عام یافته است که وجود قرارداد قابل اجرا، از طریق ادله و مدارک حاکی از اجرای بخشی از قرارداد قابل اثبات است. چنین اصلی را باید یک اصل کلی حقوقی تلقی کرد. نگاه: صص ۲۶-۲۵ [فارسی] حکم شماره ۳-۲۵۵-۱۷۶، مورخ ششم اردیبهشت ماه ۱۳۶۵ [۲۶ آوریل ۱۹۸۶] در پرونده دیک آو دلهور اینک و دیگران و سازمان عمران و نوسازی تهران و دیگران، (چاپ شده در 144, 161 Iran-U.S. C.T.R. 8).

۱۶۳ - خواهانها دلایل و مدارک مفصلی تسلیم کرده‌اند که ثابت می‌کند وکتو ایران خدماتی برای ماشین سازی پارس در پروژه صنایع فولاد انجام داده و ماشین سازی نیز آنها را پذیرفته است. از اینرو، دیوان نتیجه می‌گیرد که قرارداد قابل اجرایی بین طرفین وجود داشته و خواهانها استحقاق دارند بهای کاری را که وکتو ایران انجام داده، دریافت کنند.

۲ - اجرای قرارداد توسط وکتو ایران

۱۶۴ - خواهانها اظهار می‌دارند که کارکنان وکتو ایران از اوایل فوریه تا پایان نوامبر ۱۹۷۸ طبق قرارداد کار کردند و ادعا می‌کنند که وکتو ایران ۲۲ فقره صورتحساب بابت این دوره به ماشین سازی پارس تسلیم کرد و هیچیک از آنها پرداخت نشده است. در تأیید این ادعا، خواهانها فهرستی از این صورتحسابها به تاریخ ۱۸ مهرماه ۱۳۵۷ [دهم اکتبر ۱۹۷۸] به علاوه نامه‌ای از وکتو ایران به ماشین سازی پارس به تاریخ ۱۹ مهرماه ۱۳۵۷ [۱۱ اکتبر ۱۹۷۸] مبنی بر مطالبه وجه، تسلیم کرده‌اند. خواننده شهادتنامه‌ای تسلیم و طی آن، دریافت نامه مزبور را انکار کرده است. لکن فقط یک صورتحساب مورد مطالبه خواهانها، یعنی صورتحساب شماره ۱۰۸۰ بابت ماه نوامبر ۱۹۷۸ توسط آنان ارائه شده است. خواهانها برای اثبات اجرای کار توسط وکتو ایران، نسخه‌هایی از گزارشهای بازرسی که توسط سرپرستان

وتکو ایران طی مدت قرارداد تنظیم شده، ارائه کرده‌اند. در ابتداء گزارشها به صورت هفتگی و روی سرنامه‌های ماشین سازی پارس تنظیم می‌شد. از ماه ژوئن، گزارشها شامل یک ماه تمام بود و روی سرنامه‌های وتکو ایران تهیه شد. اولین گزارش موجود در پرونده دارای عنوان "گزارش شماره ۶" است و هفته منتهی به ۲۶ اسفندماه ۱۳۵۶ [۱۷ مارس ۱۹۷۸] را شامل می‌شود. آخرین گزارش موجود در پرونده، یعنی گزارش شماره ۲۱، شامل ماه سپتامبر ۱۹۷۸ می‌باشد.

۱۶۵ - دیوان بر این نظر است که گزارشهای پیشرفت کار مدرک کافی از کاری است که توسط وتکو ایران برای ماشین سازی پارس انجام شده است. لذا صورتحسابهای مربوط بدانها که در فهرست مورخ ۱۸ مهرماه ۱۳۵۷ [دهم اکتبر ۱۹۷۸] مشاهده می‌شود، باید پرداخت گردد صرفنظر از اینکه نامه دریافت شده باشد یا خیر. با این وصف، دو صورتحساب اول که ماههای فوریه و مارس را باهم شامل می‌شود تنها تاحدودی با گزارشهای پیشرفت کار تاعید می‌گردند. دیوان مقرر می‌دارد که پرداخت وجه آن دو صورتحساب باید به مبلغی متناسب با سه هفته آخر ماه مارس، محدود شود.

۱۶۶ - گزارشهای پیشرفت کاری به عنوان سند کار انجام شده توسط وتکو ایران از ماه آوریل تا پایان سپتامبر وجود دارد. بنابراین، صورتحسابهای مربوط به این مدت همه قابل پرداخت است.

۱۶۷ - در مورد کار انجام شده در طول ماههای اکتبر و نوامبر ۱۹۷۸، ایضا" دلیل و مدرکی به صورت گزارشهای پیشرفت کار وجود ندارد. علاوه بر این، قراینی وجود دارد که نشان می‌دهد از سپتامبر ۱۹۷۸ به بعد، فعالیتهای مجتمع پی در پی متوقف گردید. این وقفه‌ها آخرالامر منجر بدان شد که مجتمع در اواخر نوامبر ۱۹۷۸ به طور کامل و دایمی بسته شود. به علاوه، آقای فنتون از وتکو ایران

اظهار داشته است که از اکتبر تا دسامبر ۱۹۷۸، آقای معزی از ماشین سازی پارس در مواردی به وی اطلاع داد که تمامی پروژه به حال تعطیل درآمده و هیچ کارمندی اجازه ورود به محوطه پروژه را ندارد. بنا به اظهار آقای فنتون، با این وصف، وتکو ایران کارکنان خود را آماده نگاه داشت تا در صورت تغییر اوضاع، روی پروژه کار کنند. دیوان پس از سنجش کلیه مدارک تسلیمی نتیجه می‌گیرد که دلایل کافی وجود ندارد که صورتحسابهای شماره ۱۰۶۴، ۱۰۶۵ و ۱۰۸۰ برای ماههای اکتبر و نوامبر ۱۹۷۸ بابت کاری است که واقعا توسط کارکنان وتکو ایران انجام شده باشد.

۱۶۸ - براین اساس، دیوان نتیجه می‌گیرد که خواهانها استحقاق دارند بهای خدماتی را که وتکو ایران از ۱۹ اسفندماه ۱۳۵۶ [دهم مارس] الی سپتامبر ۱۹۷۸ ارائه نموده، دریافت کنند. بهترین مدرک راجع به ارزش خدماتی که طی این دوره ارائه شده، نامه مورخ ۱۶ بهمن‌ماه ۱۳۵۶ [پنجم فوریه ۱۹۷۸] است که حاوی مظنه خدمات مختلفی است که می‌بایست ارائه می‌شد، همراه با فهرست مورخ ۱۸ مهرماه ۱۳۵۷ [دهم اکتبر ۱۹۷۸] حاوی صورتحسابهای پرداخت نشده. مبلغ این صورتحسابها $4,986,955/-$ ریال است. خواهانها استحقاق دریافت ۷۵ درصد این مبلغ (نگا: بند ۲۱ بالا)، یعنی $3,740,216/-$ ریال را دارند که پس از تبدیل به نرخ یک دلار = $70/475$ ریال، مبلغ $53,072/-$ دلار به دست می‌آید. مبلغ مزبور، حداکثر ظرف سی روز از تاریخ تسلیم کلیه صورتحسابهای معوقه توسط آقای فنتون به آقای ترک زاده از ماشین سازی پارس، یعنی ۱۹ مهرماه ۱۳۵۷ [۱۱ اکتبر ۱۹۷۸] لازم‌التأدیه بوده است. لذا، بهره متعلقه به مبلغ $53,072/-$ دلار از تاریخ ۱۹ آبان‌ماه ۱۳۵۷ [دهم نوامبر ۱۹۷۸] قابل احتساب است.

ششم - ادعای ۲-۵

الف - واقعیات و اظهارات

۱۶۹ - ادعای شماره ۲-۵ ادعایی است که توسط کمباسچن و وتکو اینک از جانب شرکت تابعه آنها وتکو ایران، به ثبت رسیده است. ادعا علیه دولت جمهوری اسلامی ایران مطرح شده است. خواهانها بابت مصادره و/ یا سلب مالکیت ادعایی اموالی به "ارزش خالص دفتری" -/۲۴۴،۵۵۰ دلار توسط ایران، مطالبه غرامت می‌کنند. خواهانها همچنین طالب بهره و هزینه‌ها هستند.

۱۷۰ - وتکو ایران تا پایان سال ۱۹۷۸ خدماتی در زمینه مهندسی، بازرسی و کنترل مرغوبیت، عمدتاً در رابطه با صنایع توسعه نفت و گاز ارائه می‌کرد. به دلیل ناآرامیهای انقلاب، وتکو ایران در ۱۱ دیماه ۱۳۵۷ [اول ژانویه ۱۹۷۹] کارکنان خارجی خود را از اهواز به آتن و سپس به لندن منتقل کرد.

۱۷۱ - وتکو ایران اظهار می‌دارد که هنگام خارج ساختن کارکنان خارجی خود، پاره‌ای اموال، شامل تجهیزات و وسایل نقشه‌برداری و آزمایشگاهی و دو دستگاه وسیله نقلیه شرکت، بناچار در اهواز به جای گذاشته شد. همینطور وسایل دفتری و اثاث منزل کارکنان نیز در اهواز به جای گذاشته شد. علاوه براین، کلیه اثاث موجود در دفتر مرکزی وتکو ایران در تهران نیز می‌بایست رها می‌گردید. بالاخره، خواهان اظهار می‌نماید که از نقل و انتقال ماشین آلات حوزه نفتی که در آبادان نگهداری می‌شد جلوگیری به عمل آمد.

۱۷۲ - خواهانها اظهار می‌دارند که اموال مزبور که ارزش آنها -/۲۴۴،۵۵۰ دلار است توسط ایران ضبط یا مصادره شده است، به این دلیل که مقامات ایرانی از فروش یا

انتقال اموال از ایران توسط وتکو ایران قبل از تعطیل نهایی عملیات تجاری وتکو ایران در اواخر سال ۱۹۷۹ در آن کشور ممانعت کردند. خواننده انکار می‌کند که اموال را ضبط و یا مصادره ادعایی آنها را تشویق کرده باشد و استدلال می‌کند که بنابراین، ادعا متوجه ایران نیست.

ب - ماهیت ادعای ۲-۵

۱۷۳ - دیوان قبلاً نظر داده است که برای اثبات ادعای سلب مالکیت خواهان باید ثابت کند که:

"اولاً، در حقوق مالکانه وی به اندازه‌ای مداخله شده که در استفاده از آن حقوق یا بهره‌مندی از منافع آن تأثیر اساسی گذاشته و وی در اثر این مداخله متحمل زیان شده است و ثانیاً اینکه مداخله قابل انتساب به دولت ایران است."

بند ۲۸ حکم پرونده اوتیس الویتور کامپنی، مذکور در بالا.

۱۷۴ - از اینرو، دیوان باید مداخلاتی را که مورد شکایت خواهانهاست مورد رسیدگی قرار دهد و تعیین نماید که آیا این اقدامات متوجه دولت ایران هست یا خیر و آیا آنچنان مداخله‌ای محسوب می‌شود که راعی به واقع شدن سلب مالکیت یا مصادره اموال را توجیه کند یا خیر.

۱۷۵ - خواهانها گزارشی به تاریخ مارس ۱۹۷۹ را که توسط آقای فنتون تهیه شده به عنوان مدرک تسلیم نموده‌اند. گزارش مزبور حاوی مطالبی از جمله شرح جزئیات وضعیت و محل اموال مورد بحث در ادعای حاضر، می‌باشد. در گزارش آمده است که قسمت اعظم تجهیزات واقع در اهواز که حدوداً ۹۰ درصد ارزش اموال را

تشکیل می‌دهد به تهران منتقل شده بود و در نقاط امنی نگهداری می‌شد. همچنین وسایل آزمایشگاهی که هنوز در اهواز بود تحت حفاظت شبانه‌روزی قرار داشت. علاوه بر این، دیوان مدرکی به صورت یادداشت مورخ ۲۹ خردادماه ۱۳۵۸ [۱۹ ژوئن ۱۹۷۹] که توسط آقای فنتون تهیه شده در دست دارد که در آن نامبرده اعلام کرده است که "امکان دارد کمیته‌ها علاقمند به خرید [وسایل آزمایشگاه] باشند". در یادداشت توضیح بیشتری راجع به این "کمیته‌ها" داده نشده است.

۱۷۶ - در یادداشت مورخ ۲۹ خردادماه ۱۳۵۸ [۱۹ ژوئن ۱۹۷۹] همچنین ذکر شده است که ائانه و لوازم مهمانخانه اهواز "توسط کمیته‌ها مصادره شده است". درمورد وسایل واقع در دفتر مرکزی وتکو ایران در تهران، خواهانها اظهار می‌دارند که آقای فنتون سعی کرد وسایل را به مالک خانه بفروشد، اما، صاحبخانه تمایلی به خرید هیچیک از آن اقلام نداشت.

۱۷۷ - از آنجا که جزئیات بیشتری راجع به مداخله ادعایی دولت ارائه نشده و نیز در غیاب هرگونه قرینه و نشانه دیگری درمورد چگونگی و اوضاع و احوال وقوع سلب مالکیت ادعایی، دیوان نمی‌تواند نظر دهد که خواهانها ثابت کرده‌اند که از دست رفتن اموال وتکو ایران ناشی از اقدامات یا ترک فعل قابل انتساب به دولت ایران بوده است. بنابراین، ادعای مزبور به لحاظ فقد دلیل رد می‌شود.

هفتم - ادعای ۲-۶

الف - واقعیات و اظهارات

۱۷۸ - این ادعا توسط وتکو اینک و کمباسچن انجینیرینگ از جانب شرکتهای تابعه آنان، وتکو ایران و ویاک مطرح شده و طرف ادعا بانک تجارت و بانک ملت هستند.

۱۷۹ - و تگو ایران مجموعاً پنج فقره حساب ریالی نزد بانکهای زیر داشت: بانک ایران و خاورمیانه، بانک بازرگانی (که هر دوی آنها اکنون بانک تجارت خوانده می‌شوند) و بانک تجارت خارجی ایران (بانک ملت فعلی). ویاگ دو فقره حساب نزد بانک ایران و خاورمیانه داشت.

۱۸۰ - خواهانها اظهار می‌دارند که به اقدامات و تگو ایران و ویاگ برای اعمال حقوق عادی خود به عنوان صاحب حساب ترتیب اثر داده نشده و یا جواب رد بدانها داده شده است. در این رابطه، خواهانها چندین نسخه از مکاتبات با بانکها را تسلیم نموده‌اند، بدین شرح: اولاً "نسخه‌ای از نامه مورخ ۲۶ خردادماه ۱۳۵۸ [۱۶ ژوئن ۱۹۷۹] که از طرف و تگو ایران امضا شده است. در این نامه، تبدیل پاره‌ای مبالغ مربوط به هزینه‌های حقوق پرداختی در خارج از کشور طبق دو فقره قرارداد و انتقال آنها به انگلستان تقاضا شده است. حسب ادعا به تقاضا ترتیب اثر داده نشد. سپس، در ۲۵ دیماه ۱۳۵۸ [۱۵ ژانویه ۱۹۸۰] و تگو ایران و ویاگ هر دو کتبا به بانکهای مربوط اطلاع دادند که امضاهای مجاز حسابهای مختلف تغییر کرده است. بالاخره، در اول آبانماه ۱۳۶۰ [۲۳ اکتبر ۱۹۸۱] چندین تلکس به بانکهای ایران ارسال گردید. در کلیه این تلکسها اعلام شده است که صاحب حساب "بدینوسیله مایل است حساب بانکی خود را ببندد... و بلافاصله کلیه وجوه موجود در این حساب را برداشت نماید".

۱۸۱ - خواهانها در ابتدا خواستار استرداد کلاً "۶،۴۸۱،۴۸۷/- ریال که حسب ادعا در تاریخ دهم اسفندماه ۱۳۵۸ [۲۹ فوریه ۱۹۸۰] در این حسابهای ریالی موجود بود، شدند و بعداً" رقم ادعا را به "۱۲۰،۲۰۸/- ریال کاهش دادند.

۱۸۲ - خوانندگان قبول دارند که مانده بستانکار سه فقره از حسابها کلاً به مبلغ "۱۳۲،۴۴۵/- ریال قابل برداشت است. آنان استدلال می‌کنند که و تگو ایران و ویاگ همیشه به این حسابها آزادانه دسترسی داشته‌اند و نظر به اینکه نامه ۲۶

خردادماه ۱۳۵۸ [۱۶ ژوئن ۱۹۷۹] در حکم درخواست بستن حسابها نیست، لذا ادعا از حیثه صلاحیت دیوان خارج است.

ب - صلاحیت رسیدگی به ادعای ۲-۶

۱۸۳ - مسأله صلاحیتی که در اینجا دیوان باید بدان رسیدگی کند اینست که آیا ادعای مربوط به رقم بستانکار موجود در حسابهای بانکی، طبق مفهوم بیانیه حل و فصل دعاوی در تاریخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] پابرجا بوده است یا خیر. راجع به این مسأله دیوان قبلاً "نظر داده است که":

صرف حق [دریافت وجه] از حساب بانکی "ادعا" در محدوده مفهوم بیانیه حل و فصل دعاوی به شمار نمی آید، اما ادعای اینکه از استفاده از حساب بدون دلیل ممانعت به عمل آمده یا حساب به نحو دیگری ضبط شده، چنین ادعایی را به وجود می آورد.

صفحه ۷ [فارسی] حکم شماره ۲-۹۸-۱۹ مورخ نهم دیماه ۱۳۶۱ [۳۰ دسامبر ۱۹۸۲] در پرونده هارزا انجینیرینگ کامپنی و جمهوری اسلامی ایران (چاپ شده در 499, 504 Iran-U.S. C.T.R. 1). همچنین، نگا : حکم شماره ۱-۴۴۸-۲۸۳ مورخ ۲۸ آذرماه ۱۳۶۵ [۱۹ دسامبر ۱۹۸۶] در پرونده ترینینگ سیستمز کورپ و بانک تجارت و دیگران (چاپ شده در 331 Iran-U.S. C.T.R. 13).

۱۸۴ - دیوان خاطرنشان می سازد که نامه مورخ ۲۶ خردادماه ۱۳۵۸ [۱۶ ژوئن ۱۹۷۹] تنها مشعر بر درخواست تبدیل و انتقال وجوهی است و تقاضای بستن هیچ حسابی در آن به عمل نیامده است. علاوه براین، نامه به هیچیک از شماره حسابهایی که موجودی آنها موضوع ادعای حاضر است اشاره نمی کند و لذا دیوان نمی تواند آن را

با ادعای حاضر مرتبط بداند. از سوی دیگر، دیوان براین نظر است که نامه‌های مورخ ۲۵ دیماه ۱۳۵۸ [۱۵ ژانویه ۱۹۸۰] به روشنی نشان می‌دهند که وتکو ایران و ویاگ هیچکدام در آنموقع قصد بستن حسابهای خود را نداشتند.

۱۸۵ - دیوان براین نظر است که تقاضای بستن حسابها و انتقال وجوه موجود، صرفاً هنگامی به عمل آمد که وتکو ایران و ویاگ تلکسهایی به این مضمون در تاریخ اول آبانماه ۱۳۶۰ [۲۳ اکتبر ۱۹۸۱] فرستادند. نظر به اینکه تاریخ یاد شده، نه ماه بعد از تاریخ بیانیه حل و فصل دعاوی بوده، لذا دیوان نتیجه می‌گیرد که ادعا در تاریخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] پابرجا نبوده است. بنابراین، ادعای مربوط به کل مانده بستانکار حسابهای بانکی به لحاظ عدم صلاحیت مردود شناخته می‌شود.

هشتم - ادعای ۳-۲

الف - واقعیات و اظهارات

۱۸۶ - ادعای شماره ۳-۲ ادعایی است که توسط کمباسچن انجینیرینگ علیه ماشین سازی اراک به ثبت رسیده است. خواهان کلاً مبلغ /- ۲۸۶،۵۶۷ دلار به‌اضافه بهره، تحت سه عنوان خواسته مطالبه کرده است: یکی مبلغ /- ۲۶۶،۰۰۰ دلار بابت صورتحسابهای پرداخت نشده موضوع دو قرارداد امتیاز، دومی /- ۲۰،۴۰۰ دلار بابت یک فقره صورتحساب پرداخت نشده راجع به بررسی مربوط به طرح کارخانه که توسط کمباسچن تهیه شده، و سومی مبلغ /- ۱۶۷ دلار بابت هزینه‌های پزشکی که کمباسچن برای مدیرعامل ماشین سازی اراک، هنگام دیدار وی از دفتر مرکزی کمباسچن انجینیرینگ در ایالات متحده پرداخته است. در ابتداء، کمباسچن همچنین مبلغ /- ۲،۶۷۰ دلار بابت هزینه‌های مسافرت هوایی کارکنان ماشین سازی اراک که

توسط کمباسچن پرداخت شده بود، مطالبه کرد. این ادعا بعداً پس گرفته شد. خواننده ادعای متقابلی به مبلغ /-۷۶۲،۶۶۳ دلار بابت نقض دو قرارداد امتیاز به ثبت رسانده است.

۱۸۷ - در تاریخ ۲۴ مهرماه ۱۳۵۲ [۱۶ اکتبر ۱۹۷۳]، کمباسچن و ماشین سازی اراک دو فقره قرارداد امتیاز امضا کردند، یکی قرارداد تولید بخار ("اس جی سی") و دیگری قرارداد دیگ فشار ("پی وی سی"). طبق این قراردادها، کمباسچن به ماشین سازی اجازه داد که بویلرهای مختلف تولید کننده بخار و دیگهای فشار مربوط به آنها را مطابق طرح کمباسچن تولید کرده، به فروش رساند. کمباسچن امتیاز انحصاری ساخت دستگاههای موضوع امتیاز را در ایران و امتیاز غیر انحصاری استفاده و فروش این قبیل دستگاهها را چه در ایران و چه در خارج از ایران به ماشین سازی اراک اعطا کرد. به علاوه، طبق قراردادهای امتیاز، کمباسچن متعهد شد که اطلاعات، کمک و دانش فنی مربوط به دستگاههای موضوع امتیاز را به ماشین سازی اراک ارائه و آخرین اطلاعات راجع به آن دستگاهها را در اختیار وی گذارد و این اطلاعات را در فواصل منظم تکمیل کرده، به روز در آورد.

۱۸۸ - در ازای حقوق و امتیازهایی که کمباسچن به ماشین سازی اراک اعطا می کرد، ماشین سازی موافقت کرد سالانه مبالغ معینی به شرح زیر به کمباسچن پرداخت کند:

- پرداختهای مقطوع سالانه به مدت پنج سال، جمعاً بالغ بر /-۱۲۰،۰۰۰ دلار که /-۶۰،۰۰۰ دلار آن قرار بود در ابتدای سال اول و بقیه به اقساط /-۱۵،۰۰۰ دلار در پایان سالهای بعد تا عیدیه شود،

- پرداخت حداقل حق امتیاز از پایان سومین سال امتیازها به بعد، به شرح زیر:

در سال سوم، مبلغ /-۱۰،۰۰۰ دلار طبق قرارداد اس جی سی و مبلغ /-۱۵،۰۰۰ دلار طبق قرارداد پی وی سی، در سال چهارم /-۱۵،۰۰۰ دلار

طبق قرارداد اس‌جی‌سی و -/۲۵,۰۰۰ دلار بابت قرارداد پی‌وی‌سی، و برای سال پنجم -/۲۲,۰۰۰ دلار بابت قرارداد اس‌جی‌سی و -/۳۲,۰۰۰ دلار بابت قرارداد پی‌وی‌سی.

۱۸۹ - در قراردادهای همچنین شرط شده بود که در صورت تقاضای ماشین سازی اراک، کمباسچن خدمات ویژه‌ای در رابطه با وسایل و تجهیزات موضوع امتیاز ارائه کند. در بخشی از ماده مربوطه در هر یک از دو قرارداد آمده است:

کمباسچن بدینوسیله متعهد می‌شود که به تقاضای [ماشین سازی] اراک خدمات ویژه در رابطه با دستگاههای موضوع امتیاز در اختیار ماشین سازی قرار دهد و اطلاعات ویژه یا جدید مربوط به این خدمات را به ماشین سازی اراک ارائه نماید...

در قراردادهای سپس مقرر شده بود که: "بابت [خدمات ویژه] ماشین سازی اراک هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم را به اضافه ۱۵ درصد به کمباسچن پرداخت خواهد کرد".

۱۹۰ - هر دو قرارداد امتیاز مقرر می‌داشت که وجوه متعلقه ظرف ۶۰ روز پس از دریافت صورتحساب مربوطه، به دلار در ایالات متحده پرداخت شود.

۱۹۱ - در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۵۳ [نهم مه ۱۹۷۴] ماشین سازی اراک به کمباسچن اطلاع داد که موافقت وزارت اقتصاد ایران تحصیل شده است. کمباسچن بلافاصله اقدامات عاجلی برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات فنی مبنایی برای ارسال به ماشین سازی صورت داد. در اواسط ژوئیه ۱۹۷۴ اطلاعات مزبور برای مدیرکل ماشین سازی فرستاده شد و نامبرده دریافت آنها را اعلام کرد. کمباسچن اظهار می‌دارد که در طول سالهای بعد تا اواخر سال ۱۹۷۹، آن شرکت اسناد و

مدارک حاوی کلیه اصلاحات و تغییرات را بطور مرتب برای ماشین سازی اراک فرستاد. بنا به اظهار کمباسچن، کلیه اطلاعات تحویلی به ماشین سازی، کامل و جامع و کافی و از هر لحاظ متناسب با حدود دو قرارداد امتیاز بوده است. در اواخر سال ۱۹۷۹، پس از آنکه بسته‌های ارسالی حسب ادعا به صورت باز نشده از ایران برگشت داده شد، کمباسچن ارسال مدارک و اطلاعات جدید را متوقف ساخت.

۱ - ادعای مربوط به پرداخت حق امتیاز

۱۹۲ - اندکی بعد از ارسال اولین مجموعه اسناد در ژوئیه ۱۹۷۴ توسط کمباسچن، صورتحسابهای شماره اف ال او-۹۳۹-۱ و اف ال او-۹۳۹-۲، هر یک به مبلغ ۶۰،۰۰۰/- دلار بابت حداقل حق امتیاز مقطوع سال اول برای ماشین سازی اراک فرستاده و متعاقباً توسط ماشین سازی پرداخت شد. کمباسچن هر سال به ارسال صورتحساب به ماشین سازی طبق شرایط قراردادهای امتیاز ادامه داد، لکن ادعا می‌کند که صورتحسابهای شماره اف ال او-۹۳۹-۳ الی اف ال او-۹۳۹-۱۸ تا بحال پرداخت نشده‌اند. کل مبلغ این صورتحسابها ۲۹۳،۰۰۰/- دلار است. کمباسچن بدو" کل این مبلغ را مطالبه کرد، لکن در جلسه استماع ادعای خود را بابت صورتحسابهای اف ال او-۹۳۹-۱۷ و اف ال او-۹۳۹-۱۸، به ترتیب به ۱۱،۰۰۰/- دلار و ۱۶،۰۰۰/- دلار تقلیل داد. این دو صورتحساب شامل حداقل حق امتیاز سالانه، به ترتیب بابت قراردادهای اس‌جی‌سی و پی‌وی‌سی مربوط به دوره یکساله مه ۱۹۷۹ تا مه ۱۹۸۰ می‌باشند. این تعدیل ناشی از تصدیق این مطلب توسط خواهانست که از اول نوامبر ۱۹۷۹ قراردادهای امتیاز منتفی شده بودند و لذا دیگر مساعله ادامه اجرای قرارداد در میان نبود. کمباسچن اکنون مبلغ ۲۶۶،۰۰۰/- دلار به‌اضافه بهره بابت صورتحسابهای پرداخت نشده مطالبه می‌کند.

۱۹۳ - ماشین سازی اراک این دفاع را اقامه نموده است که قراردادهای امتیاز مورد بحث

معتبر نبودند، زیرا به تصویب شورایی عالی سازمان گسترش و نوسازی صنایع که ماشین سازی شرکت تابعه کاملاً متعلق به آنست نرسیده است. (نگاه بند ۲۲ بالا). بنا به اظهار خواننده، تصویب قرارداد، شرط لازم برای معتبر گشتن قراردادهای امتیاز بوده است. از سوی دیگر، ماشین سازی اراک استدلال می‌کند که کمباسچن هر دو قرارداد امتیاز را نقض کرده، زیرا اطلاعات مربوط یا ارسال نمی‌شد، یا ناقص و نادرست بود و یا بموقع ارسال نمی‌گردید و به دلیل نقایص ادعایی در اجرای قراردادها توسط کمباسچن، ماشین سازی اراک صورتحسابها را پرداخت نکرده است. در جلسه استماع، ماشین سازی دفاع سومی در برابر ادعای کمباسچن بابت صورتحسابهای پرداخت نشده مطرح ساخته، استدلال کرد که مادام که قادر به ساخت و فروش لوازم و تجهیزات موضوع امتیاز نبود، هیچگونه الزامی به پرداخت حداقل حق امتیاز نداشت.

۲ - ادعای مربوط به بررسی طرح کارخانه

۱۹۴ - طرفین موافق بودند که برای اینکه ماشین سازی اراک بتواند کلیه تجهیزات موضوع امتیاز را تولید کند، کارخانه ماشین سازی نیاز به بهسازی و توسعه قابل ملاحظه‌ای داشت. فقط در چنین صورتی بود که ماشین سازی می‌توانست از اطلاعات ارائه شده به خود کاملاً استفاده کند. بعضاً به این دلیل، کمباسچن یک تیم ارزیابی به کارخانه ماشین سازی اراک فرستاد. گزارش این مأموریت، حاوی توصیه‌های کمباسچن راجع به توسعه کارخانه در تاریخ ۲۹ شهریورماه ۱۳۵۳ [۲۰ سپتامبر ۱۹۷۴] به ماشین سازی اراک فرستاده شد. چند هفته بعد ماشین سازی دریافت این گزارش را اعلام و از کمباسچن خواست تا طبق توصیه نامبرده در گزارش، مطالعه‌ای در مورد طرح کارخانه انجام دهد. بررسی تفصیلی نهایی طرح کارخانه که به دنبال طرح و توصیه اولیه انجام شد، در ژانویه ۱۹۷۶ به ماشین سازی اراک تسلیم گردید. در تاریخ ۲۰ بهمن‌ماه ۱۳۵۴ [نهم فوریه ۱۹۷۶] کمباسچن

صورتحساب شماره اف ال او-۲۱۸۰-۱ را به مبلغ /-۲۰،۴۰۰ دلار بابت کار خود در مورد بررسی طرح کارخانه صادر نمود.

۱۹۵ - موضع کمباسچن اینست که بررسی طرح کارخانه در حیطه شمول شرایط ناظر بر خدمات ویژه قراردادهای امتیاز بوده و وی مراتب امر را به ماشین سازی اراک اطلاع داده بود. کمباسچن ادعا می کند که صورتحساب مربوط به بررسی طرح کارخانه تا بحال پرداخت نشده و کل مبلغ /-۲۰،۴۰۰ دلار به اضافه بهره مطالبه می نماید. ماشین سازی اراک منکر آنست که بررسی طرح کارخانه را از کمباسچن تقاضا نموده و اظهار می دارد که پس از دریافت صورتحساب تسلیمی، به آن اعتراض کرد.

۳ - ادعای هزینه های درمانی

۱۹۶ - در ژانویه ۱۹۷۷، آقای همایونی مدیرعامل ماشین سازی اراک، در جریان یک مأموریت اداری از دفتر مرکزی کمباسچن در ایالات متحده بازدید کرد. به درخواست وی، کمباسچن نزد کلینیکی در بوستون واقع در ایالت ماساچوست به نام Lahey Clinic Foundation برای درمان بیماری استخوان برای وی وقت ملاقات گرفت. متعاقباً کمباسچن صورتحسابی به مبلغ /-۱۶۷ دلار از کلینیک مزبور دریافت کرد که در تاریخ ۲۰ اسفندماه ۱۳۵۵ [۱۱ مارس ۱۹۷۷] آنرا پرداخت نمود. کمباسچن این مبلغ را در صورتحساب شماره اف ال او-۲۲۳۴-۱ مورخ ۱۱ تیرماه ۱۳۵۶ [دوم ژوئیه ۱۹۷۷] از ماشین سازی اراک مطالبه کرد، لکن حسب ادعا هرگز این مبلغ به وی پرداخت نشد.

۱۹۷ - کمباسچن ادعا می کند که هزینه های متحمله برای آقای همایونی در حیطه شمول ماده ۱۳ قرارداد اس جی سی و ماده ۱۲ قرارداد پی وی سی بوده، که قسمتهای

ذیربط آن متن مشابهی به شرح زیر دارد:

کارشناسان فنی، نمایندگان و سایر کارکنانی که در هر زمانی توسط هر یک از طرفین سند حاضر در اختیار طرف دیگر قرار گرفته و یا بدانجا اعزام می‌گردند... کارکنان یا نمایندگان طرفی که این افراد در اختیار وی قرار می‌گیرند تلقی نخواهند شد. هر طرف مسئول پرداخت کلیه حقوق، هزینه زندگی، هزینه سفر و سایر حقوق و هزینه‌های استحقاقی کارکنان یا نمایندگان خود خواهد بود و آنها را پرداخت خواهد کرد (غیر از مواردی که پرداخت آن توسط طرف دیگر به طور مشخص در سند حاضر مقرر شده باشد) و بابت یکایک و کلیه ادعاهایی که حسب اظهار کارکنان یا نمایندگان وی در طول مدت فعالیت ایشان در کارخانه یا دفاتر طرف دیگر و یا طبق قرارداد حاضر به وجود آمده باشد، مسئولیت کامل بر عهده خواهد گرفت.

از اینرو، کمباسچن کل مبلغ -/۱۶۷ دلار را به اضافه بهره مطالبه می‌کند.

۱۹۸ - خواننده اظهار می‌دارد که آقای همایونی به عنوان مدیرعامل ماشین سازی اراک هنگام دیدار از دفتر مرکزی کمباسچن، کارمندی نبوده که طبق مواد مورد اشاره در بالا "در اختیار کمباسچن قرار داده شده باشد". بنابراین، موضع ماشین سازی این است که طبق قراردادهای امتیاز، ماشین سازی مسئول بازپرداخت هزینه‌های درمانی آقای همایونی نبوده و خود نامبرده مسئول آنست.

ب - ماهیت ادعای ۲-۳

۱ - اعتبار قراردادهای امتیاز

۱۹۹ - خواننده ایراد گرفته است که قراردادهای امتیاز به نحو صحیح منعقد نشده‌اند. از اینرو، دیوان در وهله اول باید تعیین نماید که قراردادها واقعا "برای طرفین نافذ بوده است یا خیر. در این مورد، دیوان ملاحظه می‌کند که در هر دو قرارداد

"تاریخ لازم الاجرا شدن" آنها تاریخی ذکر شده "که در آن [ماشین سازی] اراک با تلکس به کمباسچن اطلاع دهد که کلیه موافقت‌های لازم تحصیل شده است". در این رابطه، دیوان خاطرنشان می‌سازد که قراردادهای مشخص نمی‌کنند که موافقت چه کسانی لازم بوده است.

۲۰۰ - ماشین سازی اراک طی تلکس مورخ ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۵۳ [نهم مه ۱۹۷۴] به کمباسچن اطلاع داد که "موافقت وزارت اقتصاد را برای قراردادهای امتیاز فیما بین کسب کرده است". نه در این تلکس و نه بعد از آن، خواننده ذکر نکرد که موافقت دیگری لازم بوده است. علاوه بر این، ماشین سازی ادله‌ای حاکی از اینکه تلکس مورخ ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۵۳ [نهم مه ۱۹۷۴] مقید و مشروط بوده و موافقت‌های دیگری لازم بوده ارائه نکرده است. فقط طی جریان رسیدگی حاضر بود که ماشین سازی اراک این استدلال را مطرح ساخت که موافقت شورای عالی سازمان گسترش و نوسازی صنایع تحصیل نشده بوده است.

۲۰۱ - دیوان مضافاً خاطرنشان می‌کند که نحوه عمل ماشین سازی بعد از تلکس ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۵۳ [نهم مه ۱۹۷۴] با این برداشت کمباسچن که قراردادها از آن تاریخ رسمیت یافته بودند، منطبق بوده است. پذیرش اسناد و مدارک ارسالی کمباسچن، و پرداخت پاره‌ای صورتحسابها توسط ماشین سازی اراک این امر را به خصوص مدلل می‌سازد. ماشین سازی در طول رابطه تجاری‌اش با کمباسچن هرگز ادعا نکرد که قراردادهای امتیاز پیش از موعد مقرر اجرا گردیده است. از اینرو، دیوان نتیجه می‌گیرد که هر دو قرارداد امتیاز به نحو صحیح منعقد گردیده و در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۵۳ [نهم مه ۱۹۷۴] رسمیت یافته‌اند. به هر تقدیر، باتوجه به نحوه عمل ماشین سازی، استدلالی مخالف از جانب وی اکنون مسموع نیست.

۲ - ادعای مربوط به پرداخت حق امتیاز

۲۰۲ - راجع به صورتحسابهای تسلیم شده درارتباط با قراردادهای امتیاز، دیوان خاطرنشان می‌سازد که مدارک زیادی درمورد اجرای قرارداد توسط کمباسچن در فاصله سالهای ۱۹۷۴ و اواخر سال ۱۹۷۹، در پرونده موجود است. این مدارک به صورت نسخه‌ای از نامه‌هایی است که به ضمیمه مدارک ارسالی ارسال شده، گزارشهایی که توسط تیم ارزیابی قراردادهای امتیاز کمباسچن پیرو بازدیدهای آن تیم از ماشین سازی اراک در ایران تنظیم گردیده و به صورت یادداشتهای داخلی در مورد اجرای قراردادهای امتیاز توسط طرفین است.

۲۰۳ - خواننده اظهار می‌دارد که اسناد و مدارکی که باید ارائه می‌شد، یا ارسال نشد، یا ناقص و نادرست بود و یا به موقع ارسال نشد. گرچه از ماشین سازی اراک خواسته شده بود که دریافت بسته‌های ارسالی را اعلام کند، ولی باتوجه به مراسلات و مکاتبات مکرر بین طرفین، دیوان معتقد نیست که فقد مدارک برای این قبیل اعلامهای وصول، ادعای ماشین سازی را ثابت می‌کند.

۲۰۴ - دو مورد شکایت ماشین سازی راجع به تحویل بعضی اسناد و مدارک در پرونده منعکس است. در ژوئن ۱۹۷۶، کمباسچن نامه‌ای از ماشین سازی اراک دریافت کرد که در آن ادعا شده بود که بسته حاوی اطلاعاتی که در آوریل ۱۹۷۶ برای ماشین سازی فرستاده شده بود تا ۲۴ خردادماه [۱۴ ژوئن] به ماشین سازی نرسید. در سپتامبر همان سال، ماشین سازی اراک شکایت کرد که پاره‌ای از اقلام مربوط به ضوابط طرحهای نقشه‌کشی جزو اطلاعات ارسالی نیست. کمباسچن متعاقباً نامه‌ای فرستاده، اقلام مورد بحث را به پیوست آن ارسال کرد. طبق اظهار خواهان، شکایات دیگری مطرح نشد. غیر از این دو شکایت، ماشین سازی مدرکی از آن زمان ارائه نکرده است که حاکی از عدم رضایت از اجرای قرارداد توسط کمباسچن

باشد. دیوان نتیجه می‌گیرد که دفاع ماشین سازی اراک بی اساس است.

۲۰۵ - ماشین سازی اراک همچنین استدلال کرده است که مادام که در وضعیتی نبود که بتواند هر یک از تجهیزات موضوع امتیاز را تولید نموده و به فروش برساند تعهدی به پرداخت حداقل حق امتیاز نداشته است. لکن قراردادهای امتیاز حاوی چنین شرطی نیست. دیوان همچنین ملاحظه می‌نماید که ماشین سازی هیچگاه به صورت حسابهای تسلیمی ایراد نگرفت. به عکس، سوابق به روشنی حاکی است که ماشین سازی کرارا " قصد خود را مبنی بر پرداخت صورتحسابها اعلام کرده بود.

۲۰۶ - باتوجه به کلیه دلایل و مدارک، دیوان متقاعد شده است که کمباسچن کار خود را به نحو صحیح انجام داده و تا سال ۱۹۷۹ آنچنان تخلفی در اجرای قرارداد از ناحیه وی صورت نگرفت که امتناع ماشین سازی اراک را از پرداخت صورتحسابها توجیه نماید. از اینرو، دیوان نتیجه می‌گیرد که کمباسچن استحقاق دارد وجه صورتحسابهایی را که شامل دوره‌های اجرای قرارداد توسط نامبرده می‌شود، دریافت نماید.

۲۰۷ - دیوان قانع نشده است که صورتحسابهای شماره اف ال او-۹۳۹-۱۷ و اف ال او-۹۳۹-۱۸ آن دوره را شامل می‌شوند. خواهان اذعان نموده است که در نوامبر ۱۹۷۹ ادامه اجرای قراردادها را به حالت تعلیق درآورد، زیرا قراردادها به دلیل اوضاع انقلابی حاکم بر ایران منتفی شده بود. مبالغ مورد ادعا در این دو صورتحساب شامل حداقل حق امتیازهایی است که در پایان ششمین سال امتیاز، یعنی مه ۱۹۸۰ تعلق می‌گرفت. بنابراین، هنگام منتفی شدن قراردادها هنوز موعد پرداخت آن مبالغ نرسیده بود. براین اساس، ادعای مربوط به صورتحسابهای شماره اف ال او-۹۳۹-۱۷ و اف ال او-۹۳۹-۱۸ رد می‌شود.

۲۰۸ - ماشین سازی اراک اظهار داشته است که صورتحسابهای شماره اف ال او-۹۳۹-۳ و اف ال او-۹۳۹-۴ که هر دو در تاریخ ۲۴ شهریورماه ۱۳۵۵ [۱۵ سپتامبر ۱۹۷۶] صادر شدند و مبلغ آنها /-۱۵،۰۰۰ دلار بود، به موقع به کمباسچن پرداخت شده، هرچند که ماشین سازی مدرک پرداخت را ارائه نکرده است. کمباسچن ادعای خود را بابت ایندو فقره صورتحساب بر این مبنا استوار ساخته که هیچ مدرک پرداختی در پرونده‌های وی یافت نمی‌شود. با این وصف، دیوان ملاحظه می‌کند که کمباسچن در ۱۶ اسفندماه ۱۳۵۶ [هفتم مارس ۱۹۷۸] تلکسی مبنی بر مطالبه وجه صورتحسابهایی که در آن وقت معوق مانده بود برای مدیر امور مالی ماشین سازی اراک ارسال کرد. فهرست [مندرج در تلکس] حاوی صورتحسابهای صادره در سالهای ۱۹۷۶ و ۱۹۷۷ است، لکن ذکری از صورتحسابهای شماره اف ال او-۹۳۹-۳ و اف ال او-۹۳۹-۴ در آن به عمل نیامده است. از اینرو دیوان ادعای مربوط به این دو صورتحساب را مردود می‌شمرد.

۲۰۹ - بنابراین، دیوان نتیجه می‌گیرد که کمباسچن حق دارد وجه صورتحسابهای شماره اف ال او-۹۳۹-۵ الی اف ال او-۹۳۹-۱۶ را جمعا به مبلغ /-۲۰۹،۰۰۰ دلار دریافت کند. بهره متعلقه از تاریخ ۱۹ دیماه ۱۳۵۸ [نهم ژانویه ۱۹۸۰]، که سی روز پس از تسلیم صورتحساب شماره اف ال او-۹۳۹-۱۶ بوده، قابل احتساب خواهد بود.

۳ - ادعای مربوط به بررسی طرح کارخانه

۲۱۰ - خواهان تعدادکثیری اسناد و مدارک راجع به توسعه کارخانه ماشین سازی اراک تسلیم نموده که حاکی است طرفین سالهای متمادی با یکدیگر همکاری نزدیک داشته‌اند. اسناد و مدارک مضافاً نشان می‌دهد که حتی پس از تسلیم گزارش نهایی در ژانویه ۱۹۷۶ و صورتحساب مربوط در فوریه ۱۹۷۶ توسط کمباسچن،

طرفین کماکان به ملاقات با یکدیگر و بررسی موضوع گسترش کارخانه ماشین سازی ادامه دادند.

۲۱۱ - ماشین سازی اراک انکار می‌کند که وی کمباسچن را به انجام مطالعه طرح کارخانه گمارده بوده و ادعا می‌کند هنگامی که صورتحساب تسلیم گردید، بدان اعتراض کرد. هیچ مدرکی در تأیید این انکار ارائه نشده است. در تاریخ ۲۹ شهریورماه ۱۳۵۳ [۲۰ سپتامبر ۱۹۷۴] کمباسچن نامه‌ای به ضمیمه گزارشی که توسط تیم ارزیابی کمباسچن بدنبال بازدید از ماشین سازی اراک تهیه شده بود، برای ماشین سازی ارسال کرد. کمباسچن در نامه پیشنهاد کرد که مطالعه‌ای در مورد طرح کارخانه برای ماشین سازی انجام دهد. در تاریخ ۲۲ مهرماه ۱۳۵۳ [۱۴ اکتبر ۱۹۷۴]، آقای معاصر از ماشین سازی اراک نامه‌ای به کمباسچن نوشت که در آن اعلام شد: "چنانچه آن شرکت توصیه‌ای در مورد طرح کارگاه برای هر یک از محصولات موضوع امتیاز طبق قسمت دوم پیشنهاد خود ارائه کند، ماشین سازی از آن استقبال خواهد کرد". در تاریخ ۲۳ اسفندماه ۱۳۵۳ [۱۴ مارس ۱۹۷۵]، کمباسچن توصیه‌های اولیه خود را راجع به بررسی طرح کارخانه برای ماشین سازی اراک فرستاد. ماشین سازی ایرادی به این توصیه نگرفت. کمباسچن طی تلکسهای مورخ ۲۹ خردادماه ۱۳۵۴ [۱۹ ژوئن ۱۹۷۵] و ۲۲ آبانماه ۱۳۵۴ [۱۳ نوامبر ۱۹۷۵] به ماشین سازی اراک اطلاع داد که کمباسچن خدمات ویژه یاد شده را به موجب قرارداد امتیاز و کمک فنی که طبق آن کمباسچن حق دریافت هزینه این قبیل کارهای ویژه را دارد، در اختیار ماشین سازی قرار داده است. تبادل تلکسها و نامه‌ها تا هنگام تسلیم گزارش نهایی کمباسچن در ژانویه ۱۹۷۶ ادامه یافت. ماشین سازی اراک هرگز به اساس و مبنای انجام این بررسی توسط کمباسچن ایراد نگرفت. هنگامی که کمباسچن صورتحساب شماره اف ال او-۲۱۸-۱ را تسلیم کرد، ماشین سازی منکر مسئولیت (پرداخت) این صورتحساب نشد، بلکه مثل صورتحسابهای مربوط به پرداخت حق امتیاز (نگاه بند ۲۰۵ بالا)، قصد خود را

مبنی بر پرداخت صورتحساب مزبور اعلام کرد. آقای فراهانی از ماشین سازی اراک طی تلکس مورخ اول خردادماه ۱۳۵۷ [۲۲ مه ۱۹۷۸] به کمباسچن اطلاع داد که صورتحسابهای پرداخت نشده آن شرکت "به مجرد آنکه ما اطلاعات لازم را درباره تخصیص بودجه خود کسب کنیم، تأیید خواهد شد".

۲۱۲ - از اینرو، دیوان نتیجه می‌گیرد که ماشین سازی اراک از کمباسچن درخواست کرد تا بررسی طرح کارخانه را انجام دهد و بررسی انجام شده را بدون اینکه هرگز ایرادی بدان گیرد، قبول کرد. بنابراین، کمباسچن استحقاق دریافت مبلغ مندرج در صورتحساب ارسالی به ماشین سازی اراک را دارد. ماشین سازی انکار نمی‌کند که صورتحساب هنوز پرداخت نشده است. لذا، دیوان مبلغ /-۲۰،۴۰۰ دلار مورد حکم قرار می‌دهد. بهره متعلقه از تاریخ ۱۴ مردادماه ۱۳۵۷ [پنجم اوت ۱۹۷۸] که سی روز پس از تاریخ صدور المثنای صورتحساب شماره اف ال او-۲۱۸۰-۱ توسط کمباسچن برای ماشین سازی اراک است، قابل احتساب خواهد بود.

۳ - ادعای هزینه‌های درمانی

۲۱۳ - کمباسچن استرداد هزینه‌های درمانی را که بابت رئیس ماشین سازی اراک پرداخته، خواستار است. خواهان می‌گوید که هزینه‌ها توسط آقای همایونی در جریان مأموریتی که مستقیماً به قراردادهای امتیاز مربوط بوده ایجاد شده و لذا طبق ماده ۱۲ قرارداد پی‌وی‌سی و ماده ۱۳ قرارداد اس‌جی‌سی، ماشین سازی مسئول پرداخت آنست.

۲۱۴ - گرچه دیوان می‌تواند بپذیرد که مأموریت آقای همایونی به طور مستقیم با قراردادهای امتیاز مرتبط بوده، با اینحال خواهان مدرکی ارائه نکرده است که نشان دهد مأموریت رئیس ماشین سازی اراک به کمباسچن به موجب این مواد صورت

گرفته، بدین معنی که حضور آقای همایونی در دفتر مرکزی کمباسچن می‌توانسته به عنوان "نماینده [یا] سایر پرسنلی که در هر زمانی در اختیار [کمباسچن] قرار داده شده یا مأمور خدمت در آنجا گردند..." محسوب شود. از اینرو ادعای پرداخت صورتحساب شماره اف ال او-۲۲۳۴-۱ در ماهیت رد می‌شود.

ج - ادعاهای متقابل ماشین سازی اراک

۱ - واقعیات و اظهارات

۲۱۵ - ماشین سازی اراک اظهار می‌دارد که کمباسچن با تسلیم اسناد و مدارک غلط، ناقص و نادرست قراردادهای امتیاز را نقض کرده است. در این رابطه، ماشین سازی اراک به شکایات مطروح در آن زمان درباره نحوه اجرای قراردادهای امتیاز توسط کمباسچن اشاره می‌کند (بند ۲۰۴ بالا). ماشین سازی اراک همچنین استدلال می‌کند که کمباسچن از قبل می‌دانست که ماشین سازی اراک فاقد تخصص فنی لازم بود تا بتواند قراردادهای امتیاز را آنطور که باید اجرا کند. ماشین سازی متقابلاً مبلغ ۶۶۳،۷۶۲/ دلار ادعا می‌کند. این مبلغ مرکب است از ۱۵۰،۰۰۰/ دلار بابت صورتحسابهای شماره اف ال او - ۹۳۹ - ۱ الی اف ال او-۹۳۹-۴ است که حسب ادعا توسط ماشین سازی اراک پرداخت شده، به اضافه "زیانهای ناشی از تورم".

۲۱۶ - دفاع کمباسچن در برابر این ادعای متقابل اینست که وی تعهداتش را طبق قراردادهای امتیاز ایفا کرده و کلیه اسناد و مدارک و اطلاعات مکمل را به طور مرتب فرستاده است. کمباسچن همینطور اظهار می‌دارد که هرگاه ماشین سازی اراک تقاضا می‌کرد، وی نسخ اضافی از اسناد و مدارک می‌فرستاد. به علاوه، موضع کمباسچن اینست که گرچه ماشین سازی اراک تا هنگام اجرای طرحهای توسعه

کارخانه ماشین سازی بر مبنای بررسی طرح کارخانه (بند ۱۹۴ بالا)، و یا حداقل تا هنگام اعمال تغییرات معتنا به در تأسیسات موجود خود، نمی‌توانست تجهیزات موضوع امتیاز را تولید کند، با این وصف، مسئول آن وضعیت ماشین سازی بود نه کمباسچن و قصور ماشین سازی در تولید محصولات موضوع امتیاز، قابل انتساب به کمباسچن و متوجه اجرای قراردادهای امتیاز توسط وی نبوده است.

د - صلاحیت رسیدگی به ادعای متقابل ماشین سازی اراک

۲۱۷ - ادعای متقابل ماشین سازی اراک مبتنی بر قراردادهای امتیاز است که موضوع ادعای حاضر هستند و لذا در حیثه شمول بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی قرار می‌گیرد. بنابراین نظر دیوان اینست که صلاحیت رسیدگی به ادعای متقابل مزبور را دارد.

ه - ماهیت ادعای متقابل ماشین سازی اراک

۲۱۸ - تخلفات ادعایی از قراردادهای امتیاز که ادعای متقابل حاضر بر آنها مبتنی است، قبلاً در رابطه با ادعای پرداختهای مربوط به حق امتیاز مورد بررسی واقع شده است (بندهای ۲۰۶ - ۲۰۲ بالا). دیوان پس از بررسی ادله و مدارک و استدلالات طرفین نظر داد که در اجرای قرارداد توسط خواهان تخلف عمده‌ای از تعهدات متقبله صورت نگرفته است. با توجه به این نتیجه‌گیری، ادعای متقابل در ماهیت رد می‌شود.

نهم - ادعای ۳-۳

الف - واقعیات و اظهارات

۲۱۹ - این ادعا توسط کمباسچن انجینیرینگ علیه سازمان گسترش و نوسازی صنایع [ایران] مطرح شده است. ادعا به مبلغ ۷،۵۰۰/- دلار و بابت صورتحساب پرداخت نشده‌ای درمورد یک برنامه آموزشی است که توسط کمباسچن برای یکی از کارکنان سازمان گسترش ترتیب شده است.

۲۲۰ - کمباسچن بنا به تقاضای سازمان گسترش، یعنی شرکت مادر ماشین سازی اراک یک برنامه آموزش مدیریت برای آقای صارم اصلانی از کارمندان ارشد سازمان گسترش ترتیب داد. قرار بود بعد از این برنامه آموزشی، آقای صارم اصلانی به عنوان مشاور در امر قراردادهای امتیازی که در ادعای شماره ۲-۳ بالا مورد بررسی قرار گرفت، مأمور خدمت در ماشین سازی اراک گردد.

۲۲۱ - آقای خورزاده، نایب رئیس سازمان گسترش طی نامه مورخ ۲۹ مردادماه ۱۳۵۷ [۲۰ اوت ۱۹۷۸] برنامه را به ترتیبی که توسط کمباسچن پیشنهاد شده بود، تصویب و موافقت کرد که بابت خدماتی که کمباسچن باید ارائه می‌داد حق‌الزحمه‌ای اسمی به مبلغ ۷،۵۰۰/- دلار به نامبرده بپردازد. آقای صارم اصلانی از ۱۴ شهریور تا ۲۴ آذرماه ۱۳۵۷ [پنجم سپتامبر الی ۱۵ دسامبر ۱۹۷۸] در برنامه شرکت کرد. در ۲۴ مهرماه ۱۳۵۷ [۱۶ اکتبر ۱۹۷۸]، کمباسچن صورتحساب شماره اف ال او-۲۲۹۵ را به مبلغ ۷،۵۰۰/- دلار بابت دوره آموزشی آقای صارم اصلانی صادر کرد.

۲۲۲ - خواهان اظهار می‌دارد که صورتحساب تاکنون پرداخت نشده و مبلغ ۷،۵۰۰/- دلار به علاوه بهره مطالبه می‌کند. خوانده اظهار می‌دارد که مدرکی حاکی از اینکه سازمان گسترش هیچگاه درخواست ترتیب دوره آموزشی را کرده و یا کمباسچن به نحو مقرر آنرا ارائه کرده باشد، وجود ندارد.

ب - ماهیت ادعای ۳-۳

۲۲۳ - ادله و مدارک پرونده به روشنی نشان می‌دهد که کمباسچن و سازمان گسترش نامه‌هایی درباره جزئیات دوره آموزشی که قرار بود برای آقای صارم اصلانی ترتیب داده شود مبادله کردند. نامه مورخ ۲۹ مردادماه ۱۳۵۷ [۲۰ اوت ۱۹۷۸] نایب رئیس سازمان گسترش به ویژه موعید این مطلب است که طرفین در این مورد به توافق رسیده بودند. علاوه براین، دیوان ملاحظه می‌نماید که پس از صدور صورتحساب شماره اف ال او-۲۲۹۵-۱ توسط کمباسچن، سازمان گسترش ایرادی به صورتحساب نگرفت. بنابراین، دفاع خوانده باید مردود شناخته شود.

۲۲۴ - دیوان نتیجه می‌گیرد که کمباسچن استحقاق دریافت مبلغ صورتحساب شماره اف ال او-۲۲۹۵-۱ را دارد و لذا مبلغ ۷،۵۰۰/- دلار به نفع خواهان حکم صادر می‌کند. بهره متعلقه از تاریخ ۲۴ آبانماه ۱۳۵۷ [۱۵ نوامبر ۱۹۷۸] که سی روز پس از صدور صورتحساب است، قابل احتساب می‌باشد.

دهم - ادعای ۵-۱

الف - واقعیات و اظهارات

۲۲۵ - ادعای شماره ۵-۱ ادعایی است که توسط کمباسچن انجینیرینگ و ناتکو یو. کی. لیمیتد علیه ماشین سازی اراک اقامه شده است. خواهانها مبلغ ۶۶،۸۴۷/۶۱ پوند به عنوان خسارت و ۳۹،۵۸۶/۶۴ پوند بابت عدم‌النفع ناشی از نقض ادعایی قرارداد مطالبه می‌کنند. خواهانها ادعای خود را به صورت دیگری نیز مطرح ساخته، مبلغ ۶۶،۸۴۷/۶۱ پوند بابت دارا شدن غیرعادلانه مطالبه می‌نمایند. ماشین سازی اراک شش فقره ادعای متقابل به مبلغ ۸،۸۰۲،۶۲۳/۶۰ دلار که

همگی آنها بابت نقض قرارداد است مطرح ساخته است.

۲۲۶ - منشأ این ادعا یک معامله چهار جانبه برای تولید و فروش دستگاههای دمنده (blowcase) است. دستگاه دمنده وسیله‌ای است برای انتقال مایعات (دراین مورد، مواد هیدروکربن) از نقطه‌ای به نقطه دیگر بدون استفاده از پمپ، در وضعیتی که فشار متغیری از درجات پایین تا درجات بالا وجود داشته باشد. طی یک سلسله سفارش خرید در فاصله ۲۶ اردیبهشت ماه تا ۲۷ تیرماه ۱۳۵۷ [۱۶] مه تا ۱۸ ژوئیه ۱۹۷۸] رالف ام. پارسونز کامپنی ("پارسونز") سی و دو دستگاه دمنده به ناتکو یو. کی. سفارش داد. پارسونز دستگاههای دمنده را برای پروژه مجتمع پتروشیمی آسکو که وی پیمانکار مدیر آن بود، لازم داشت. نگاه بند ۲۹ بالا. در سفارشات خرید پارسونز تصریح شده بود که دستگاههای دمنده باید در ایران توسط ماشین سازی اراک ساخته شود. کمباسچن - انجینیرینگ ناتکو (سی - ئی ناتکو)، یک بخش فاقد شخصیت حقوقی کمباسچن انجینیرینگ، به عنوان نماینده شرکت اخیر در ایران عمل می‌کرد. بدینسان، گرچه ناتکو یو. کی. نقش اساسی را در این معامله بازی می‌کرد، سی - ئی ناتکو واسطه اصلی مذاکره از طرف ماشین سازی بود. مذاکرات بین سی - ئی ناتکو و ماشین سازی اراک به این توافق منتهی شد که ماشین سازی مواد تولیدی را به هزینه خود تحصیل و سپس با استفاده از نقشه‌های طراحی و لوازم کمکی که مجاناً توسط ناتکو یو. کی. فراهم می‌شد دستگاههای دمنده را تولید کند. لوازم کمکی عبارت بود از ابزار و تجهیزات تخصصی مانند سویچهای کنترل مغناطیسی ("magnetrol level switches") و سطح سنجهای کلینگر (Klinger level gauges). قرار بود ناتکو یو. کی. هزینه این اقلام را از قیمتی که به حساب پارسونز منظور می‌کرد به دست آورد. ماشین سازی اراک بهای تولید دستگاههای دمنده را از ناتکو یو. کی. دریافت می‌نمود و بدینسان، به عنوان کارگاه تولید ناتکو یو. کی. عمل می‌کرد. در ژوئیه ۱۹۷۸، ماشین سازی اراک قسمت اعظم مواد تولیدی مورد نیاز خود را به پ. فان لیون

"فان لیون" در هلند سفارش داد. همچنین در ژوئیه ۱۹۷۸، ناتکو یو. کی. اولین محموله لوازم کمکی خود را برای ماشین سازی اراک فرستاد.

۲۲۷ - برخی از شرایط موافقتنامه دستگاههای دمنده در نامه مورخ هفتم شهریورماه ۱۹۷۵ [۲۹ اوت ۱۹۷۸] سی - ئی ناتکو به ماشین سازی اراک که سفارش رسمی سی - ئی ناتکو برای خرید دستگاههای دمنده محسوب می‌شد، تصریح شده است. شرایط پرداخت عبارت بود از: "۴۰ درصد بهاء، یعنی ۱،۲۲۳،۷۲۸/- ریال ظرف ۱۰ روز پس از دادن سفارش حاضر و ۶۰ درصد بقیه، یعنی ۱،۸۵۰،۵۹۸/- ریال بعد از بازرسی نهایی". در نامه مقرر شده بود که صورتحسابی به عنوان ناتکو یو. کی. برای پرداخت ۴۰ درصد صادر گردد. ماشین سازی اراک طی نامه بدون تاریخی که برای آقای عنایت کاظمی از کارکنان سی - ئی ناتکو فرستاد دریافت سفارش خرید را اعلام کرد. در نامه ذکر شده بود که ماشین سازی صورتحسابی به مبلغ ۱،۲۲۳،۷۲۸/- ریال برای ناتکو یو. کی. خواهد فرستاد و در آن تقاضا شد که پرداخت "در اسرع وقت" صورت گیرد. از این بازگویی شرایط اصلی قرارداد دستگاههای دمنده پیداست که هر دو واحد ناتکو (مجتمعا "ناتکو") طرفهای قرارداد منعقد با ماشین سازی اراک بودند.

۲۲۸ - ادله و مدارک حاکی است که ناتکو یو. کی. نقشه‌های طراحی را در تاریخ ۲۴ شهریورماه ۱۳۵۷ [۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸] و قسمت اعظم بقیه لوازم کمکی را در دو محموله در تاریخهای ششم مهرماه و ۱۲ مهرماه ۱۳۵۷ [۲۸ سپتامبر و چهارم اکتبر ۱۹۷۸] برای ماشین سازی اراک فرستاد. بعضی از لوازم کمکی توسط ناتکو یو. کی. خریداری شد، ولی هرگز به ایران ارسال نگردید. ماشین سازی اراک صورتحسابی بابت ۴۰ درصد پیش‌پرداخت در تاریخ هشتم مهرماه ۱۳۵۷ [۳۰ سپتامبر ۱۹۷۸] یعنی سه هفته بعد از موعد پرداخت صورتحساب، برای ناتکو یو. کی. صادر کرد. طرفین قبول دارند که ناتکو یو. کی. هرگز این وجه را پرداخت نکرد،

گرچه طرفین در مورد اهمیت حقوقی آن قصور با یکدیگر اختلاف نظر دارند.

۲۲۹ - معامله دستگاههای دمنده بلافاصله دستخوش تاخیر شد. آقای راسل آر. هیکس، مدیر عملیات سی - ئی ناتکو در ایران در تلکس مورخ چهارم مهرماه ۱۳۵۷ [۲۶ سپتامبر ۱۹۷۸] به پارسونز، بابت تاخیرها عذر خواست و نسبت به آینده اظهار امیدواری کرد. سه هفته بعد، آقای هیکس به ناتکو یو. کی. گزارش داد که به دلیل اعتصابات، "پیشرفت زیادی در اینکار حاصل نشده است". اعتصابات به روشنی باعث تاخیر در ترخیص لوازم کمکی از گمرک و موجب توقف کار در کارگاه ماشین سازی اراک گردید. آقای هیکس پیشبینی کرد که چنانچه اعتصابات در همان هفته متوقف گردد تولید اولین ده دستگاه دمنده می‌تواند تا اواسط دسامبر به انجام رسد. لکن ناآرامیها در ایران شدت گرفت و این برنامه زمانی تحقق نیافت. آقای هیکس در ماه دسامبر ایران را ترک گفت و ارتباط با ماشین سازی با اشکال مواجه شد. بنا به اظهار آقای هیکس، آقای کاظمی در مارس ۱۹۷۹ به وی اطلاع داد که مواد تولیدی که به فان لیون سفارش داده شده بود در گمرک اراک است و اولین محموله لوازم کمکی ناتکو یو. کی. به خرمشهر رسیده است. در حوالی همان زمان نیز، فان لیون تأیید کرد که ماشین سازی اراک قیمت مواد تولیدی را پرداخت کرده است.

۲۳۰ - این تاخیرهای مداوم معامله ناتکو یو. کی. را با پارسونز دچار سستی کرد. آقای هیکس در شهادتنامه‌ای اظهار می‌دارد که وی در ژوئیه ۱۹۷۹ با نمایندگان پارسونز به مذاکره پرداخت، تا "جان تازه‌ای به قرارداد ناتکو یو. کی. با پارسونز بدمد." با این وصف، در ۱۳ شهریورماه ۱۳۵۸ [چهارم سپتامبر ۱۹۷۹]، پارسونز سفارش خود را برای دستگاههای دمنده لغو کرد. ناتکو یو. کی. سپس کوشید تا ترتیب فروش مستقیم دستگاهها را به شرکت نفت بدهد، لکن توفیقی به دست نیآورد.

۲۳۱ - مدرکی حاکی از اینکه خواه ناتکو یو. کی. و خواه سی - ئی ناتکو، ماشین سازی اراک را از لغو سفارش آگاه ساخته باشند، وجود ندارد. با این وصف، در طول پاییز ۱۳۵۸ تماسهایی بین ماشین سازی و دو واحد ناتکو صورت گرفت. آقای کاظمی در جلسه ملاقاتی با مقامات ماشین سازی اراک در ۱۳ شهریورماه ۱۳۵۸ [چهارم سپتامبر ۱۹۷۹] نمایندگی سی - ئی ناتکو را به عهده داشت. طبق صورتجلسه، آقای کاظمی به ماشین سازی اراک اطلاع داد که موضع سی - ئی ناتکو در خصوص سفارش دستگاههای دمنده "ظرف یکماه معلوم" و پیشپرداخت ظرف دو ماه تأدیه خواهد شد، و چنانچه سفارش ظرف یکماه تأیید نشود، سی - ئی ناتکو موضع خود را کتبا اعلام خواهد کرد. مدرکی حاکی از اینکه سی - ئی ناتکو هیچگاه توضیحات وعده داده شده را ارائه کرده باشد، در پرونده یافت نمی‌شود. بعداً در همان ماه، آقای هیکس طی یک یادداشت داخلی، گزارشی از آقای کاظمی (که از ماشین سازی اراک بازدید کرده بود) فرستاده، مبنی بر اینکه ماشین سازی اراک اولین محموله لوازم کمکی را دریافت کرده و انتظار دارد بقیه لوازم به زودی از گمرک ترخیص گردد. در دنباله یادداشت، آقای هیکس نیازمندیهای سی - ئی ناتکو را برای ادامه پروژه شرح داد. طی تلکس مورخ دوم آبانماه ۱۳۵۸ [۲۴ اکتبر ۱۹۷۹] که به ناتکو یو. کی. و دفتر مرکزی سی - ئی ناتکو ارسال گردید، آقای کاظمی فهرستی از لوازم کمکی که ماشین سازی اراک دریافت کرده بود ارائه کرد. فهرست مزبور شامل کلیه و یا تقریباً کلیه لوازمی بود که ناتکو یو. کی. برای ماشین سازی فرستاده بود. در این اثناء، آقای دیوید ج. پیک یک نفر مهندس پروژه ناتکو یو. کی. طی یادداشتی خاطرنشان ساخت که در تاریخ ۲۸ شهریورماه ۱۳۵۸ [۱۹ سپتامبر ۱۹۷۹] وی "تصادفاً" با یکی از مقامات ماشین سازی اراک به نام آقای پرویز احمدی در لندن ملاقات کرده است. آنان موضوعات مطروح در یادداشت آقای هیکس را مورد بحث قرار دادند. آقای پیک اطلاعاتی به شرح زیر درمورد این ملاقات گزارش کرد: آقای احمدی تغییرات اخیر در سطوح بالای مدیریت ماشین سازی را تشریح و موافقت کرد که مراتب دریافت یا عدم

دریافت لوازم کمکی ارسالی ناتکو یو. کی. توسط ماشین سازی اراک را تأیید نماید. وی همچنین اظهار داشت که قیمت اولیه دستگاههای دمنده باید حفظ شود و بالاخره عنوان کرد که جبران هزینه متحمل توسط ماشین سازی اراک بابت مواد اولیه به صورت "پرداخت تدریجی" مورد قبول ماشین سازی اراک خواهد بود. آقای پیک در شهادتنامه‌ای می‌گوید که "آقای احمدی این اقدامات را پیگیری نکرد و من خبر دیگری از ماشین سازی اراک دریافت نکردم".

۲۳۲ - مدرکی درمورد مکاتبات بعدی طرفین راجع به دستگاههای دمنده موجود نیست، گویانکه ماشین سازی اراک در تأیید یکی از ادعاهای متقابل خود صورتحسابی را که ناتکو یو. کی. برای ماشین سازی فرستاده بود، تسلیم کرده است. صورتحساب مزبور به تاریخ ۱۷ بهمن‌ماه ۱۳۵۸ [ششم فوریه ۱۹۸۰] و بابت نظارت بر پروژه و سایر خدمات ارائه شده در رابطه با هیجده دستگاه سابنده ("scrubber") می‌باشد. با این وصف، مذاکره راجع به فروش مستقیم دستگاههای دمنده به شرکت نفت در سال ۱۹۷۹ و بعد از آن نیز ادامه یافت. نمایندگان ناتکو یو. کی. با شرکت نفت و کارگزار خرید وی در لندن، یعنی شرکت خدمات نفت ایران ("آیروس") و سپس با کالا لیمیتد، جانشین آیروس در لندن راجع به این موضوع مذاکره کردند. طرفین مدرکی که حاکی از محتوای این مذاکرات در سالهای ۸۱-۱۹۷۹ باشد ارائه نکرده‌اند. خواهانها صرفاً اظهار می‌دارند که مذاکرات "نتیجه‌ای به بار نیآورد". با این وصف، در سال ۱۹۸۲ تلکسهایی مبادله شد که در سوابق موجود است: ناتکو یو. کی. تلکسی به تاریخ هشتم شهریورماه ۱۳۶۱ [۳۰ اوت ۱۹۸۲] از کالا لیمیتد دریافت کرد. در این تلکس، کالا لیمیتد با اشاره به معامله دستگاههای دمنده و مراسله مورخ ۲۶ خردادماه ۱۳۶۰ [۱۶ ژوئن ۱۹۸۱] ناتکو یو. کی.، استفسار کرد که "پرونده این معامله از نظر ناتکو یو. کی.، اکنون بسته شده است یا خیر". در ادامه تلکس عنوان شده است که چنانچه ناتکو یو. کی. پرونده معامله را بسته شده تلقی نکند، شرکت نفت پیشنهادی برای بررسی توسط ناتکو یوکی به

شرح زیر دارد:

ما با ماشین سازی اراک تماس گرفته‌ایم و به ما اطلاع داده شده است که آماده‌اند تعداد ۳۲ دستگاه دمنده را به هزینه تولید شده، تحویل دهند. نظر به اینکه سفارش اولیه را پارسونز به ناتکو یو. کی. داده و ناتکو یو. کی. ترتیب تولید آن را به وسیله ماشین سازی اراک فراهم آورده، به نظر ما دریافت این دستگاهها (به دلیل پیچیدگی ادعاها و ادعاهای متقابل بین پارسونز و شرکت نفت از یکطرف و ناتکو یو. کی. و ماشین سازی اراک از سوی دیگر) کار آسانی نیست.

در پایان پیام، سه راه حل برای فیصله موضوع ذکر شده است که شرکت نفت آنها را برای بررسی توسط ناتکو یو. کی. پیشنهاد کرده بود.

۲۳۳ - ناتکو یو. کی. طی تلکس مورخ ۱۸ شهریورماه ۱۳۵۸ [نهم سپتامبر ۱۹۷۹] پاسخ گفت. تلکس با تأیید این مطلب آغاز می‌شود که "از نظر ناتکو یو. کی، پرونده معامله بسته نشده است". در تلکس پیشنهادهای مورد ترجیح ناتکو از بین سه پیشنهاد شرکت نفت مشخص و پیشنهاد متقابلی نیز داده شده و در انتهای تلکس درخواست شده است که جلسه مذاکره‌ای برای بررسی بیشتر مسأله با کالا لیمیتد برگزار شود. بنا به اظهار خواهانها، ناتکو یو. کی. پاسخی درمورد این تلکس دریافت نکرد. مدرکی نزد دیوان وجود ندارد که نشان دهد ماشین سازی اراک با دستگاههای دمنده، به فرض که تولید هم شده بودند، چه کرده است.

۲۳۴ - خواهانها ادعا می‌کنند که ماشین سازی اراک با قصور در ساختن دستگاههای دمنده و تحویل بموقع آنها به سی - ئی ناتکو قرارداد خود را با شرکت اخیر نقض کرده است. طبق گفته خواهانها، قصور ماشین سازی اراک در تماس با سی - ئی ناتکو در اواخر سال ۱۹۷۸ و اوایل سال ۱۹۷۹ و ندادن اطمینان کافی مبنی بر اینکه به اجرای قرارداد ادامه خواهد داد، شواهد و قراین دیگری از قصد ماشین سازی

اراک به نقض موافقتنامه می‌باشد. خواهانها استدلال می‌کنند که نقض قرارداد توسط ماشین سازی اراک به آنها حق می‌دهد خسارتی شامل کل هزینه لوازم کمکی و خدمات ارائه شده به ماشین سازی اراک به اضافه سودی که از فروش دستگاههای دمنده به پارسونز عاید ناتکو یو. کی. می‌گردید، دریافت کنند. خواهانها مدارکی تسلیم کرده‌اند که نشان می‌دهد هزینه آنها ۶۶،۸۴۷/۶۱ پوند و سود مورد انتظارشان ۳۹،۵۸۶/۶۴ پوند بوده است. بدین ترتیب، خواهانها مبلغ ۱۰۶،۴۳۴/۲۵ پوند مطالبه می‌کنند. خواهانها ادعای خود را به طریق دیگری نیز مطرح ساخته، اظهار می‌دارند که ماشین سازی اراک معادل ۶۶،۸۴۷/۶۱ پوند به ناحق دارا شده است. این رقم شامل کل هزینه‌های متحمل ناتکو یو. کی. برای ساختن دستگاههای دمنده، یعنی هزینه خدمات مهندسی، به اضافه هزینه لوازم کمکی است که "قرار بود به ماشین سازی اراک ارائه شود". قلم اخیر شامل ۶،۳۶۰/۸۸ پوند بابت لوازم کمکی است که توسط ناتکو یو. کی. خریداری ولی برای ماشین سازی فرستاده نشده است.

۲۳۵ - ماشین سازی اراک در مخالفت با این ادعاه، اظهار می‌دارد که ناتکو یو. کی. قرارداد را نقض کرده است و نه ماشین سازی، و این امر هنگامی به وقوع پیوست که ناتکو یو. کی. ۴۰ درصد پیش‌پرداخت مقرر در قرارداد را تأدیه نکرد. ماشین سازی اراک همچنین اظهار می‌دارد که ناتکو یو. کی. کلیه لوازم کمکی مورد نیاز را برای وی نفرستاد. ماشین سازی اراک می‌گوید که این تخلف از قرارداد به وی حق می‌داد لوازم کمکی را که به دست آن شرکت رسید، حبس کند. خواهانها پاسخ می‌دهند که پیش‌پرداخت شرط مقدم بر اجرای قرارداد نبود، و یا اگر بود، ماشین سازی اراک با شروع اجرای قرارداد قبل از فرا رسیدن موعد پرداخت و ادامه اجرا بعد از قصور ناتکو یو. کی. در تأدیه پیش‌پرداخت، از حقوق خود اعراض کرده است.

۲۳۶ - ماشین سازی اراک همچنین شش فقره ادعای متقابل تحت ادعای شماره ۵-۱ مطرح ساخته است. در اولین ادعای متقابل ادعا شده است که ناتکو یو. کی. در موافقتنامه دستگاههای دمنده مرتکب نقض قرارداد شده است. بدین ترتیب، ادعای متقابل مزبور عیناً عکس ادعای شماره ۵-۱ می‌باشد. سه فقره از ادعاهای متقابل مربوط به سفارشهای خرید تسلیمی از سال ۱۹۷۸ است که شبیه سفارش سی و دو دستگاه دمنده توسط سی - ئی ناتکو می‌باشد. ماشین سازی اراک خسارات ناشی از قصور ادعایی سی - ئی ناتکو را در تحویل لوازم کمکی و تأدیه پیش‌پرداختها مطالبه می‌کند. این سه فقره ادعای متقابل به سفارشاتى به شرح زیر مربوط می‌شود: (۱) سه دستگاه گرمکن غیرمستقیم، (۲) دو دستگاه گرمکن غیرمستقیم و (۳) یکدستگاه نمک زدایی. دو فقره ادعای متقابل دیگر مربوط به قراردادهایی است که طبق آن سی - ئی ناتکو می‌بایست خدمات مهندسی و قطعات برای پروژه‌هایی که ماشین سازی اراک در برابر شرکت نفت تقبل کرده بود، ارائه می‌کرد. این پروژه‌ها عبارت بودند از: (۱) ساخت مخازن پالایشگاه گاز کنگان، و (۲) تولید هیجده دستگاه سابنده. ماشین سازی اراک ادعا می‌کند که سی - ئی ناتکو این قراردادها را اجرا نکرده، و لذا بابت زیانهای متحمل از آن بابت غرامت مطالبه می‌کند. کل مبلغ مورد ادعای ماشین سازی اراک در این شش فقره ادعای متقابل ۸،۴۸۰،۲۶۲،۶۰ دلار است.

۲۳۷ - ماشین سازی اراک بدواً در تأیید صلاحیت دیوان نسبت به ادعاهای متقابل مزبور استدلال می‌کرد که کلیه این ادعاها از یک قرارداد تولید منعقد در تاریخ ۲۴ تیرماه ۱۳۵۶ [۱۵ ژوئیه ۱۹۷۷] بین سی - ئی ناتکو و ماشین سازی اراک ناشی می‌شود. ماشین سازی اراک بعداً این استدلال را نیز افزود که ادعاهای متقابل از قراردادهای امتیاز - یعنی قرارداد دیگ فشار و قرارداد تولید بخار - که در ادعای شماره ۲-۳ پرونده حاضر عنوان شده‌اند، نیز ناشی می‌شود. نگاه: بند ۱۸۷ بالا. بنا به اظهار ماشین سازی اراک، قرارداد تولید، متمم قراردادهای امتیاز اولیه

بوده و سه قرارداد مزبور مجموعاً "چتری بود که در پوشش آن، سفارشات خرید مختلف بین سی - ئی ناتکو و ماشین سازی اراک به صورت معامله واحدی در آمد.

۲۳۸ - خواهانها سفارشات خرید مختلف را به عنوان معاملات جداگانه ای تلقی می کنند که از قرارداد تولید و یا دو قرارداد امتیاز ناشی نمی شوند. بدینسان، گرچه آنان قبول دارند که دیوان دارای صلاحیت رسیدگی به ادعای متقابل مربوط به دستگاههای دمنده را دارد، با این وصف، به صلاحیت دیوان در مورد سایر ادعاهای متقابل ایراد می گیرند. خواهانها همچنین استدلال می کنند که ماشین سازی اراک دلیل و مدرک کافی برای اثبات ماهیت ادعاهای متقابل ارائه نکرده است.

ب - صلاحیت رسیدگی به ادعاها و ادعاهای متقابل مطروح در ادعای ۵-۱

۲۳۹ - دیوان باید ابتدا به صلاحیت خود نسبت به موضوع ادعای حاضر رسیدگی کند. ادله تسلیمی طرفین این سؤال را مطرح می کند که آیا ادعای شماره ۵-۱ در تاریخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] ادعای پابرجایی، طبق الزام بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی بوده است یا خیر. ماشین سازی اراک اظهار می دارد که ادعا در آن تاریخ پابرجا نبوده است. خواهانها استدلال می کنند که ادعا هنگامی به وجود آمد که ماشین سازی نتوانست دستگاههای دمنده را تولید و به سی - ئی ناتکو تحویل دهد و لذا ادعا در تاریخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] پابرجا بوده است.

۲۴۰ - ادله و مدارک برای حل این موضوع عمدتاً شامل مکاتبات داخلی و بین سی - ئی ناتکو و ناتکو یو. کی. است، به علاوه شهادتنامه هایی از طرف خواهانها توسط دو نفر که در این امر نقش عمده داشته اند. ادله و مدارک مزبور نشان می دهد که قرارداد دستگاههای دمنده تقریباً بلافاصله بعد از انعقاد دچار تزلزل شد و این امر

به روشنی معلول آشوب و تلاطم ناشی از انقلاب ایران بود. اعتصابات مانع از تحویل مواد لازم به ماشین سازی اراک و موجب توقف کار در کارگاه آن شرکت شد. با طولانی شدن تاخیرها، پارسونز (که چنانکه ملاحظه شد کارکنان خود را در دسامبر ۱۹۷۸ از ایران فرا خواند، نگا: بند ۳۷ بالا) تصمیم گرفت سفارش خود را برای سی و دو دستگاه دمنده لغو کند. این امر در ۱۳ شهریورماه ۱۳۵۸ [چهارم سپتامبر ۱۹۷۹] اتفاق افتاد و فرصت مناسبی بود که سی - ئی ناتکو سفارش خود را به ماشین سازی اراک لغو و مطالبه غرامت کند. برعکس، سی - ئی ناتکو ظاهراً ماشین سازی اراک را حتی در جریان اقدام پارسونز نگذاشت و به جای آن، تلاش کرد که از یکسو با اقدام به فروش مستقیم دستگاههای دمنده به شرکت نفت و از سوی دیگر با مذاکره با ماشین سازی اراک، معامله را جاری نگهدارد. تماسهای بین طرفین در سپتامبر ۱۹۷۹، بر لوازم کمکی که ناتکو یو. کی. فرستاده بود و نیز بر اقداماتی که برای تکمیل معامله قابل انجام بود، متمرکز گردید. روشن است که سی - ئی ناتکو در آن زمان تاخیرهای حاصله را قبول کرده و مایل به ادامه کار بود. به طریق مشابه، ماشین سازی اراک نیز علیرغم قصور ناتکو در تأدیه پیشپرداخت لازم، مایل به ادامه معامله بود. نمی توان گفت که ادعای شماره ۵۱- در این مرحله ایجاد شده بود، زیرا همانطور که ماشین سازی اراک، طبق اظهار خواهانها، از حق خود نسبت به پیشپرداخت اعراض کرده بود، سی - ئی ناتکو نیز آنوقت از هر ادعایی که ممکن بود بابت عدم اجرای قرارداد علیه ماشین سازی اراک داشته باشد، صرفنظر کرده بود.

۲۴۱ - تا آنجا که سابقه نشان می دهد، این وضعیت در فاصله پاییز ۱۳۵۸ تا ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] تغییر نکرد. تنها اطلاعات موجود حاکی است که ناتکو یو. کی. به مذاکرات بی ثمری با سایر طرفها، یعنی شرکت نفت و کارگزاران وی، دست زد. این امر نشانه آنست که قرارداد دستگاههای دمنده از نظر سی - ئی ناتکو و ناتکو یو. کی. کماکان معتبر بود و آنها هنوز امیدوار بودند که ماشین سازی اراک

دستگاههای دمنده را تولید کند. جواب ناتکو به تلکس کالا لیمیتد در سال ۱۹۸۲ موعید این برداشت است که پرونده امر کماکان مفتوح بود.

۲۴۲ - بر مبنای دلایل و مدارک یاد شده، دیوان نتیجه می‌گیرد که سی - ئی ناتکو و ناتکو یو. کی. حداقل در ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] از حق اعتراض خود نسبت به قصور ادعایی ماشین سازی اراک در اجرای قرارداد دستگاههای دمنده اعراض کرده بودند. این امر به این نتیجه‌گیری می‌انجامد که ادعای شماره ۵-۱ در تاریخ بیانیه‌های الجزیره پابرجا نبوده و لذا باید مردود شناخته شود. مقایسه شود با: صص ۲۵-۲۶ [فارسی] حکم شماره ۳-۱۸۰-۱۴۴ مورخ ۲۲ تیرماه ۱۳۶۳ [۱۳ ژوئیه ۱۹۸۴] در پرونده هارنیشفیگر کورپ و وزارت راه و ترابری و دیگران، (چاپ شده در 90, 107 Iran-U.S. C.T.R. 7) (ادعای مبتنی بر پیش‌بینی ادعایی نقض قرارداد، درجاییکه قصور خواهان در اعمال حق فسخ قرارداد حاکی از آن بود که وی قرارداد را "کماکان معتبر می‌شمرده و آنرا قطعاً" نقض شده تلقی نمی‌کرده"، پابرجا نبوده است).

۲۴۳ - صلاحیت دیوان نسبت به یک ادعای متقابل منوط است به صلاحیت دیوان نسبت به ادعایی که ادعای متقابل بدان مربوط می‌شود. صص ۴۲-۴۳ [انگلیسی] حکم شماره ۳-۳۰۲-۱۸۶، مورخ ۲۸ مردادماه ۱۳۶۴ [۱۹ اوت ۱۹۸۵] در پرونده اینترنشنال تکنیکال پرادکتس کورپ و دولت جمهوری اسلامی ایران و دیگران، (چاپ شده در 10, 38-39 Iran-U.S. C.T.R. 9). از اینرو، رد ادعای شماره ۵-۱ مستلزم رد شش فقره ادعای متقابل ماشین سازی اراک نیز می‌باشد.

یازدهم - بهره

۲۴۴ - برای جبران خساراتیکه خواهانها بر اثر تاخیر در پرداختها متحمل شده‌اند، به نظر دیوان منصفانه است که بهره ساده به نرخ ۹/۷۵ درصد نسبت به مبالغی که لازم‌التأدیه تشخیص داده شده‌اند، اعطا گردد. نگا: بندهای ۵۸، ۷۳، ۱۱۹، ۱۲۷، ۱۶۸، ۲۰۹، ۲۱۲، ۲۲۴ بالا.

دوازدهم - هزینه‌ها

۲۴۵ - هر یک از طرفین باید هزینه‌های داوری خود را تقبل کند.

سیزدهم - حکم

۲۴۶ - بنا به دلایل پیشگفته،

دیوان به شرح زیر حکم صادر می‌کند:

الف) خواندگان شرکت ملی نفت ایران و شرکت خدمات نفت ایران مکلفند در ادعای شماره ۱-۲ مبالغ زیر را به خواهانها، کمباچن انجینیرینگ، اینک و وتکو اینک بپردازد:

۱) مبلغ چهارصد و بیست و نه هزار و هشتصد و شصت و هفت دلار (۴۲۹،۸۶۷ دلار) به‌اضافه بهره ساده به نرخ ۹/۷۵ درصد در سال (برمبنای ۳۶۵ روز) از تاریخ ۱۴ فروردین ماه ۱۳۵۸ [سوم آوریل ۱۹۷۹] لغایت تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت مبلغ حکم را

از حساب تضمینی به بانک امین صادر می‌کند،

(۲) مبلغ یکصد و هشتاد و نه هزار و نهصد و پنجاه دلار (۱۸۹،۹۵۰ دلار) به‌اضافه بهره ساده به نرخ ۹/۷۵ درصد در سال (برمبنای ۳۶۵ روز) از تاریخ نهم تیرماه ۱۳۵۸ [۳۰ ژوئن ۱۹۷۹] لغایت تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت مبلغ حکم را از حساب تضمینی به بانک امین صادر می‌کند،

(ب) خوانده، شرکت ملی نفت ایران مکلف است در ادعای شماره ۲-۳ مبالغ زیر را به خواهان، کمپاسچن انجینیرینگ، اینک بپردازد:

(۱) یکصد و هفتاد و سه هزار و نهصد و هفتاد و یک دلار (۱۷۳،۹۷۱ دلار) به‌اضافه بهره ساده به نرخ ۹/۷۵ درصد در سال (برمبنای ۳۶۵ روز) از تاریخ ۳۱ خردادماه ۱۳۵۸ [۲۱ ژوئن ۱۹۷۹] لغایت تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت مبلغ حکم را از حساب تضمینی به بانک امین صادر می‌کند،

(۲) مبلغ چهارصد و هشتاد و نه هزار و یکصد و هشت دلار (۴۸۹،۱۰۸ دلار) به‌اضافه بهره ساده به نرخ ۹/۷۵ درصد در سال (برمبنای ۳۶۵ روز) به ترتیب زیر:

- بابت ۵۳،۹۹۱ دلار از تاریخ ۱۳ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ [دوم فوریه ۱۹۷۹]،

- بابت ۱۰۲،۲۹۰ دلار از تاریخ ۱۲ اسفندماه ۱۳۵۷ [سوم مارس ۱۹۷۹]،

- بابت ۱۱،۰۱۷ دلار از تاریخ چهارم مهرماه ۱۳۵۸ [۲۶ سپتامبر ۱۹۷۹]

- بابت ۳۲۱،۸۱۰ دلار از تاریخ ۲۵ دیماه ۱۳۶۰ [۱۵ ژانویه ۱۹۸۲]

لغایت تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت مبلغ حکم را از حساب تضمینی به بانک امین صادر می‌کند.

(ج) خواننده، ماشین سازی پارس مکلف است در ادعای شماره ۴-۲ مبلغ پنجاه و سه هزار و هفتاد و دو دلار (۵۳،۰۷۲ دلار) به‌اضافه بهره ساده به نرخ ۹/۷۵ درصد در سال (برمبنای ۳۶۵ روز) از تاریخ ۱۹ آبانماه ۱۳۵۷ [دهم نوامبر ۱۹۷۸] لغایت تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت مبلغ حکم را از حساب تضمینی به بانک امین صادر می‌کند، به خواهانها، کمباسچن انجینیرینگ، اینک و وتکو اینک بپردازد.

(د) خواننده، ماشین سازی اراک مکلف است در ادعای شماره ۲-۳ مبالغ زیر را به خواهان، کمباسچن انجینیرینگ، اینک بپردازد:

(۱) مبلغ دویست و نه هزار دلار (۲۰۹،۰۰۰ دلار) به‌اضافه بهره ساده به نرخ ۹/۷۵ درصد در سال (برمبنای ۳۶۵ روز) از تاریخ ۲۰ بهمن‌ماه ۱۳۵۸ [نهم فوریه ۱۹۸۰] لغایت تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت مبلغ حکم را از حساب تضمینی به بانک امین صادر می‌کند،

(۲) مبلغ بیست هزار و چهارصد دلار (۲۰،۴۰۰ دلار) به‌اضافه بهره ساده

به نرخ ۹/۷۵ درصد در سال (برمبنای ۳۶۵ روز) از تاریخ ۱۴ مردادماه ۱۳۵۷ [پنجم اوت ۱۹۷۸] لغایت تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت مبلغ حکم را از حساب تضمینی به بانک امین صادر می‌کند.

ه) خواننده، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران مکلف است در ادعای شماره ۳-۳ مبلغ هفت هزار و پانصد دلار (۷،۵۰۰ دلار) به‌اضافه بهره ساده به نرخ ۹/۷۵ درصد در سال (براساس ۳۶۵ روز) از تاریخ ۲۴ آبانماه ۱۳۵۷ [۱۵ نوامبر ۱۹۷۸] لغایت تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت مبلغ حکم را از حساب تضمینی به بانک امین صادر می‌کند، به خواهان، کمباسچن انجینیرینگ، اینک پرداخت نماید.

و) تعهدات بالا با پرداخت از محل حساب تضمینی مفتوح طبق بند ۷ بیانیه مورخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر ایفاء خواهند شد.

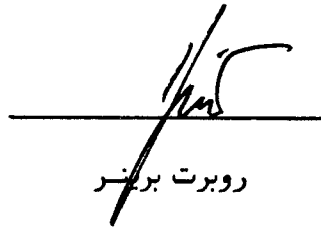
ز) کلیه ادعاهای دیگر خواهانها، کمباسچن انجینیرینگ، اینک، و تکو اینک و ناتکو یوکی لیمیتد مردود شناخته می‌شوند.

ح) کلیه ادعاهای متقابل تسلیم شده توسط خوانندگان، شرکت ملی نفت ایران، شرکت خدمات نفت ایران، ماشین سازی اراک و جمهوری اسلامی ایران مردود شناخته می‌شوند.

ط) هر یک از طرفین باید هزینه‌های داوری خود را تقبل نماید.

ی) بدینوسیله حکم حاضر به منظور ابلاغ به کارگزار امانی به ریاست دیوان داوری تسلیم می‌گردد.

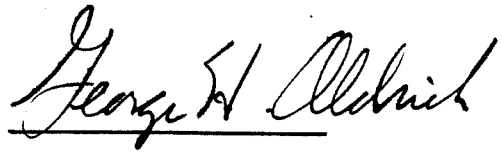
لاسه، به تاریخ ۲۹/۱۱/۱۳۶۹ برابر با ۱۸/۲/۱۹۹۱



روبرت برینر
رئیس شعبه دو



سید خلیل خلیلیان
نظر موافق و مخالف



جورج اچ. آلدریچ